



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک

انجمن حمایت از کودکان کار - خردادماه ۱۴۰۱



ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک

سردبیر: فرشته فرهمند حبیبی
دبیر اجرایی: سمانه موسوی
مدیر هنری: حسین عناصری
صفحه‌آرا: رضا تیموری
هیات تحریریه: زهرا زمانی، مریم قربانی، فاطمه علیدادی، نگار ماهری و پادین فاضلیان
عکس روی جلد: علیرضا گودرزی؛ نفر سوم دوسالانه‌ی هنری دستان ۱ در بخش عکس

از شما عزیزی که ویژه‌نامه را مطالعه می‌فرمایید، خواهشمندیم تا نظرات خود را به اطلاع واحد ارتباطات انجمن حمایت از کودکان کار به نشانی پست الکترونیک: pr@apcl.org.ir و یا شماره‌ی تلفن ۰۹۱۰۵۳۶۸۹۱۴ ارایه فرمایید.

سرمقاله؛ با هم برای کودکان / ۴
منابع انسانی انجمن حمایت از کودکان کار؛ سربازان مصمم مبارزه با کار کودک / ۶
گزارش عملکرد اجرایی انجمن حمایت از کودکان کار در سال ۹/۱۴۰۱
نقش هنرآموزی در مبارزه با کار کودک / ۳۸
با من بخوان برای کودکان کار / ۴۲
همگام با جنبش جهانی لغو کار کودک / ۴۵
هیچ وقت دیر نیست، فقط شروع کن / ۴۸
بیانیه‌ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار / ۵۴
تأثیر حمایت‌های اجتماعی بر حذف کار کودک / ۵۵

قاسم حسنی؛ مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار

این روزها همه‌ی ما شاهد آن هستیم که تعداد کودکانی که در میادین و تقاطع‌های شهر مشغول به کارند، افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. این درحالی است که کودکانی که در خیابان‌ها به کار مشغولند، تنها بخشی از جمعیت کودکان کار هستند. چرا که بخش‌های دیگری از کودکان کار، در کارگاه‌ها، منازل، مزارع، بنادر، گودهای تفکیک زباله و غیره و به دور از دایره‌ی دید عموم به کار می‌کنند.

اگر چه همه‌ی اشکال کار کودکان، مضموم بوده و نشانه‌ی محرومیت آنان از حقوق کودکی‌شان است و به‌طور معمول برای آنان با آسیب و بهره‌کشی همراه است، ولی در این میان بخش‌هایی از کار کودکان وجود دارد که آسیب‌های جدی‌تری را برای آنان به همراه دارد.

به‌طور مثال کافی است کودک زباله‌گردی را تصور کنیم که روزها پیش چشمان ما در کوچه و خیابان‌های شهر به جمع‌آوری زباله از سطوح‌های زباله مشغول است، در میان گودهای غیرقانونی جمع‌آوری و تفکیک زباله که به‌طور معمول در حاشیه‌ی شهرها هستند و در میان جمعی از بزرگسالان شب‌ها را سپری می‌کند، در آن‌صورت در خواهیم یافت که همین یک شغل به تنهایی چه مقدار از آسیب‌ها را می‌تواند برای آن کودک به همراه داشته باشد، دور بودن از آغوش خانواده و محرومیت از مهر و عاطفه‌ی پدر و مادر، زیستن در شرایطی ناامن و محرومیت از ضرورت‌های مسلم بهداشتی و ایمنی، قرار گرفتن در معرض خشونت‌های محیطی و انواع سوءاستفاده‌ها که به‌طور معمول از ویژگی‌های چنین محیط‌هایی است، عدم برخورداری از تغذیه‌ی مناسب و فرصت‌های لازم برای بازی، تفریح نشاط و آن‌چه که لازمه‌ی بهداشت فردی و رشد و بالندگی کودک است، همگی از اثرات زیان‌بار پدیده‌ی زباله‌گردی بر زندگی کودکان است.

همان‌طور که شاهدیم زباله‌گردی کودکان، خود به تنهایی مجموعه‌ای از آسیب‌هایی را برای آنان به همراه دارد که در برخی موارد تمام عمر بر زندگی کودک سایه انداخته و جراحات ناشی از آن هرگز در روح و روان کودک ترمیم نمی‌شود.

نکته‌ی دیگر آن‌که دامنه‌ی بدترین اشکال کار برای کودکان تنها به زباله‌گردی ختم نمی‌شود و مشاغل دیگری نظیر کار کودکان در قهوه‌خانه‌ها، کار در کارگاه‌های زیرزمینی و یا کارگاه‌های شبانه‌ی چاپ سیلک و غیره، فعالیت‌های کودکان در کولبری و قاچاق کالا از جمله قاچاق بنزین، استفاده از کودکان در خرید و فروش و ترانزیت مواد مخدر استفاده از کودکان در فعالیت‌های زشت‌انگاره و یا به کار گماردن آنان در مصادیق کار اجباری و بردگی جنسی کودکان، استفاده از کودکان در درگیری‌های مسلحانه، همه و همه جلوه‌هایی از بدترین اشکال کار کودکان هستند.

در منظر جهانی، بدترین اشکال کار کودکان به جنبه‌هایی از کار کودک اطلاق می‌شود که علاوه بر محرومیت کودک از حقوق خود، او را در معرض آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی روحی، روانی و اخلاقی نیز قرار می‌دهد.

از این‌رو ست که سازمان جهانی کار در هفدهم ژوئن سال ۱۹۹۹ با تصویب مقاله‌نامی شماره‌ی ۱۸۲ خود، با موضوع اقدام برای محو فوری بدترین اشکال کار کودک، مسئولین کشورهای عضو را بر همت گماردن در شناسایی و محو بدترین اشکال کار کودک در کشور متبوع خود مکلف کرده است، ولی متأسفانه تا اکنون که قریب ۲۳ سال از تصویب این مقاله‌نامه می‌گذرد، کماکان جهان شاهد به کارگیری کودکان در بدترین اشکال کار است و نهادهای بین‌المللی ناظر نیز در بسیاری از موارد این موضوع را به سکوت گذرانده‌اند.

البته ناگفته نماند از سال گذشته‌ی میلادی سازمان ملل متحد کشورهای عضو را دعوت به اقدام جدی در این زمینه کرده و از آنان خواسته اقدامات بنیادینی را برای محو کار کودک تا سال ۲۰۲۵ صورت دهند ولی از آن‌جا که نهادهای عضو سازمان ملل متحد، مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، خود سهمی را در این مسئله به عهده نگرفته‌اند و در عرصه‌ی سیاسی بین‌المللی نیز کماکان در بر همان پاشنه‌ی پیشین می‌چرخد به نظر می‌رسد برنامه‌ی دعوت از کشورهای جهان برای محو کار کودک توسط آن سازمان، بیشتر از آن‌که یک برنامه‌ی عمل اجتماعی باشد، یک شعار و مانور سیاسی است.

ولی آن‌چه که مسلم است چه سازمان ملل متحد و اعضای آن اقدام جدی در مسیر حذف



کار کودک صورت دهند و چه ندهند، کودکان اصلی‌ترین سرمایه‌های جوامع بشری هستند و بدون چاره‌اندیشی برای تامین شرایط زیستی با کرامت برای آنان، دستیابی به فردایی بهتر برای هیچ یک از کشورهای جهان تحقق‌یافتنی نیست و جهان آینده، تنها در صورتی می‌تواند عاری از خشونت بوده و صلح و آرامش پایدار را تجربه کند که از همین امروز اقدام جدی برای حفظ کرامت انسانی کودکان و ایجاد بسترهای دسترسی برابر به ضرورت‌های زیستی لازم برای همه‌ی آنان را فراهم کند.

بدیهی است موفقیت در این مسیر، نیازمند شکل‌گیری اهتمام ملی و برنامه‌ی عمل مشترک در میان همه‌ی ظرفیت‌های دولتی، غیردولتی، در همه‌ی کشورهاست.

و اگر بخواهیم در مورد کشور خودمان صحبت کنیم این‌که هنگامی که صحبت از اهتمام ملی برای حل مسئله‌ای می‌کنیم، ضرورت حضور موثر و سازمان‌یافته‌ی مردمی در قالب تشکل‌های خودانگیخته‌ی خویش در کنار دستگاه‌های ذیربط دولتی برای حل آن مسئله‌ی خاص امری اجتناب‌ناپذیر است. چرا که به طور مثال در موضوعی مانند کار کودکان تشکل‌های غیردولتی بدون تمایل و خواست دستگاه‌های مرتبط دولتی نمی‌توانند قدم‌هایی جدی به سمت محو بنیادین کار کودک بردارند، چرا که در اساس تشکل‌ها دسترسی به ابزارهای تقسیم عادلانه‌ی ثروت و رفع فقر و در نتیجه ایجاد تغییرات بنیادین در شرایط کودکان را در اختیار ندارند و همه‌ی تشکل‌های غیردولتی فعال در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک در ایران، به این موضوع واقفند که ضمن پیگیری و مطالبه‌ی مستمر حقوق کودکان آن‌جایی که اقبالی از سوی دولت‌ها نشان داده می‌شود، باید در کنار آنها قرار گرفته و با به اشتراک گذاشتن تجربیات میدانی خود به شناخت هر چه بهتر مسئله به آنان کمک کنند و در اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های اجرایی درستی که برآمده از این شناخت بوده و تامین‌کننده‌ی منافع کودکان است، یاری‌گر دولت‌ها باشند.

از این‌رو، انجمن حمایت از کودکان کار، که اکنون در ماه‌های پایانی بیستمین سال فعالیت‌های خود قرار دارد، همواره بر دو بعد توأمان، «حمایت از کودکان و مبارزه با کار کودک» تاکید ورزیده است و با تمام توان تلاش کرده آموزش و حمایت‌هایی را که می‌توانسته‌اند کاهنده‌ی مشکلات کودکان باشند را به کودکانی که به آنان دسترسی داشته است ارایه دهد و از دیگر سو با نگاهی معطوف به همه‌ی کودکانی که گرفتار چرخه‌ی کارند تلاش کرده درباره‌ی راه‌حل‌ها و ضرورت‌هایی که می‌توانند در گستره‌ی پهناور، نجات‌بخش کودکان از چرخه‌ی کار باشند نیز اندیشیده و هرگاه فرصتی برای بیان این ضرورت‌ها یافته در حد توان خویش برای تشریح چرایی آن و متقاعد کردن مسئولان امر، بدان امید که گره‌گشای مشکلات کودکان بیشتری باشد کوشیده است.

همان‌طور که اشاره شد، اکنون که بیست سال از تلاش‌های مسئولانه‌ی انجمن و اثربخشی‌های امیدوارکننده‌ی آن می‌گذرد، همه‌ی ظرفیت‌های انسانی انجمن اعم از نیروهای پر تلاشی که به طور مستقیم در بخش‌های اجرایی آن درگیر کارند و یا همه‌ی داوطلبان و حامیانی که فداکارانه در کنار انجمن قرار گرفته و سپری کردن این مسیر دشوار را میسر کرده‌اند، با حضور و از خودگذشتگی‌های خویش، بیش از هر زمان دیگری بر این اصل تاکید دارند که انجمن حمایت از کودکان کار هم مانند دیگر تشکل‌های غیردولتی فعال در این عرصه، سرمایه‌ی اجتماعی ارزشمندی است که حفظ و هدایت آن می‌تواند دریچه‌ی امید باشد رو به فردایی بهتر برای همه‌ی کودکانی که سرنوشت آنان قربانی ناملایمات زندگی شده است.

در منظر جهانی، بدترین اشکال کار کودکان به جنبه‌هایی از کار کودک اطلاق می‌شود که علاوه بر محرومیت کودک از حقوق خود، او را در معرض آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی روحی، روانی و اخلاقی نیز قرار می‌دهد.

منابع انسانی انجمن حمایت از کودکان کار؛ سربازان مصمم مبارزه با کار کودک

زهرآزمایی، عضو هیات مدیره و مدیر مرکز بازار انجمن حمایت از کودکان کار

«باید دنیا را کمی بهتر از آن چه تحویل گرفته‌ای تحویل دهی
خواه با فرزندی خوب
خواه با باغچه‌ای سرسبز
خواه با اندکی بهبود شرایط اجتماعی
و اینکه بدانی
اگر حتما فقط یک نفر
با بودن تو
ساده‌تر نفس کشیده است
یعنی تو موفق بوده‌ای...»^۱

انجمن نیروهای متخصص را
برای ارائه خدمات تخصصی
و حرفه‌ای استخدام می‌کند و
کودکان کار را که فرصت‌های
بسیاری در زندگی از ایشان
گرفته شده است را معطل نگه
نمی‌دارد

انسان‌های زیادی کودکان کار را در خیابان‌ها و چهارراه‌ها، بازارهای محلی، پاساژها، معابر بازار و ... دیده‌اند. نگاه و توجه افراد به این موضوع متفاوت است. اینکه برخی افراد، کار کودک را بهنجار می‌دانند و بعضی دیگر نابهنجار، گروهی از دیدن آسیب به کودکان به شدت ناراحت می‌شوند و برخی از دیدن کودکان کار ناراحت شده و تعدادی هم، احساس خاصی ندارند. خوشبختانه هنوز هم هستند افرادی که به راحتی از کنار کودکان کار بی‌تفاوت، عبور نمی‌کنند و در گوشه‌ای از ذهن خود به شرایط این گروه از کودکان فکر می‌کنند و پرسش‌هایی برایشان مطرح می‌شود و به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها برآمده و کودکان کار، بخشی از دغدغه و دل‌مشغولی ایشان می‌شود. با کمی جست و جو در مورد کودکان کار با سازمان مردم‌نهادی مثل انجمن حمایت از کودکان کار آشنا می‌شوند و به عنوان حامی، داوطلب و یا پرسنل موظف به انجمن ملحق می‌شوند. داوطلبان و پرسنل موظف به عنوان منابع انسانی مبارزه با کار کودک، انجمن را در رسیدن به اهداف یاری می‌کنند و این‌گونه به دغدغه‌ی خود در خصوص کودکان کار پاسخ مستقیم می‌دهند. داوطلبان و کارکنان به عنوان منابع انسانی، یکی از ارزش‌ترین سرمایه‌های انجمن حمایت از کودکان کار هستند. کارکنان متأثر از ارزش‌های درونی سازمان هستند و از این ارزش‌ها برانگیخته می‌شوند. براساس مأموریت انجمن، ماهیت عدالت محور و فارغ از تبعیض آن اهمیت به کودکان و کارکنان جزو ارزش‌های ذاتی آن بوده است. شفافیت وظایف و روابط پاسخگویی به نظرات، ارتقای مهارت‌های کارکنان سبب شده تا میزان وفاداری و تعهد بالاتر برود. همچنین سیستم قرارداد، جبران خدمت و وضعیت بیمه نیز در انجمن شفاف است. به دلیل نداشتن منابع مالی پایدار و اتکا به حمایت‌های مالی مردمی، تاخیر در پرداخت دستمزدها، تنها مسأله‌ای است که انجمن برای این سرمایه‌ی ارزشمند، با آن روبروست. تجربه‌ی بیست ساله‌ی فعالیت انجمن نشان داده که در سرزمین ما، افرادی که به فعالیت حرفه‌ای متخصصان در حوزه‌ی آسیب و دریافت حقوق و دستمزد ایشان از سوی نهاد مردمی، اعتقاد داشته باشند بسیار محدود است. از طرف دیگر انجمن برای هزینه‌کرد منابع مالی خود اصول و اخلاق حرفه‌ای را به انجام می‌رساند. به گونه‌ای که وجه واریزی از سوی حامیان در زمینه‌ای که به انجمن اعلام کرده باشند، به‌طور قطع هزینه خواهد شد و طی گزارش‌های شفاف به حامی مورد نظر از طریق مبادی ارتباطی از سوی انجمن اطلاع‌رسانی خواهد شد. همچنین انجمن برای هزینه‌کرد باقی منابع مالی به الویت‌های هزینه‌ی کودکان در زمینه‌های حمایتی و آموزشی، تعهدات قانونی به افراد و سازمان‌ها (اجاره ساختمان بیمه‌ی پرسنل، قبوض و ...) را پرداخت کرده و در نهایت پرداخت حقوق و دستمزد را به انجام می‌رساند.

یکی از پرسش‌هایی که همواره در خصوص منابع انسانی انجمن مطرح می‌شود این است که چرا انجمن در بخش‌های اجرایی تنها از نیروهای داوطلب کمک نمی‌گیرد و خود را با چالش پرداخت حقوق و دستمزد روبرو می‌کند و نیروهای متخصص استخدامی می‌کند؟ فعالیت نیروهای داوطلب که قلب خود را در دست گرفته و به انجمن مراجعه می‌کنند بسیار مفید و اثربخش است اما به دلیل اینکه نیروهای داوطلب در ساعات اداری در مشاغل شخصی مشغول هستند و تعهدات دیگری دارند مانع از این می‌شود که حضور مستمر و



۱ گابریل گارسیا مارکز



موثری داشته باشند و تنها می‌توان در امور فوق‌برنامه که ساعاتی کوتاه در هفته را در بر می‌گیرد از خدمات ایشان بهره برد. انجام امور تخصصی در بخش‌های آموزشی و حمایتی در رابطه با کودکان موضوعی است که نیاز به استخدام نیروهای متخصص را بسیار ضروری و دارای اهمیت است. زیرا کودکان دارای آسیب و آسیب‌دیده نیاز به حضور و همراهی و درمان نیروهای متخصص دارند. از این‌رو انجمن نیروهای متخصص را برای ارایه‌ی خدمات تخصصی و حرفه‌ای استخدام می‌کند و کودکان کار را که فرصت‌های بسیاری در زندگی از ایشان گرفته شده است را معطل نگه نمی‌دارد. جالب است بدانید که نیروی موظف انجمن با شرایطی چون حداقل حقوق وزارت کار و پرداخت‌های معوق، خالصانه روزانه در مراکز انجمن حضور می‌یابند و خدمات تخصصی خود را به کودکان ارایه می‌کنند. همچنین براساس اینکه انجمن برای ارایه‌ی خدمات تخصصی به گروه هدف، مراکز خود را در مناطق آسیب‌دیده‌ی تهران و شهر بزم تاسیس کرده است، تردد مستمر منابع انسانی در این مناطق صورت می‌گیرد، که این موضوع در توان هر فردی نیست و هر کسی چنین انتخابی را نخواهد کرد. این افراد توانایی این را دارند تا با حقوق و مزایای بهتر با همین میزان کار در موسسات انتفاعی در مناطقی به دور از آسیب کار کنند. با توجه به موارد گفته شده، نشان می‌دهد که پرسنل انجمن به صورت نیمه داوطلب مسیر مبارزه با کار کودک را در حال طی کردن هستند و تنها عشق و انگیزه‌ی حمایت از کودکان کار است که ایشان را به ادامه‌ی کار در انجمن دلگرم می‌کند.

منابع انسانی داوطلب و موظف (نیمه داوطلب) انجمن هستند که موجب تحقق برنامه‌های استراتژیک شده و دستیابی به بیانیه‌ی مأموریت و چشم‌انداز انجمن را ممکن می‌سازند. منابع انسانی انجمن از این نظر سرمایه نامیده می‌شوند که دارای انگیزه‌ی متفاوتی در مقایسه با همتهای‌شان در سازمان‌های انتفاعی هستند. در واقع افرادی که انرژی و بخشی از عمر خود را صرف پاسخگویی به نیاز اثرگذاری اجتماعی و حل مسأله‌ی اجتماعی کار کودک که دغدغه‌ی ایشان است، می‌کنند. منابع انسانی انجمن به میدان آسیب‌های اجتماعی از نزدیک ورود کرده و با همراهی و همدلی ویژه‌ای که با مسولیت‌پذیری همراه است در مسیر سخت مبارزه با کار کودک وارد می‌شوند و در بسیاری از موارد با دست‌های خالی با کودکان آسیب‌دیده، همراه می‌شوند که جز خدا حامی دیگری ندارند. ایشان به خوبی متوجه هستند که رها کردن کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب، در شرایط دشواری که در آن قرار دارند، چه اثرات زاینباری برای کودک، سلامت جسم و روح وی و در آینده برای جامعه خواهد داشت. بنابراین احساس مسولیت کرده و ارزش‌های مبارزه با کار کودک و انجمن حمایت از کودکان کار بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت شخصی وی می‌شود.

به عبارت دیگر با نگاهی اجمالی به ده سال تجربه حضور نگارنده در انجمن حمایت از کودکان کار می‌توان این‌گونه گفت که درصد بالایی از منابع انسانی مشغول در انجمن به خاطر دغدغه و حمایت از کودکان کار در انجمن حضور دارند. البته در مواردی هم پیش آمده که برخی افراد به خاطر فشار ناشی از تعویق در دریافت حقوق متأسفانه به ناچار انجمن را ترک کرده و فعالیت اجتماعی خود را به بخشی دیگر از اجتماع منتقل می‌کنند و این امر نشان از کادرسازی اجتماعی انجمن دارد. درصد کمی از پرسنل و داوطلبان نیز تنها برای ایفای شغل به انجمن مراجعت کرده و گاهی با تکمیل رزومه و یافتن شغلی بهتر انجمن را ترک می‌کنند.

نظر به اینکه فقدان منابع مالی پایدار امکانات لازم در خصوص تامین اقتصادی منابع انسانی را همواره با مشکل مواجه می‌سازد، اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا در بحران‌های اقتصادی کنونی نیز می‌توان مانند گذشته منابع انسانی را به همراه داشت؟ پاسخ بسیار بدیهی است از این‌رو انجمن در جست و جوی منابع مالی پایدار برای برون رفت از بحران‌های اقتصادی است، زیرا تغییر منابع انسانی کنونی انجمن که افرادی حرفه‌ای کارکشته و آموزش دیده براساس اصول و ارزش‌های انجمن هستند با نیروهای جدید، نیازمند صرف هزینه‌های بسیاری برای استخدام و تربیت نیروهای جدید و موضوع جانسپین پروری است.

منابع انسانی انجمن در حمایت از کودکان و حقوق مربوط به ایشان سخت‌کوشانه تلاش می‌کنند و تا محقق شدن اهداف‌شان آرامش نمی‌پذیرند. برنامه‌هایی که منابع انسانی انجمن در محورهای حمایتی، آموزشی و ترویجی دنبال می‌کنند عبارتند از:

حمایتی:

ارایه‌ی خدمات روانشناسی چون گرفتن ارتباط موثر با کودکان دارای آسیب بسیار که قادر به اعتماد کردن به بزرگسالان نیستند و درمان آسیب‌های روانشناختی ایشان با



استفاده از روش‌های تخصصی چون بازی درمانی، قصه‌درمانی، دارو درمانی و در موارد لازم بستری در بیمارستان پیگیری می‌کنند. در طی بیست سالی که انجمن فعالیت کرده است، نتایج حاکی از آن است که ارتباط بسیار خوبی بین کودکان و منابع انسانی انجمن در بخش‌های مختلف شکل گرفته و نتایج موثر بودن روابط را تایید می‌کنند. همچنین در بخش مددکاری اجتماعی مشکلات مختلفی چون رایزنی و مقابله با اهداف سودجویانه‌ی کارفرمایان، کاهش ساعات کار کودک و جدا کردن کودکان از انجام کارهای خطرناک حمایت از کودکان در بحران‌های مختلف چون درگیر شدن در کارهای خطرناک، سوء مصرف مواد، تجاوز و سوء استفاده‌ی جنسی، پیگیری حقوقی در راستای حل مشکلات هویتی و پیگیری امور بهداشتی و درمانی برای درمان کودکان با مراجعات پزشکی، دارو درمانی، بستری، جراحی و ...

آموزشی:

اهداف آموزشی چون آموزش کودکان بازمانده از تحصیل در سنین بالا و تلاش برای رساندن ایشان به سطوح آموزش و پرورش و رایزنی‌های بسیار برای ثبت‌نام ایشان در مدارس دولتی و حمایت‌های بسیار برای پیشگیری از بازمانده شدن ایشان از تحصیل تا مقطع دیپلم و ثبت‌نام ایشان در دانشگاه را در کارنامه‌ی کاری خود دارد.

ترویجی:

اهداف ترویجی شامل برگزاری مراسم و رویداد برای مبارزه با کار کودک، تولید محتوا و ادبیات مبارزه با کار کودک برای ارتقای آگاهی عمومی در خصوص مساله‌ی کار کودک و مبارزه با کار کودک و مطالبه‌گری‌های اجتماعی و قانونی، انجام رایزنی‌های مختلف با سازمان‌ها و موسسات مختلف و نهادهای دولتی و جهانی و ...

به صورت کلی می‌توان گفت انجمن قدیمی‌ترین نهادی بوده است در ایران که الگوی عملی در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک و حمایت از کودکان کار به صورت تخصصی ارائه‌ی کرده است الگوی عملی حمایتی- آموزشی براساس نیاز کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب که اکنون با تجربه‌ی بیست سال دانش و تجربه‌ی خود برای حمایت از کودکان آسیب‌دیده شده است. این الگوی عملی نیز توسط منابع انسانی ارزشمند و متعهدی که همواره از دور و نزدیک در کنار انجمن بوده و هستند طراحی، حفظ و به یادگار مانده است. منابع انسانی انجمن در طول سال‌های فعالیت انجمن در حال جابه جایی بوده و به دلایل مختلف از انجمن جدا شده و در سایر سطوح جامعه مشغول به فعالیت شده‌اند. انتقال دانش، تجربه و تخصصی که نتیجه‌ی حضور ایشان در انجمن بوده است به سایر سطوح اجتماعی، جزو افتخارات انجمن در زمینه‌ی پرورش منابع انسانی متخصص و کادرسازی اجتماعی آن به شمار می‌رود. البته اغلب نیروهای یاد شده در زمان‌های مورد نیاز مجدد در انجمن حضور یافته و به صورت موظف یا داوطلب خدمات مورد نیاز را ارائه می‌دهند که نشانگر این است که همواره انجمن حمایت از کودکان کار بخشی از هویت شخصی و اجتماعی ایشان است.

در پایان قدردانی می‌کنم از زحمات ارزشمند تمامی منابع انسانی متعهدی که از سال ۱۳۸۱ تا کنون در هر یک از بخش‌های انجمن به ارائه‌ی خدمات به کودکان کار و در معرض آسیب پرداخته‌اند. که اگر نبود جانفشانی‌های آنان اینک انجمن پناهگاه امن کودکان و سازمان مردم‌نهاد خوشنام و مورد اعتماد مردم نبود. به امید روزی که همه‌ی کودکان مشغول بازی شادی و تحصیل باشند و منابع انسانی انجمن با فقدان گروه هدف در جامعه مواجه شوند.

الگوی عملی در زمینه‌ی مبارزه با کار کودک و حمایت از کودکان کار به صورت تخصصی ارائه‌ی کرده است الگوی عملی حمایتی- آموزشی براساس نیاز کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب که اکنون با تجربه‌ی بیست سال دانش و تجربه‌ی خود برای حمایت از کودکان آسیب‌دیده شده است. این الگوی عملی نیز توسط منابع انسانی ارزشمند و متعهدی که همواره از دور و نزدیک در کنار انجمن بوده و هستند طراحی، حفظ و به یادگار مانده است.



گزارش عملکرد اجرایی انجمن حمایت از کودکان کار در سال ۱۴۰۰

«بر کسی پوشیده نیست که برنامه‌ریزی و توجه ویژه به کودکان یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار به شمار می‌آید و به‌روزی و سعادت جوامع در گرو میزان توجهی است که به کودکان و مسایل آنان می‌شود و نیز می‌دانیم که نابسامانی‌های ناشی از تحولات سیاسی اقتصادی و اجتماعی بیشترین فشار را بر طبقات فرودست جامعه وارد می‌آورد و در این میان کودکان این طبقات در معرض بیشترین فشار ناشی از این نابسامانی‌ها قرار دارند که پدیده‌ی کار کودکان و محصول چنین فرآیندی است. اگر چه پدیده‌ی کار کودکان در کشور از دیرباز وجود داشته است ولی در سال‌های اخیر ما با رشد روز افزون و چشمگیر این پدیده در اشکال مختلف روبه‌رو هستیم و نیز به دلیل پیچیدگی‌های خاص کلان شهرها کودکان کارگر علاوه بر آسیب جسمی با آسیب‌های بی‌شمار دیگری مواجه هستند که در گذشته‌ی دور به دلیل قرار گرفتن در ساختار خانوادگی و طایفه‌ای کمتر با این آسیب‌ها مواجه بودند. اثرات مخرب و ابعاد رو به گسترش این آسیب‌ها به حدی است که هرگونه تأخیر در چاره‌اندیشی می‌تواند، پیامدهای ناگوار جبران‌ناپذیری را بر زندگی این کودکان و سلامت و امنیت جامعه داشته باشد. طی سال‌های اخیر در ایران سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در این خصوص آغاز به فعالیت کرده‌اند. یکی از این نهادها، انجمن حمایت از کار کودکان است که به عنوان یک نهاد مستقل مردمی با پشتوانه‌ی حمایت و فعالیت داوطلبانه‌ی اعضا و با هدف حمایت از کودکان کار و خیابان که از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند و نیز تلاش در راستای تحقق کودک و قوانین جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با حقوق کودکان برای حمایتی هرچه اساسی‌تر از این کودکان لازم است، ضمن مطالعه و آگاهی از تجارب و راهکارهای جهانی همواره ویژگی‌ها و شرایط بومی محل زندگی آنان را نیز در نظر گرفت. لذا انجمن حمایت از کودکان کار مرکزیت خود را در یکی از محله‌هایی که بخش قابل توجهی از کودکان آن کار می‌کنند، قرار داده است.

چرا کار کودکان؟

طی بیش از دو سال فعالیت داوطلبانه‌ی آموزشی-حمایتی در میان کودکان کار و خیابان محله‌ی دروازه غار و آشنایی بیشتر با روحیات، نیازها، حساسیت‌ها و ویژگی‌های این کودکان، آموختیم که حمایت از کودکان جز با به رسمیت شناختن هویت انسانی آنان میسر نیست. کودکانی که شأن و هویت انسانی آنان نادیده گرفته شده است و محروم از دنیای شیرین کودکی، ناگزیر از چهره‌ی خشن فقر، جهل، گرسنگی، تعدی و تجاوز هستند. در میان نسبت دادن القاب و عناوینی چون خیابانی، فراری و... ستم دیگری است که می‌تواند در تمامی عمر بر شخصیت آنان سایه انداخته و مدار بسته زندگی‌شان را دچار تسلسل کند. واژه‌ی خیابان و خیابانی در جامعه ما مترادف با ولگردی و بی‌خانمانی است.

بار ارزشی این واژگان نزد افکار عمومی جامعه از یک سو و اثر بازتاب نامطلوب آن بر شخصیت کودکان محروم از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا به منظور حفظ حرمت و شأن انسانی کودکان، بر خلاف آنچه متداول است، واژه‌ی خیابان را در نام‌گذاری به کار نبرده‌اند و نام «کودکان کار» را برای تمامی این کودکان اعم از آنهایی که محل کارشان در خیابان‌ها، کارگاه‌ها، منازل و... بوده، برگزینیم.»^۱

متنی که خواندید، بیست سال پیش در خبرنامه‌ی شماره‌ی یک انجمن حمایت از کودکان کار به چاپ رسیده بود. در این متن ما دلیل انتخاب نام انجمن حمایت از کودکان کار را با شما در میان گذاشتیم. حالا از آن روزها بیست سال گذشته است. ما در کنار هم تمام قد برای کودکان کار ایستادیم و بیست سال علیه کار کودک مبارزه کردیم. مبارزه‌ای که صلح‌محور بوده و با حمایت از کودکان همواره همراه بوده است. در طول این سالیان ما با هم تلخکامی‌ها، نومی‌ها، شادی‌ها، موفقیت کودکانمان که امروز کودکان کار دیروز هستند را طی کردیم. گام به گام صبوری و تلاش کردیم تا انجمن جان‌مان، با اعتقاد بر باور محو کار کودک شرافتمندانه و انسان‌دوستانه فارغ از هر تبعیضی بتواند بیش از ۱۳ هزار کودک کار را در آغوش خود داشته باشد و مسیر زندگی ایشان را تغییر دهد. بتواند ادبیات مبارزه با کار کودک تولید کند، با الگوی عملی و تخصصی خود، راه روشنی را برای تمامی کودکان کار که دستش به آنها نمی‌رسد، تولید کند.

بیست سال پیش انجمن مرکز مولوی را داشت ولی حالا در پنج مرکز میزبان و مامن کودکان کار، کودکان آسیب‌دیده و در معرض آسیب است. ما در انجمن حمایت از کودکان کار از حمایت و پشتیبانی داوطلبان، حامیان و پرسنل خود، قدردان شما عزیزان هستیم.

**حمایت از کودکان
جز با به رسمیت شناختن
هویت انسانی آنان
میسر نیست.**

متأسفانه این مسیر ادامه دارد و ما همچنان، حتا به ناچار برای ادامه‌ی مسیر مبارزه با کار کودک باید امیدوار باشیم. آنچه که در ادامه می‌خوانید گزارش عملکرد اجرایی در محورهای حمایتی و آموزشی و خدمات مستقیم به گروه هدف انجمن در سال ۱۴۰۰ است که به همت معاونان، مدیران مراکز و مسئولان بخش‌های اجرایی انجمن تهیه شده است.

محور حمایتی

براساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) و سازمان جهانی کار تحت عنوان «کار کودک، برآوردهای جهانی ۲۰۲۰، روندها و مسیر پیش‌رو» در دنیای امروز، کار کودک به یک مشکل پایای جهانی تبدیل شده است. آخرین برآوردهای جهانی تخمین می‌زند که در آغاز سال ۲۰۲۰، حدود ۲۲۲ میلیون کودک درگیر کار و فعالیت اقتصادی بوده‌اند که ۱۶۰ میلیون (۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر) از این موارد را می‌توان مصداق کار کودک نامید. به عبارتی از هر ۱۰ کودک یک نفر درگیر کار کودک است. به‌طور تقریبی نیمی از این کودکان درگیر کارهای مخاطره‌آمیزی بوده‌اند که به‌طور مستقیم سلامت امنیت و رشد اخلاقی آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد.

طی چهار سال گذشته منتهی به سال ۲۰۲۰، علی‌رغم کاهش درصد کودکان کار و کودکان درگیر در کارهای مخاطره‌آمیز، قدر مطلق تعداد این کودکان به ترتیب هشت و شش و نیم میلیون نفر افزایش یافته است.

تحلیل‌ها نشان می‌دهند که بیش از ۹٫۸ میلیون کودک تا آخر سال ۲۰۲۲ بر اثر فقر ناشی از همه‌گیری کوید-۱۹ مجبور به کار خواهند شد. از طرفی، کاهش پوشش حمایت اجتماعی می‌تواند تأثیری فزاینده بر کار کودک داشته باشد و بر عکس، افزایش پوشش حمایت اجتماعی می‌تواند مسیر کاهش کار کودک را تسهیل کند. حمایت‌های اجتماعی آثار فقر بر خانواده‌ها را کاهش داده و آنان را از درآمدهای حاصل از کار کودکان بی‌نیاز می‌سازد، شرایط ادامه تحصیل کودکان را مهیا می‌سازد و شرایط را برای رشد مناسب کودکان آماده می‌کند. علی‌رغم اثربخشی حمایت‌های اجتماعی در کاهش کار کودک، حتا پیش از همه‌گیری کوید - ۱۹ نیز به‌طور تقریبی سه چهارم کودکان در جهان از خدمات حمایت‌های اجتماعی محروم بوده‌اند. در فقدان حمایت‌های اجتماعی، بهداشت و تغذیه‌ی کودکان نادیده گرفته می‌شود و سلامت کودکان هم در معرض خطر قرار می‌گیرد. نکته‌ی قابل توجه در این گزارش آن است که کار کودکان به‌طور غالب همراه با بازماندگی از تحصیل است به‌طوری که بیش از یک چهارم کودکان ۵ تا ۱۱ ساله و بیش از یک سوم کودکان ۱۲ تا ۱۴ ساله درگیر کار کودک از مدرسه محرومند.

در کشور ما، شرایط اقتصادی و بحران‌های منطقه‌ای مزید بر علت بوده است. رشد مهارت‌گسیخته‌ی تورم و نرخ روزافزون بیکاری، جمعیت بیشتری از کودکان را در معرض کار و آسیب قرار داده است و این درحالی است که کشور همچنان از نبود سیستم حمایتی رنج می‌برد. علاوه بر آن، مناقشات سیاسی کشور همسایه (افغانستان) و ناامنی‌های حاصل از آن روند مهاجرت به ایران را افزایش داده است. مهاجرین بی‌پناهی که زندگی خود را از دست داده‌اند اغلب به ناگزیر کودکان را به کار می‌گمارند. در واقع بقای این خانواده به کار کودکان وابسته است که در شرایط بسیار سختی کار و زندگی می‌کنند.

حوزه‌ی خدمات اجتماعی در انجمن حمایت از کودکان کار بر آن است تا به کمک حامیان خود بخشی کوچک از خلاءهای موجود در بستر حمایت اجتماعی را پوشش دهد و از شدت آسیب‌های ناشی از شرایط بر کودکان گروه هدف بکاهد. فعالیت‌های این حوزه در سه رشته‌ی مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی و سلامت ارایه می‌شود.

الف: مددکاری اجتماعی

تفاوت اصلی فعالیت‌های اجتماعی دانش محور با فعالیت‌های خیریه‌ی سنتی در کاربرد دانش مددکاری اجتماعی است. مددکاری اجتماعی تداوم فعالیت خیریه نیست بلکه تحولی در فعالیت‌های نیکوکارانه است و نقطه‌ی عزیمت آن ورود مبانی علمی در این حوزه است. امروزه مددکاری اجتماعی به عنوان تخصصی بین‌رشته‌ای و براساس یافته‌های حاصل از مطالعات، شواهد و تجارب علمی به ویژه در حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی توانسته است مسیرهایی امیدبخش را بگشاید. بسته‌های مداخلاتی مددکاری اجتماعی ترکیبی از روش‌ها و رویه‌های متنوع است که بر حسب نوع مشکل، فرد یا گروه هدف، شرایط اجتماعی



اقتصادی و فرهنگی به صورت منفرد یا ترکیبی به کار گرفته می‌شوند. در شرایط حاضر، بخش بزرگ گروه هدف را کودکان مهاجر و پناهنده تشکیل می‌دهند که کار کودک تنها یکی از مشکلات آنان است. فقر در همه‌ی ابعاد، تفاوت و تعارض فرهنگی، سازگاری در کشور میزبان، پذیرش در کشور میزبان، عدم پذیرش اجتماعی در دوره‌ی پرمخاطره‌ی بلوغ و نوجوانی به ویژه بر پیچیدگی مشکلات افزوده است. مهاجرت و اقامت غیرقانونی و فقدان اوراق هویتی این گروه را از حقوق انسانی و شهروندی محروم و دسترسی به حمایت‌های قانونی را غیرممکن می‌سازد. در چنین وضعیتی، تامین نیازهای اقتصادی به تنهایی رفع کننده مسایل این گروه نیست و تلاشی مضاعف برای برون‌رفت از سیاه‌چاله‌های سر راه این کودکان محروم ضرورت می‌یابد و این میسر مگر با تکیه بر دانش، مهارت، هنر مددکاری اجتماعی و همکاری تیمی گروه‌های کاری انجمن نمی‌شود. سال ۱۴۰۰ همچنان به دلیل همه‌گیری کرونا، تاثیرات مخربی بر وضعیت سلامتی تحصیلی و معیشتی کودکان و خانواده‌های تحت حمایت داشت. با این وجود استفاده از تجربیات سال گذشته سبب شد آمادگی بیشتری برای مواجهه با این مسایل وجود داشته باشد. مشکلاتی نظیر بیماری و هزینه‌های بالای درمان کودکان و خانواده‌ها بر اثر کرونا، فوت ناشی از کرونا و تاثیرات مخرب آن برای خانواده و بیکاری مقطعی والدین به دلیل شرایط قرنطینه سبب شد تا متأسفانه بیش از پیش با موضوع ورود کودکان به چرخه‌ی کار روبه‌رو باشیم.

تعداد زیاد مراجعات برای ثبت‌نام و شرایط نامناسب کودکان از لحاظ اقتصادی و آموزشی سبب شد ناچار به پذیرش تعداد زیادی از کودکان و جلوگیری از بازماندگی آنها از تحصیل باشیم. در این میان مجازی شدن آموزش مدارس دولتی، عدم دسترسی کودکان به تلفن همراه هوشمند، تاثیرات مخرب استفاده‌ی بی رویه و بدون کنترل از فضای مجازی و همچنین آزاد شدن زمان کودکان برای اشتغال به کار تمام وقت، سبب شد تا کودکان بیشتری در معرض بازماندگی از تحصیل قرار بگیرند.

خوشبختانه در سالی که گذشت، تیم مددکاری اجتماعی انجمن توانست آن دسته از کودکانی که به دلیل مشکل اقتصادی و عدم دسترسی به تلفن همراه هوشمند در معرض بازماندگی قرار گرفته بودند را شناسایی و از بازماندگی این کودکان جلوگیری کند.

همچنین مشکل عدم نظارت بر استفاده‌ی کودکان از فضای مجازی نیز با تداوم طرح آموزش مجازی متمرکز و حضور روزانه‌ی کودکان در انجمن برای استفاده از تبلت‌ها و پشتیبانی تحصیلی با همکاری تیم آموزشی انجمن مرتفع شد. بنابراین مشکل کودکانی که به دلیل مجازی شدن آموزش و بی‌اهمیتی این موضوع از دید والدین مشغول به کار بیشتر شده بودند کنترل و سعی شد تا حد امکان حضور کودکان در کلاس‌ها فراهم و کودکان از فرصت رشد و برقراری تعامل با یکدیگر بهره‌مند شوند.

همچنین در سالی که گذشت شاهد همکاری بیشتر دفاتر کفالت در صدور کارت حمایت تحصیلی برای کودکان اتباع بدون مدرک بودیم ولی متأسفانه در صدور این کارت‌ها به موضوع سنی کودکان و پایه‌های تحصیلی آنها بی‌توجهی شده است.

همچنان برگزاری کارگاه‌های آموزشی مختلف، به خصوص کارگاه پیشگیری از کودک‌آزاری آموزش مهارت فرزندپروری و مهارت‌های زندگی برای والدین، در برنامه‌ی کار مددکاران اجتماعی مراکز قرار داشته است.

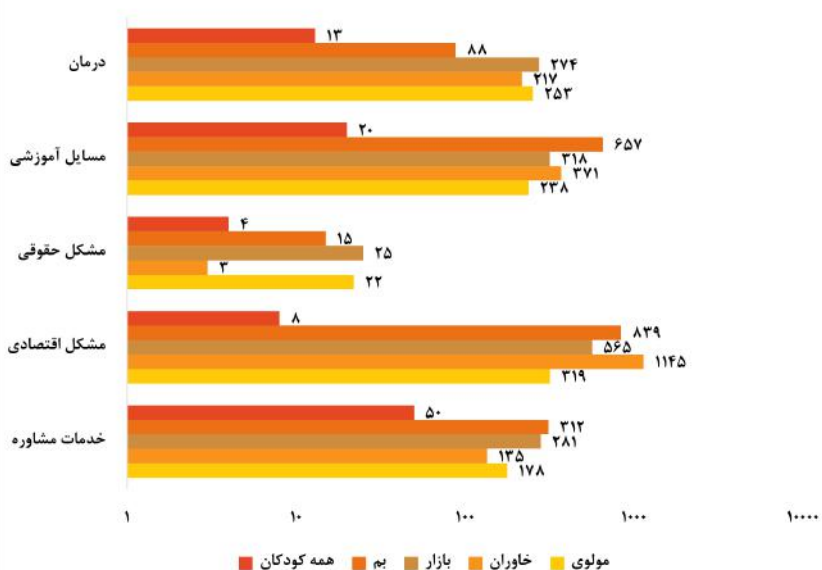
در حوزه‌ی بهداشت و درمان نیز واحد مددکاری اجتماعی انجمن توانسته است با همکاری سایر واحدها برای واکسیناسیون عمومی کودکان بالای ۱۵ سال و والدین آنها اقدام و همچنین پیگیری‌های مربوط به موارد بستری، جراحی، تامین و پرداخت هزینه‌های درمان و سایر اقدامات لازم برای کودکان و تا حد امکان خانواده‌های تحت پوشش را در برنامه‌ی کار خود قرار دهد.

در رابطه با مشکلات اقتصادی خانوارها، پرداخت کمک‌های معیشتی، توزیع کالای اساسی زندگی، پرداخت کمک هزینه‌ی زندگی به شرط منفک شدن کودکان در معرض آسیب شدید از کار و همچنین توزیع پوشاک شب عید میان همه‌ی کودکان محصل در مراکز و کودکان واجد شرایط در مدارس دولتی انجام و برای بهبود شرایط کودکان تلاش کردیم.



گزارش عملکرد اجرایی مددکاری اجتماعی

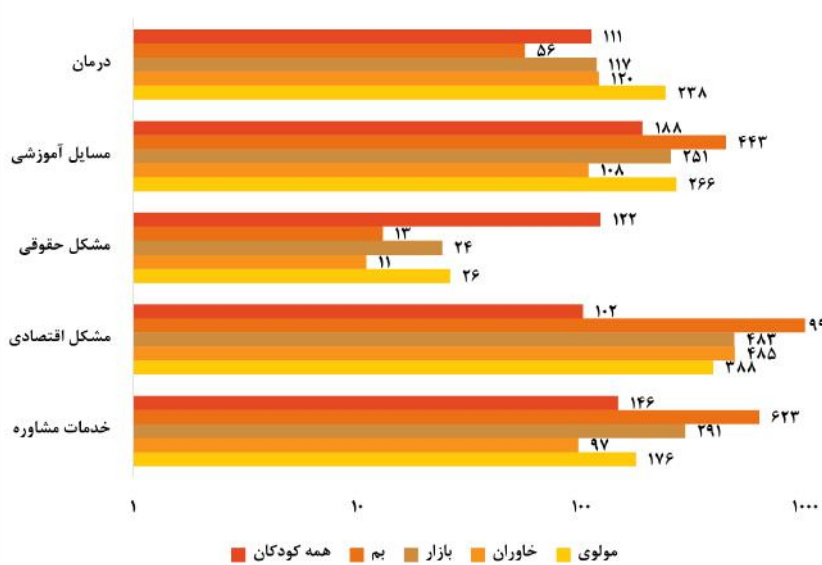
نمودار ۱- مراجعات کودکان به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



نمودار (۱) فراوانی مراجعات کودکان به تفکیک مراکز و برحسب نوع و دسته مراجعه را نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود مشکل اقتصادی کماکان بیشترین فعالیت در همه‌ی مراکز را به خود اختصاص داده است و این نیاز پررنگ‌ترین نیاز کودکان در سال ۱۴۰۰ بوده است. بعد از آن آموزش و نیازهای آموزشی بسیار پررنگ است. در سال ۱۴۰۰ درمان نیز جایگاهی در بخش نیازها پیدا کرده است. بخشی از نیازهای آموزشی کودکان تحت حمایت از طریق ورود کودکان به نظام آموزش رسمی تامین می‌شود و برای کودکانی که شرایط ورود به مدارس رسمی را ندارند، امکانات موجود در مراکز آماده و در اختیار است که مشروح این خدمات را در بخش گزارش آموزشی می‌توان مشاهده کرد.

تفاوت فاحش خدمات بین مرکز همه‌ی کودکان و سایر مراکز ناشی از آن است که تعداد کودکان تحت حمایت این مرکز کمتر از سایر مراکز است و در سال گذشته تمرکز آن بر کودکان پیش‌دبستانی و پایه‌ی اول است. برعکس، مرکز خاوران و مرکز بازار بیشتر مراجعاتش را نوجوانان و پایه‌های بالاتر تشکیل می‌دهند.

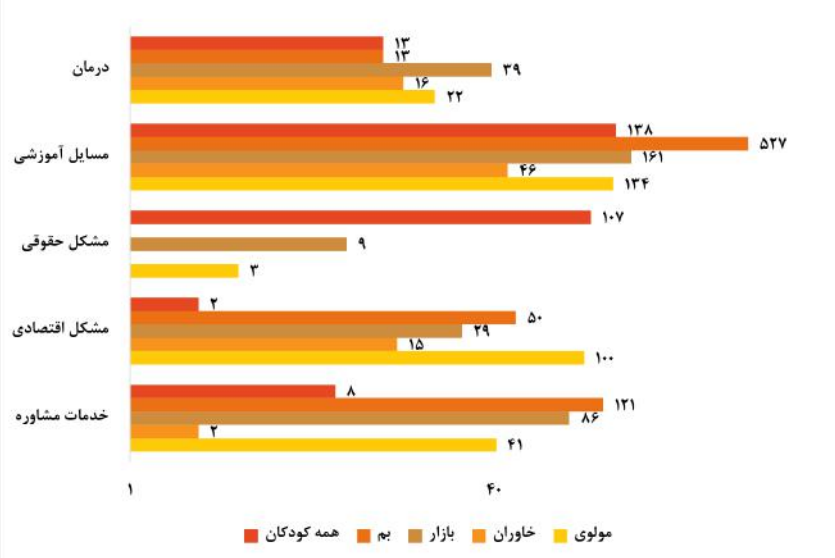
نمودار ۲- مراجعات خانواده به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



گزارش ❖

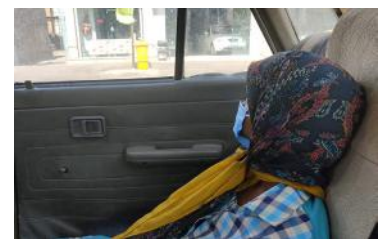
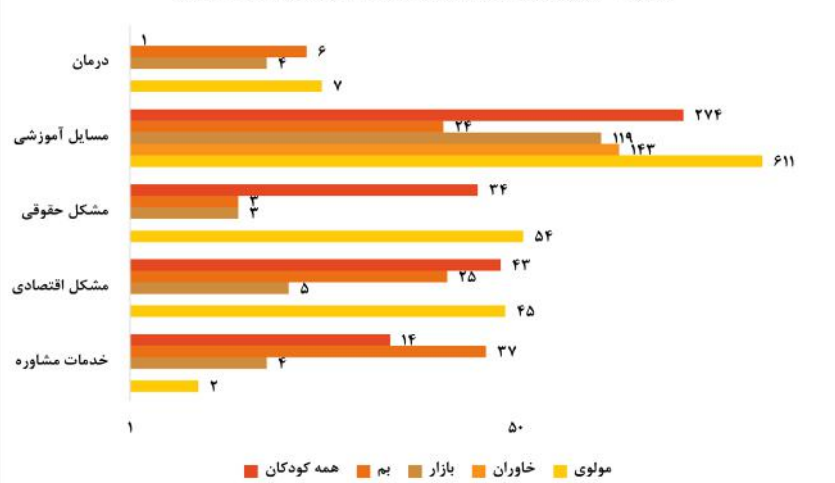
نمودار (۲) فراوانی مراجعات خانواده‌ها را نشان می‌دهد. مشابه با نمودار (۱) که مربوط به مراجعات کودکان بود، مشکل خانواده بیشتر اقتصادی است و درمان و آموزش برای خانواده‌ها از فراوانی کمتری برخوردار است اما نسبت مسایل حقوقی بیشتر است. مرکز بيم با شرایط ویژه‌اش گروهی بسیار فقير را تحت حمایت دارد. چهره‌ی فقر خشن را در حواشی این شهر کوچک مصیبت‌زده می‌توان دید. گرچه بخش مهمی از فعالیت‌های این مرکز متمرکز بر حمایت‌های اقتصادی است اما تا تامین نیازهای بنیادین کودکان فاصله‌ی بسیار زیاد است و اگر اقدام موثر و ریشه‌داری صورت نگیرد بر دامنه و وسعت مشکلات افزوده خواهد شد. خانواده‌های فقير و بیکاری که بیشتر درگیر سوء مصرف مواد مخدر نیز هستند با نرخ بالای زاد و ولد بر تعداد کودکان محرومی می‌افزایند که خود در آینده کودک کار و آسیب تولید خواهند کرد.

نمودار ۳- فراوانی ارجاع از واحد آموزش به واحد مددکاری اجتماعی

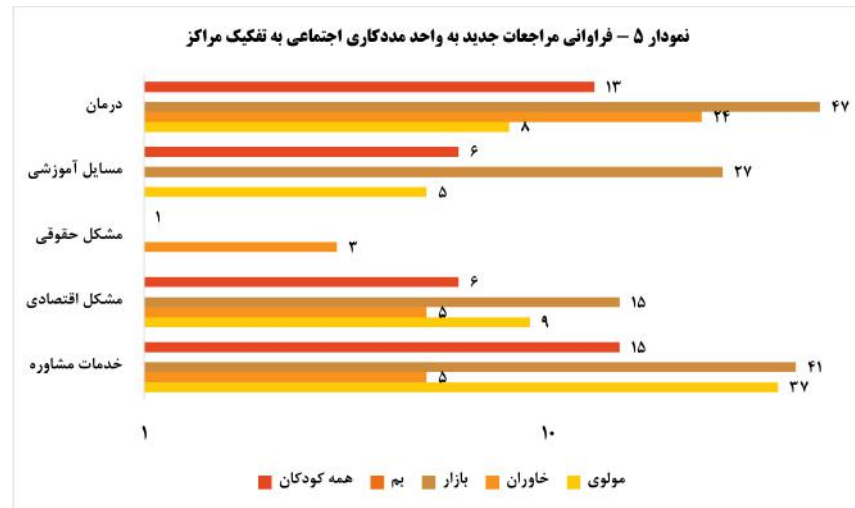


علاوه بر مراجعات مستقیم به مددکاری، هریک از واحدهای عضو تیم حمایتی و خدماتی نیز در فرآیند فعالیت‌های خود در مواجهه با مشکلات پیش روی موارد را به مددکاران اجتماعی ارجاع می‌دهند. واحد آموزش با توجه به نقش اهمیت و وسعت عملکرد یکی از بخش‌های پرچالش است که موارد بیشتری را به مددکاران مراکز ارجاع می‌دهند. نمودار (۳) نشان می‌دهد که بیشترین ارجاعات واحد آموزش بر مشکلات آموزشی از جمله رسیدگی به غیبت‌ها، تاخیرها، عدم مشارکت، افت تحصیلی و ... متمرکز است. در مرکز بيم به دلایل شرایط ویژه و غلبه نظام آموزش رسمی ارجاعات بیشتری دیده می‌شود که به ویژه بیشتر ناشی از تعطیلی مدارس و آموزش غیرحضوری است.

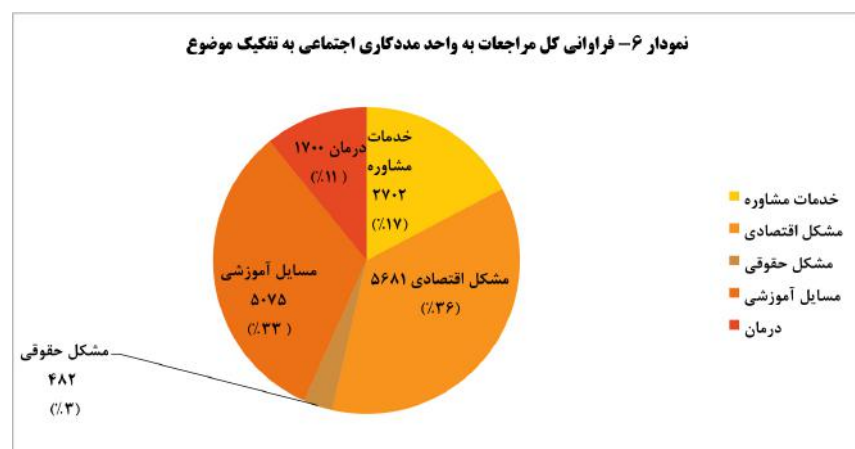
نمودار ۴- فراوانی مراجعات جدید به واحد مددکاری اجتماعی به تفکیک مراکز



بخشی از زمان و انرژی این واحد صرف مراجعات جدید و پاسخگویی به نیاز مراجعینی است که تمایل به استفاده از خدمات مراکز دارند. نمودار (۴) فراوانی این دسته از مراجعات را نشان می‌دهند. چنان که از این نمودار بر می‌آید درخواست حمایت‌های آموزشی بیشترین فراوانی را دارد که در سال ۱۴۰۰ با توجه به مهاجرت ناگهانی تعداد زیادی از خانواده‌های کشور افغانستان به دنبال تسلط طالبان بر آن کشور این درخواست به شدت افزایش یافت. مرکز مولوی و مرکز خاوران در این بعد فراوانی مراجعه‌ی بیشتری دارد در حالی که مراکز بم بازار و همه‌ی کودکان در زمره‌ی مراکز مورد تقاضا نبوده است. متأسفانه ظرفیت مراکز پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی محلی نیست.



پس از شروع خدمات روان‌شناسی در مراکز و در حین مداخلات در حال اجرا پیگیری برخی امور و رسیدگی به مسایل و نیازهای جدید و یا همراهی در اجرای مداخلات روان‌شناختی به مددکاری اجتماعی ارجاع داده می‌شود. همکاری مطلوب بین دو بخش مددکاری اجتماعی و واحد روان‌شناسی تضمین کننده‌ی توفیق بیشتر در دستیابی به اهداف مورد نظر برای هر کودک است. خدمات درمانی و خدمات مشاوره در مرکز بازار و خدمات مشاوره در مرکز مولوی فراوانی بیشتری دارد و خدمات حقوقی در کلیه‌ی بخش‌ها حداقلی است. سایر بخش‌های خدمات در این گراف از فراوانی به‌طور تقریب مشابهی برخوردارند.

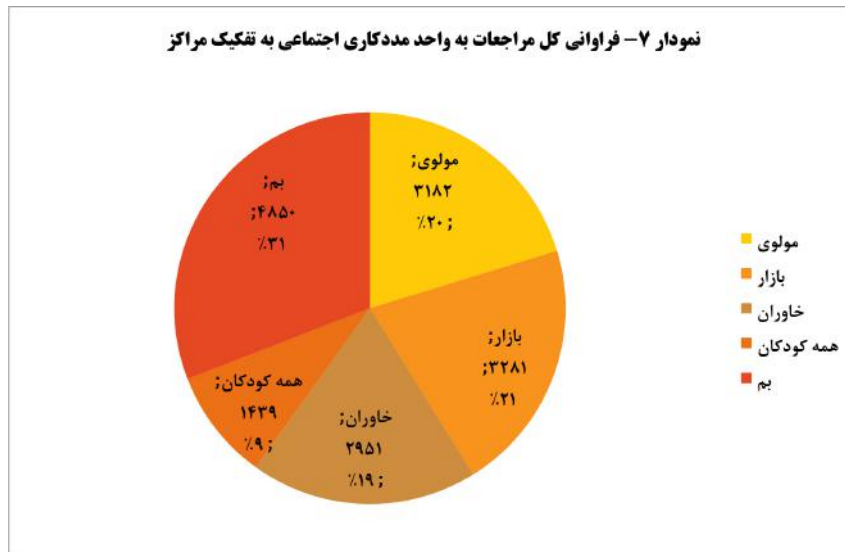


نمودار (۶) نشان می‌دهد که بیشترین مراجعات واحد مددکاری به ترتیب مسایل اقتصادی، آموزش و مشاوره است. در واقع فقر حاکم بر خانواده عمده‌ترین مشکل است و نزدیک به ۵۰ درصد مراجعات را به خود اختصاص می‌دهد. در رتبه‌ی دوم مشکلات مسایل آموزش و ادامه‌ی تحصیل کودکان است. کودکان گروه هدف یا وارد نظام آموزشی نشده‌اند و یا تحصیل را رها کرده‌اند.

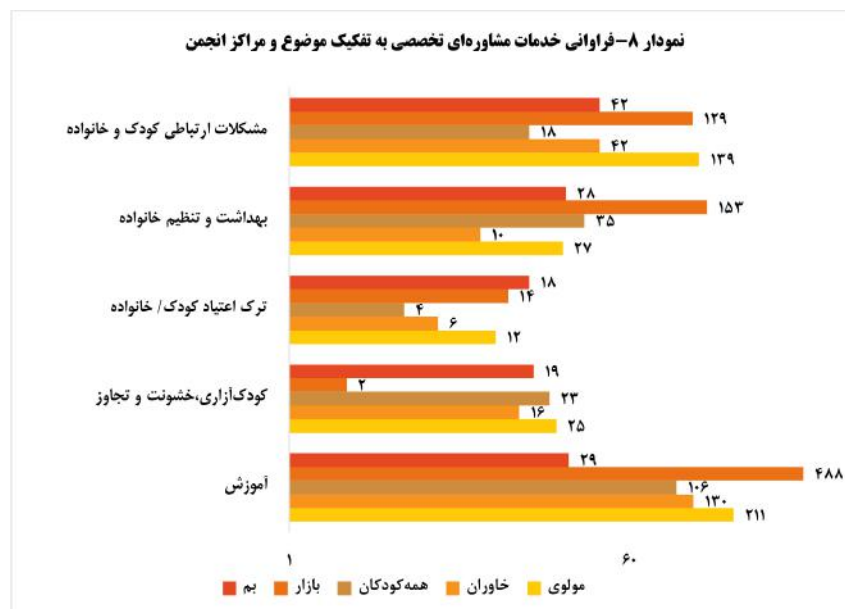


گزارش ❖

عمده‌ترین مشکلات مربوط به مسایل اقتصادی خانواده، ضرورت اشتغال به کار کودکان، هزینه‌های بالای تحصیل کودکان به ویژه در خانواده‌های پرجمعیتی که چندین کودک حضور دارند، عدم باور و پایبندی خانواده‌ها به حق مسلم کودکان به آموزش و ارزش و نقش تحصیل در شرایط اقتصادی اجتماعی آتی کودک است. مددکاران اجتماعی تلاش می‌کنند با رفع موانع از جمله حمایت مالی از خانواده، تامین هزینه‌های تحصیل و اقتناع خانواده‌ها در مورد اهمیت تحصیل کودکان زمینه را برای ورود کودکان به نظام آموزشی مهیا سازند. علی‌رغم تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و تاکید آن بر ضرورت تحصیل کودکان و جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل از این ظرفیت حقوقی هنوز استفاده نشده است.



نمودار (۷) نشان می‌دهد که نظام ارزیابی و مداخلات مددکاری اجتماعی در پنج مرکز انجمن از یک منطق و روال واحد تبعیت می‌کند و تفاوت بین مراکز بیشتر ناشی از جمعیت تحت حمایت و ترکیب جمعیتی آن است.



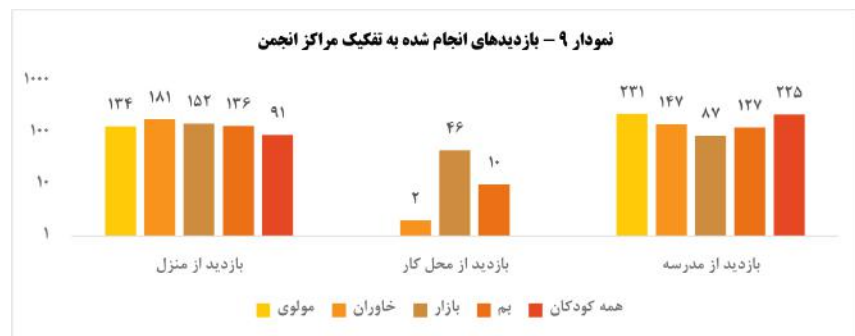
خدمات مشاوره‌ای به تفکیک محورهای تخصصی قابل دسته‌بندی است. نمودار (۸) این دسته‌بندی را برحسب مراکز نمایش می‌دهد. باز هم شاهد آن هستیم که خدمات مشاوره‌ای در حوزه‌های مرتبط با آموزش فراوانی بیشتری دارد و این امر ناشی از وضعیت گروه هدف و نیاز آنان به آموزش است. اغلب



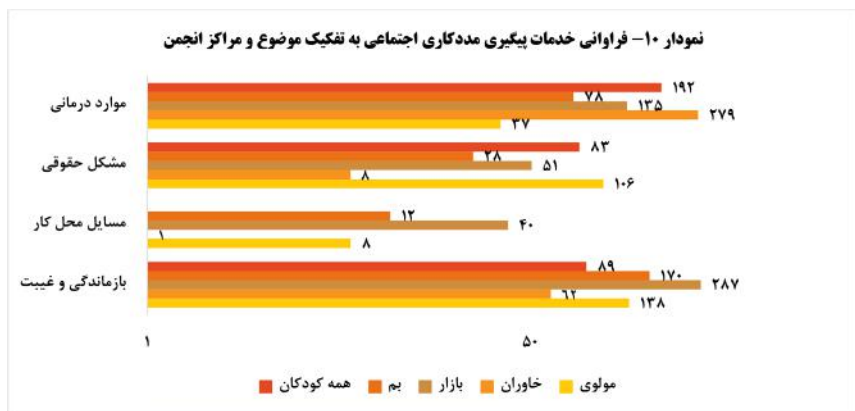
مراجعه‌کنندگان به بخش مددکاری متقاضی سوادآموزی، ادامه تحصیل یا ورود به نظام آموزشی هستند و یا مددکاران بر ادامه‌ی تحصیل آنان اصرار می‌ورزند. همبستگی منفی قوی بین ادامه تحصیل و کار کودکان وجود دارد. کودکانی که از تحصیل باز می‌مانند بیشتر به سمت کار، آسیب اجتماعی و بزهکاری سوق پیدا می‌کنند. از طرفی تحصیلات راهی برای خروج از چرخه‌ی فقر است. به همین دلایل گروه مددکاری اجتماعی آموزش و ادامه تحصیل را بخش مهمی از برنامه‌ها و مداخلات قرار می‌دهند و می‌کوشند مسیر ادامه تحصیل را برای کودکان تسهیل کنند.

مرکز بـم با خانواده‌های پرجمعیت کم‌توانی، کار می‌کند که بی‌توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود نرخ فرزندآوری بالایی دارند در حالی که ظرفیت ایفای نقش والدینی و تامین نیازهای بنیادین کودکان را ندارند. با همه‌ی مشکلاتی که در این مسیر وجود دارد تلاش می‌شود سطح اطلاعات این دو گروه ارتقا یابد و نگرش آنان تغییر کند. مرکز مولوی در سال ۱۴۰۰ پذیرای تعدادزبادی از کودکان اتباع تازه وارد بود.

گرچه نرخ اعتیاد در خانواده‌ها نسبت به سایر اقشار بالاست اما مشکل جدی انجمن عدم دسترسی به مراکز درمان اعتیاد به ویژه برای اتباع است. از طرفی اعتیاد در خانواده اغلب انکار می‌شود و در صورت افشا نیز والد مصرف‌کننده حاضر به ورود به فرآیند درمان نیست. بنابراین کمی عملکرد در این حوزه‌ی تخصصی بیشتر ناشی از ناتوانی تیم تخصصی فعلی انجمن در تشخیص، اقباع و درمان اعتیاد است. با این وجود مرکز بـم همچنان با اعتیاد درگیر است.



نمودار (۱۰) نشان می‌دهد که بیشترین پیگیری‌های گروه مددکاری نیز در حوزه‌ی آموزش و مربوط به پیگیری غیبت‌ها و ترک تحصیل بوده است. مرکز بازار در این زمینه بیشترین فراوانی را دارد. دلیل آن است که بیشترین جمعیت این مرکز را کودکان و نوجوانان چرخ‌کش یا فعال در بازار تشکیل می‌دهد که بخشی از وقت خود را به سوادآموزی در پایه‌های نهضت می‌پردازند. مخالفت کارفرمایان، فقدان انگیزه و مشکلات اقتصادی پیش‌رو، موانعی است که این فرآیند را متوقف می‌سازد و پیگیری برای بازگشت به مسیر سوادآموزی ضرورت می‌یابد. در پیگیری درمان، مرکز خاوران تعداد بالایی دارد که بیشتر ناشی از فقر عمومی جمعیت آن مرکز است. بخش عمده‌ی پیگیری‌های حقوقی مربوط به تکمیل اوراق هویتی به خصوص کارت تحصیلی برای اتباع است.

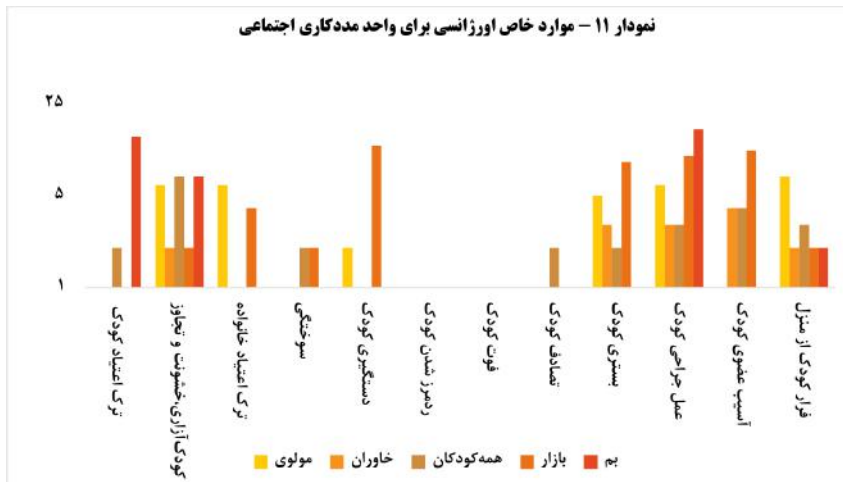


جدول (۱): موارد خاص اورژانسی برای واحد مددکاری اجتماعی

جدول (۱): موارد خاص اورژانسی برای واحد مددکاری اجتماعی

بم	بازار	همه کودکان	خاوران	مولوی	موارد
۱۴	۰	۲	۰	۱	ترک اعتیاد کودک
۷	۲	۷	۲	۶	کودک آزاری، خشونت و تجاوز
۱	۴	۱	۰	۶	ترک اعتیاد خانواده
۰	۲	۲	۰	۱	سوختگی
۰	۱۲	۰	۱	۲	دستگیری کودک
۰	۱	۰	۰	۰	رد مرز شدن کودک
۰	۰	۰	۰	۰	فوت کودک
۱	۱	۲	۱	۱	تصادف کودک
۱	۹	۲	۳	۵	بستری کودک
۱۶	۱۰	۳	۳	۶	عمل جراحی کودک
۰	۱۱	۴	۴	۰	آسیب عضوی کودک
۲	۲	۳	۲	۷	فرار کودک از منزل

نمودار ۱۱ - موارد خاص اورژانسی برای واحد مددکاری اجتماعی



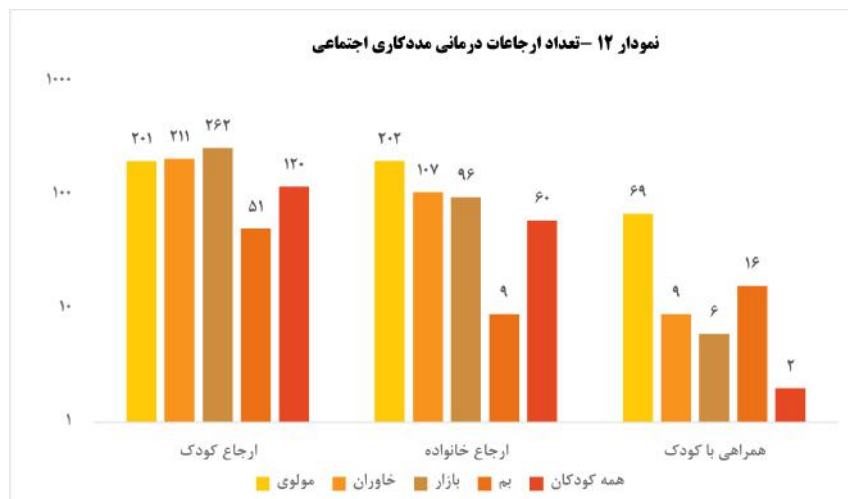
موارد خاص و اورژانسی گرچه ممکن است از نظر فراوانی اندک باشند اما از نظر شدت مواردی زمان بر و نگران کننده هستند. نمودار (۱۱) نشان می‌دهند که یکم؛ تنوع موضوعات به نسبت زیادند و دوم به‌طور عموم مسائلی جدی هستند.

اعتیاد را نمی‌توان اورژانسی تلقی کرد و به‌طور معمول از موارد مزمنی است که نرخ شکست در آن هم زیاد است. خوشبختانه به استثنای مرکز بم که فراوانی اعتیاد کودکان به نسبت زیاد است و مرکز مولوی و همه‌ی کودکان با یک و دو مورد، در سایر مراکز موردی مشاهده نشده است. اما اعتیاد عضوی از خانواده که بیشتر متمرکز بر پسران بزرگتر خانواده و پدران است مساله‌ای جدی است. دوازده مورد اعتیاد خانواده نمی‌تواند نشانگر واقعیت پدیده‌ی سوء مصرف مواد در این گروه باشد و واقعیت آن است که پدیده‌ای شایع در خانواده‌های هدف است که اغلب مخفی یا انکار می‌شود.

همین وضعیت را در مورد کودک آزاری و خشونت هم باید ذکر کنیم. کودک آزاری در معنای کلی آن و در اشکال مختلف فیزیکی، روانی، غفلت و جنسی متأسفانه فراوانی بالایی دارد که پنهان می‌ماند. شایع‌ترین شکل آزار را می‌توان غفلت ذکر کرد. خانواده در ابعاد عاطفی، بهداشت و سلامت، تغذیه و آموزش مورد غفلت قرار می‌گیرند و در فرهنگ گروه هدف بسیار طبیعی می‌نماید. استفاده از کار کودک به خودی خود کودک آزاری است. تحقیر، توهین، تنبیه بدنی و محدود کردن از روش‌های تربیتی کودکان تلقی می‌شود. از موارد حاد می‌توان به فرار کودکان از منزل اشاره کرد که به‌طور معمول در خانواده‌های متشنج

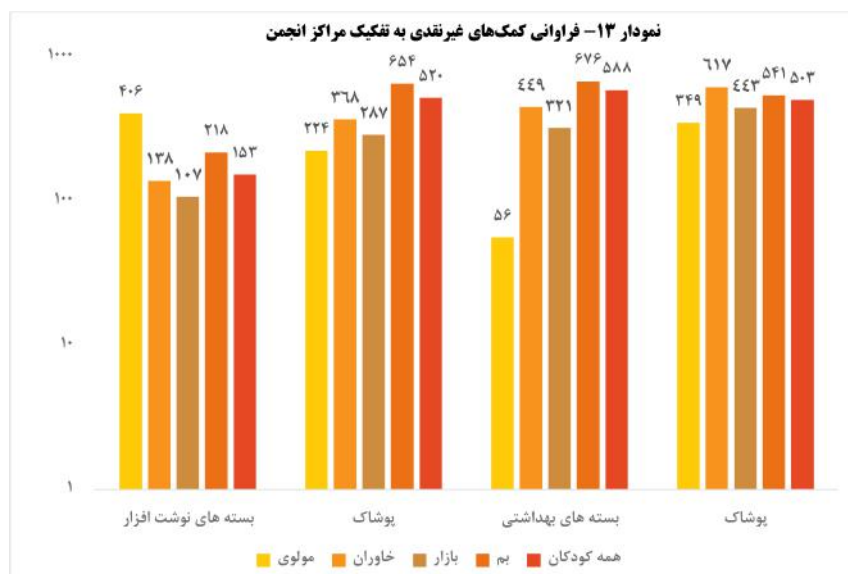


روی می‌دهد. برای دختران این موضوع بسیار جدی‌تر و نگران کننده است و عواقب ناگواری را به دنبال دارد.



نمودار (۱۲) نمایانگر تعداد افرادی است که توسط واحد مددکاری اجتماعی به مراکز درمانی ارجاع شده‌اند. تعداد ارجاعات کودکان فراوانی بیشتری دارد اما گاهی خانواده‌ها از این خدمات بهره‌مند می‌شوند. هرچه هزینه‌های دارو و درمان افزایش می‌یابد، نیاز گروه هدف به خدمات انجمن افزایش می‌یابد و در سال گذشته بار زیادی از این مسیر بر انجمن تحمیل شد و این در حالی است که برابر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان وزارت بهداشت و درمان موظف به ارایه‌ی خدمات بهداشتی و درمانی رایگان برای همه‌ی کودکان است اما در عمل به قانون توجهی نمی‌شود. بیماران نیازمند به خدمات تشخیصی و درمانی به مراکز خیریه، دولتی یا طرف قرارداد با انجمن معرفی می‌شوند و بخشی از هزینه‌ها بر عهده‌ی انجمن است. در موارد خدمات تخصصی و فوق تخصصی مراکز خصوصی هم در دسترس هستند.

در مواردی که خانواده نمی‌تواند کودک را همراهی کند مددکاران کودک را در مراجعه همراهی می‌کنند.

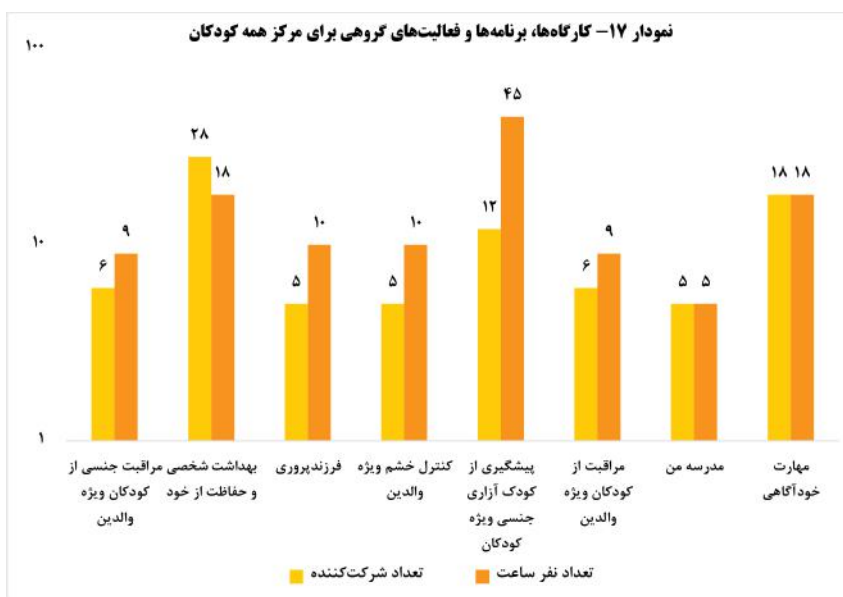
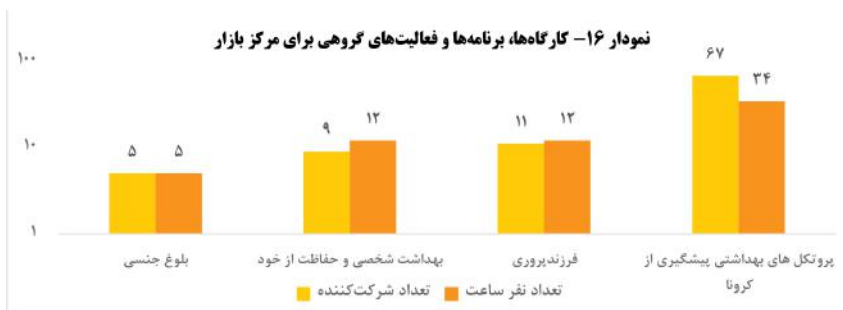
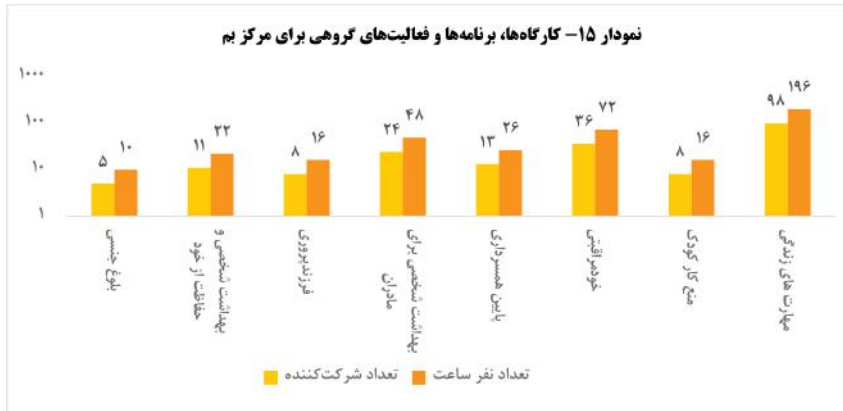
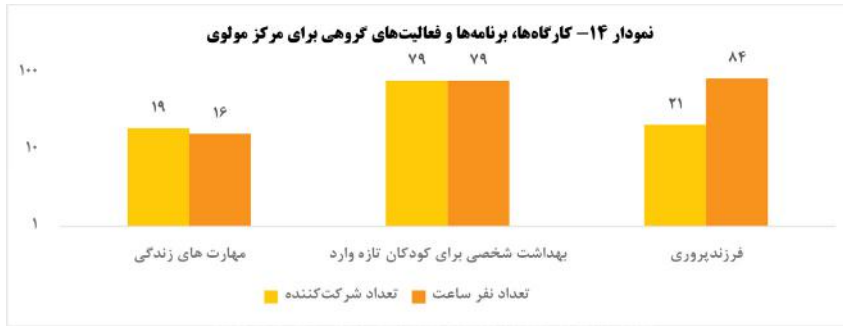


ارایه‌ی کمک‌های غیرنقدی برای تامین نیازهای بنیادین و خانواده امری رایج و البته ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این نیازها در چهار حوزه‌ی معیشتی، پوشاک، بهداشت و نوشت‌افزار دسته‌بندی شده است. در سال ۱۴۰۰ حجم بسته‌های نوشت‌افزار نیز به دلیل تغییر سبک آموزش کاهش یافته

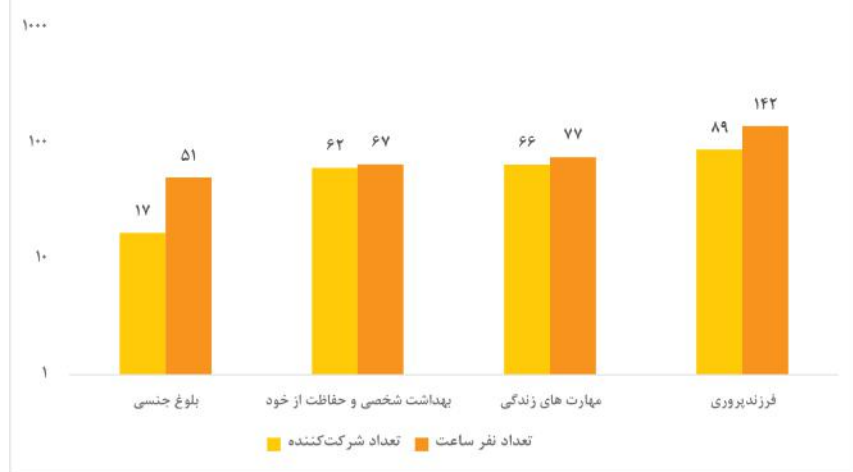


گزارش ❖

است. در سایر موارد آرایه‌ی خدمات از الگوی به‌نسبت مشابهی پیروی می‌کند با این توضیح که نیازهای معیشتی مرکز ب‌م و نیازهای بهداشتی مرکز همه‌ی کودکان بیشتر است.



نمودار ۱۸ - کارگاهها، برنامه‌ها و فعالیت‌های گروهی برای مرکز خاوران



کودکانی که درگیر انواع مختلفی از کار می‌شوند هیچ فرصتی برای رشد طبیعی روانی اجتماعی ندارند و حدود ۴۰ درصد آنان با رشد غیرطبیعی روان‌شناختی مواجهند.

گزارش عملکرد اجرایی روان‌شناسی

کار کودک تاثیر عمیقی بر سلامت روان او دارد. اثرات روان‌شناختی کار کودک در جهان سوم به علت فقر، میزان کم سواد و رفتار نامناسب با کودکان در مقایسه با سایر کشورهای جهان شدیدتر است. عوارض روان‌شناختی کار کودک به همان وخامت و شدت اثرات جسمی آن است اما متأسفانه این موضوع تنها از اواخر قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است. افسردگی، ناامیدی، شرم، احساس گناه، تضعیف خودپنداره، از دست رفتن اعتماد و اضطراب برخی از پیامدهای عاطفی ناگوار کار کودک هستند که منجر به افزایش احتمال بیماری روانی و رفتار ضد اجتماعی می‌شوند. برای کاهش عوارض روان‌شناختی کار کودک آگاهی و آموزش مناسب جوامع ضرورتی جدی است.

کودکانی که درگیر انواع مختلفی از کار می‌شوند هیچ فرصتی برای رشد طبیعی روانی اجتماعی ندارند و حدود ۴۰ درصد آنان با رشد غیرطبیعی روان‌شناختی مواجهند. (Jordan, 2012).

اغلب، والدین و کودکان از میزان مخاطراتی که کودکان در معرض آن قرار دارند آگاهی ندارند. در برخی موارد، والدین در این مورد آگاهند ولی راه جایگزینی برای کسب درآمد خانواده ندارند.

تا سال ۱۹۹۸، اغلب مطالعات ملی و جهانی بر عوارض جسمانی کار کودک متمرکز بود. در مقایسه با عوارض جسمانی، کودکان نسبت به مخاطرات روان‌شناختی و اجتماعی آسیب‌پذیرترند (Leng and Mayers, 1998). کودکان به علت عدم رشد کافی جسمی و روانی همیشه به کارهایی ابتدایی و بسیار سطح پایین گمارده می‌شوند.

مطالعه‌ی دیگری که مشکلات روان‌شناختی و رفتاری کودکان کار و دیگر کودکان را با هم مقایسه کرده است، نشان می‌دهد که رشد در کودکان کار به‌طور تقریب متوقف شده است. این پژوهش که توسط ماتالکا (Matalqa) در سال ۲۰۰۴ در خیابان‌های کشور اردن انجام شد نشان داد که کودکان کار مهارت‌های سازگاری کمتری دارند، سلامت جسمی‌شان کمتر است و رفتارهای اجتماعی نامطلوبی دارند.

استفاده‌ی کودکان کار از کلمات زشت و نامناسب، نشان دادن عواطف و هیجان بالا با خلاقیت پایین و استفاده‌ی غیرمعمول از سیگار و الکل نیز از نتایجی است که توسط دیمور (Dmour) در سال ۲۰۰۶ گزارش شد. قاچاق کودکان که از بدترین اشکال کار کودک محسوب می‌شود، عوارض روان‌شناختی دیرپایی بر قربانیان دارد.

کودکان جدا شده از خانواده، منزل و جامعه به‌طور مستمر تحت سوءرفتار جنسی و ضربه‌های عاطفی قرار می‌گیرند. افسردگی، ناامیدی، شرم، احساس گناه، بی‌اعتمادی اعتماد به نفس پایین و اضطراب از پیامدهای بسیار بدی است که کودکان قربانی قاچاق با آن مواجهند.

این شاخص‌های منفی و بدبینانه احساسات آنان را متاثر می‌سازد و آنان را وارد چرخه‌ی سرزنش خویش‌نمایی می‌سازد. سوءرفتار روان‌شناختی خودپنداره، اهداف فردی و ارتباط با



دیگران را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد و بهزیستی عاطفی کودک را دچار آسیب می سازد. کودکانی که مورد سوء رفتار جنسی قرار گرفته اند به طور احتمال، بیشتر پیامدهای عاطفی و هیجانی مجرمانه مانند علائم اختلالات پس - آسیبی (PTSD) و خودکشی را تجربه می کنند.

کودکانی که قربانی مکرر این تجارب هستند بیشتر در معرض خطر ابتلا به بیماری روانی هستند. بزرگسالانی که چنین اشکالی از کار کودک را تجربه کرده اند به احتمال بیشتر به خشونت متوسل می شوند و رفتارهای ضد اجتماعی نشان می دهند. (Gordon, Betcherman, Jean Fares, Amy Luinstra, and Robert Prouty, July ۲۰۰۴)

با همهی این احوال، دسترسی به خدمات سلامت روان برای کودکان و خانواده ها در این گروه هدف، به طور تقریب غیرممکن است چرا که از طرفی در مناطق محل سکونت فراوانی مراکز ارائه دهنده سلامت روان کم است و از طرفی دیگر این نوع خدمات نیاز به منابع مالی زیاد و مراجعات مکرر دارند که هر دو مورد مانع از استفاده از این خدمات است. به علاوه، خانواده هایی با سطح آگاهی و سواد کم اعتقادی به خدمات روان شناسان روان پزشکان و مشاوران ندارند و در حالی که میزان نیاز برای اغلب اعضای خانواده ضروری می نماید تمایل و رغبتی به مراجعه ندارند.

بخش روان شناسی انجمن حمایت از کودکان کار، در تلاش است این نیاز جدی را تامین کند و سطح آسیب را کاهش دهد و به تشخیص و درمان اختلالات بپردازد، به کودکان و خانواده ها مشاوره بدهد و برای کودکان و خانواده ها برنامه های آموزشی مناسب را به اجرا بگذارد.

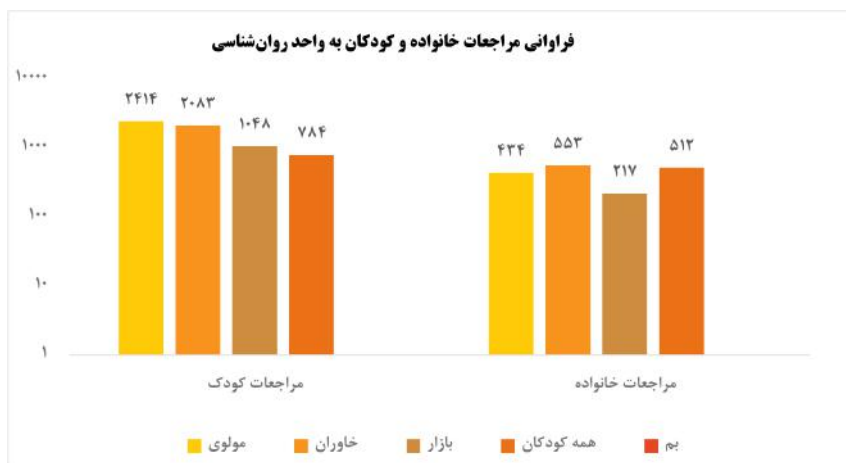
بیشترین فراوانی مشکلات روانشناختی مشاهده شده در مراکز انجمن حمایت از کودکان کار به ترتیب شامل: مشکلات ارتباطی و هیجانی کودکان از قبیل پرخاشگری بین کودکان و نیز خانواده های آنان، مشکلات رفتاری، اضطراب، مشکلات یادگیری، افسردگی، بی انگیزگی تحصیلی، نافرمانی مقابله ای، کودک آزاری، افکار آسیب رساندن به خود، مشکلات گفتاری و زبان، بیش فعالی، اختلالات خلقی، اختلال سلوک و ... است.

فراوانی بالای مشکلات روانشناختی کودکان دلایل گوناگون و متفاوتی دارد: سبک های فرزندپروری مستبدانه (پرخاشگرانه) که نسل به نسل با یادگیری منتقل شده و سطح فرهنگی و اجتماعی پایین که نشأت گرفته از ناآگاهی والدین از روش های صحیح مهارت های ارتباطی است، در نتیجه، کودکان در بیان صحیح احساسات و هیجانات خود مشکل دارند همچنین وجود الگوهای نامناسب ارتباطی و محیطی، مشکلات بالای معیشتی و اجتماعی که خانواده ها به دلیل وضعیت نامساعد اقتصادی و مهاجرت گریبان گیر آن هستند سبب بالا بودن مشکلات ارتباطی و بروز پرخاشگری بین خانواده ها شده است.

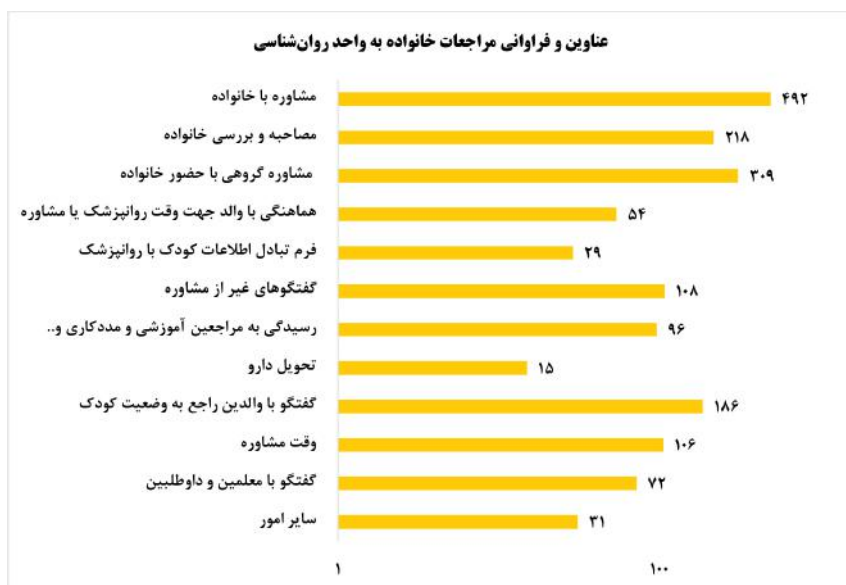
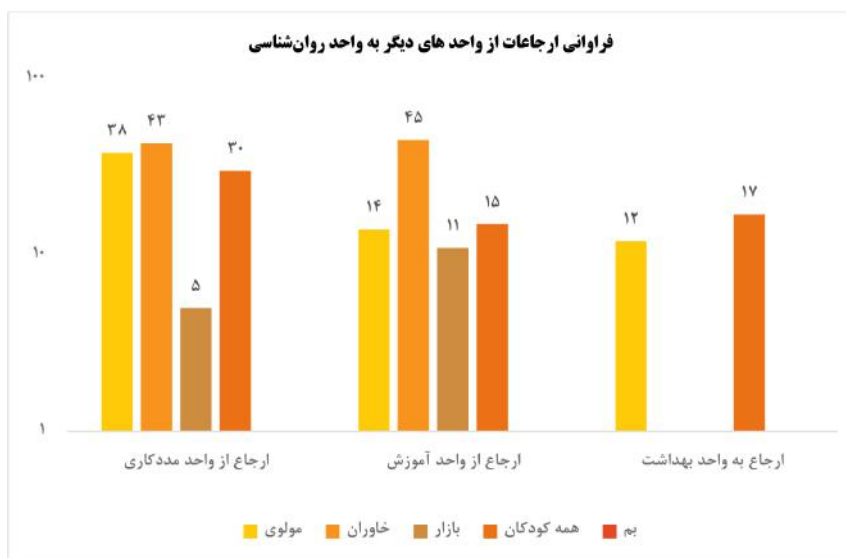
پیامدهای تعارضات فرهنگی، بی سوادی، فقر مالی، اعتیاد والدین، تعداد زیاد کودکان اجبار والدین برای کار کودکان، کودک آزاری (تنبیه بدنی، بی توجهی و تحقیر، کودک آزاری جنسی و عدم تهیه امکانات اولیه و ضروری برای کودکان) همه ی موارد ذکر شده نه تنها منجر به عدم رسیدگی کافی از سوی والدین می شود، بلکه کودکان به لحاظ روان شناختی احساس بی ارزشی و خودکم بینی (عزت نفس و اعتماد به نفس آسیب دیده) را تجربه می کنند و مهارت کافی برای مراقبت از خود ندارند و همچنین محروم بودن از نیازهای اولیه (خوراک، پوشاک، بازی و...) باعث می شود کودکان به لحاظ جسمی، شناختی و مهارت های هیجانی و... رشد کافی و متناسب با سن خود تجربه نکنند و همه ی این موارد زمینه ساز مشکلات روانشناختی در کودکان می شود.

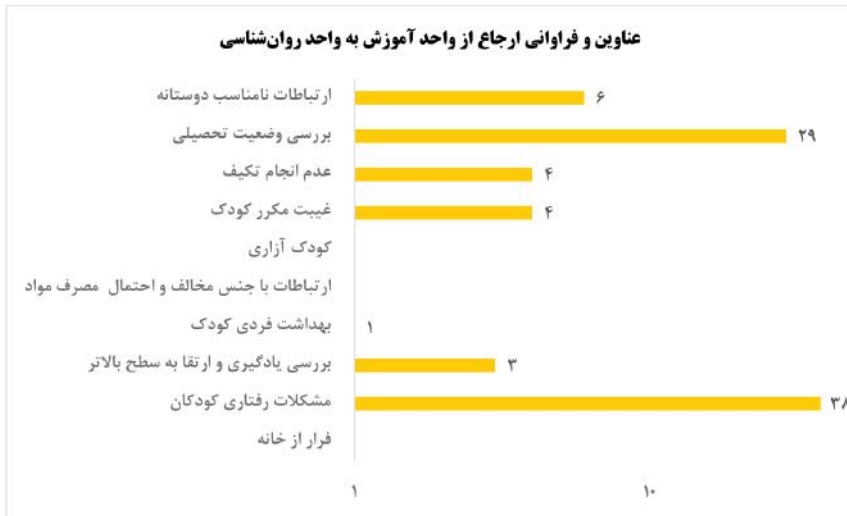
انجمن حمایت از کودکان کار با استفاده از متخصصان هر حیطه در تلاش برای متعادل ساختن نیازهای جسمی، ذهنی و روان شناختی کودکان است. انجمن با وجود چهار مرکز (مراکز مولوی، بازار، خاوران و همه ی کودکان) در تهران و یک مرکز در بزم در هر مرکز یک روان شناس با سابقه و متخصص حضور دارد.

بیشترین فراوانی مشکلات روانشناختی مشاهده شده در مراکز انجمن حمایت از کودکان کار به ترتیب شامل: مشکلات ارتباطی و هیجانی کودکان از قبیل پرخاشگری بین کودکان و نیز خانواده های آنان، مشکلات رفتاری، اضطراب، مشکلات یادگیری، افسردگی، بی انگیزگی تحصیلی، نافرمانی مقابله ای، کودک آزاری، افکار آسیب رساندن به خود، مشکلات گفتاری و زبان، بیش فعالی، اختلالات خلقی، اختلال سلوک و ... است.

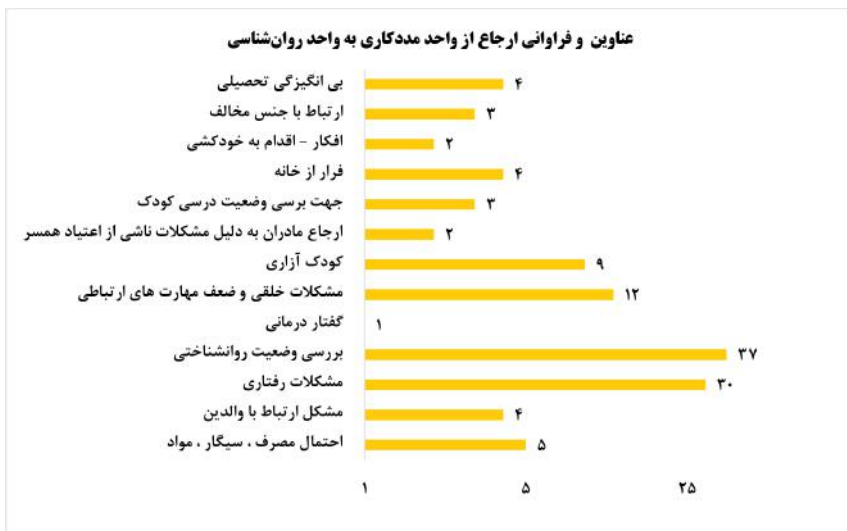


فراوانی مراجعات کودکان و خانواده‌ها را به تفکیک مراکز نشان می‌دهد. اغلب خدمات این بخش در خدمت کودکان بوده است و نسبت خدمات برای کودکان بیش از خانواده‌ها است. قابل ذکر است که مرکز بيم در سال ۱۴۰۰ فاقد روان‌شناس بوده و بیشتر خدمات روان‌شناسی به مراکز ارایه کننده خدمات ارجاع شده است.

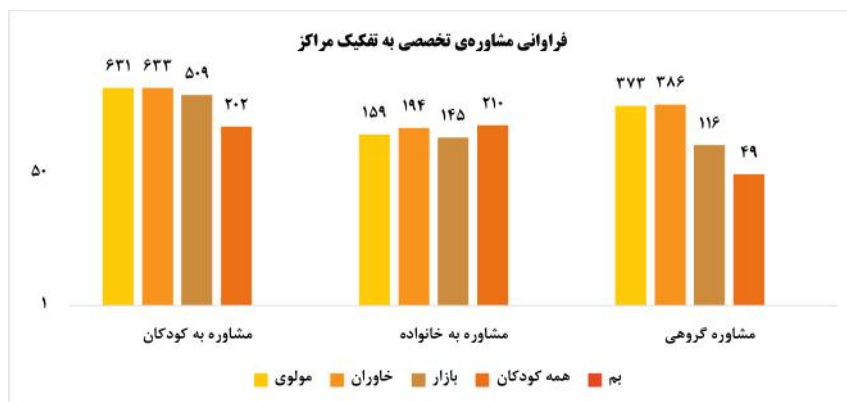




بیشترین فراوانی مربوط به مشکلات رفتاری کودکان و بعد از آن مشکلات تحصیلی است. مشکلات رفتاری کودکانی که در شرایط نامناسب رشد می‌کنند و درگیر کار هستند نسبت به دیگر کودکان بیشتر است.

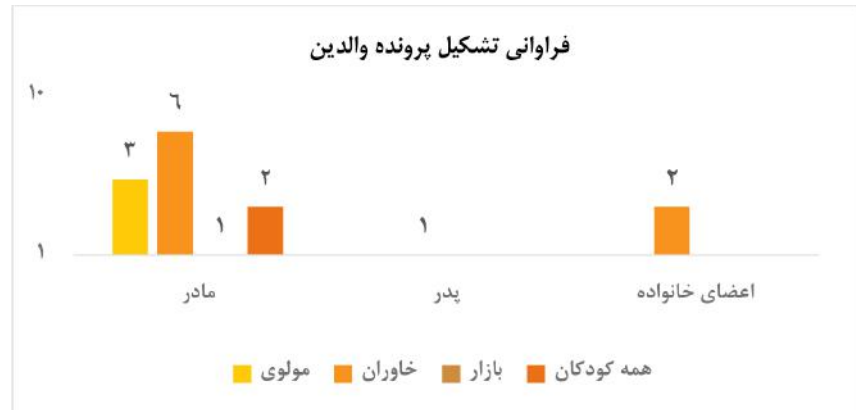


نزدیک‌ترین و فعال‌ترین ارتباط تخصصی بین دو واحد مددکاری اجتماعی و روان‌شناسی است. کودکان برای ارزیابی اولیه روان‌شناختی و اجرای آزمون‌های روان‌شناختی به روان‌شناسی ارجاع می‌شوند و بعد در فرآیند حمایت برحسب تنوع و شدت مشکلات ممکن است ارجاعات بعدی صورت گیرد. مشکلات رفتاری کودکان و مشکلات خلقی نیز جایگاهی ویژه در این تعامل دارند. جدول بالا نمایش‌گر موضوعات ارجاعی از واحد مددکاری اجتماعی به واحد روان‌شناسی است.

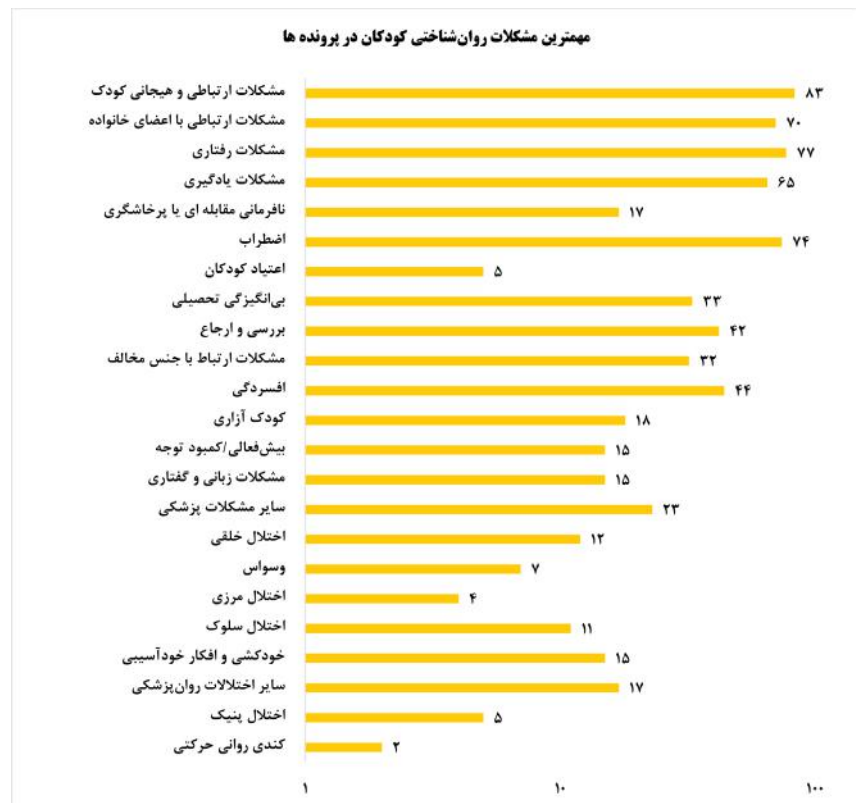


اغلب خدمات مشاوره‌ی تخصصی در خدمت کودکان بوده است و نسبت خدمات برای کودکان بیش از خانواده‌ها است. مشاوره‌های گروهی برای هر دو گروه خانواده و کودکان و در برخی موارد ترکیبی (مشاوره‌ی خانواده) بوده است. قابل ذکر است که مرکز بچ در سال ۱۴۰۰ فاقد نیروی انسانی روان‌شناس بوده است. در مرکز همه‌ی کودکان به دلیل این که این مرکز در حال حاضر بیشتر مقطع پیش‌دبستانی را دارا است، مشاوره به کودکان و مشاوره‌ی گروهی فراوانی کمتر و مشاوره‌ی خانواده فراوانی بیشتری دارد. در مرکز بازار نیز که اغلب کودکان دور از خانواده زندگی می‌کنند، مشاوره‌ی گروهی و مشاوره‌ی خانواده فراوانی کمتری دارد.

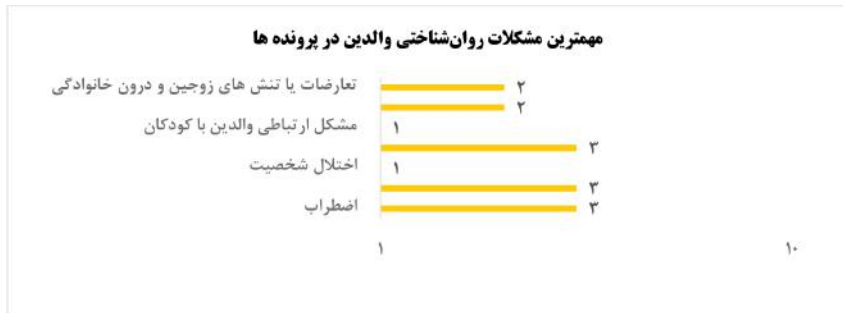
بخش عمده‌ی خدمات واحد روان‌شناسی در خدمت کودکان است و همه‌ی کودکان در این واحد دارای پرونده هستند. با توجه به اهمیت سلامت روان خانواده‌ها، در صورت ضرورت آنان نیز از این خدمات تخصصی استفاده می‌کنند.



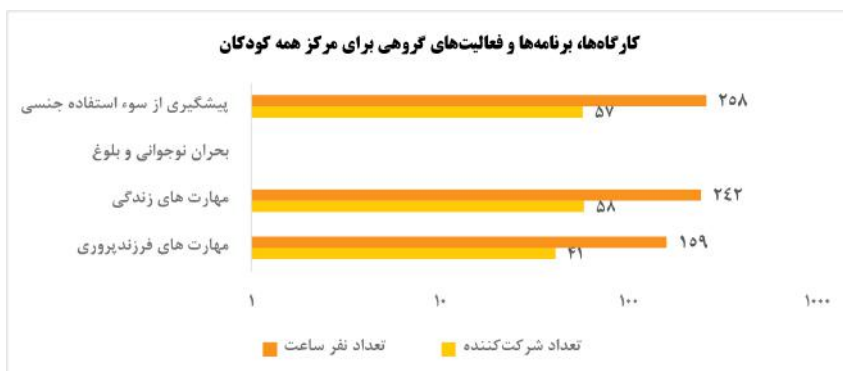
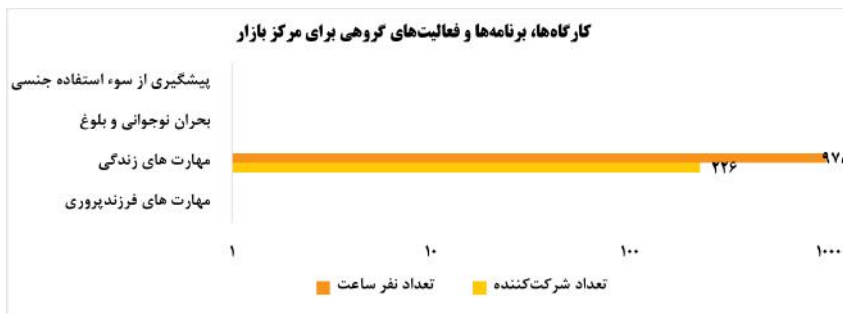
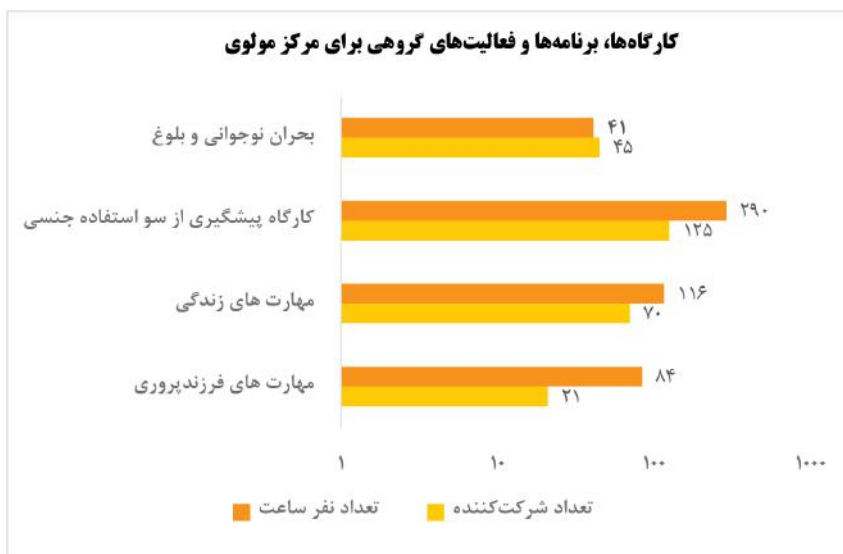
همانطور که پیش از این گفته شد، بخش عمده‌ی خدمات واحد روان‌شناسی در خدمت کودکان است و همه‌ی کودکان در این واحد دارای پرونده هستند. با توجه به اهمیت سلامت روان خانواده‌ها، در صورت ضرورت آنان نیز از این خدمات تخصصی استفاده می‌کنند. والدین و سایر اعضای خانواده در صورتی که مشکلاتشان جدی و مستلزم مراجعات مکرر و پیگیری باشد برای آنان نیز پرونده تشکیل می‌شود. همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد مادران بیشتر از این خدمات استفاده کرده‌اند.

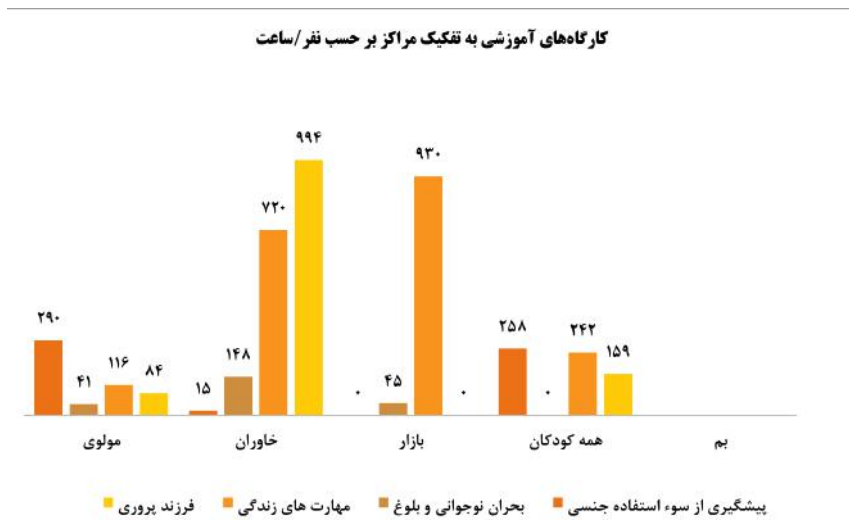
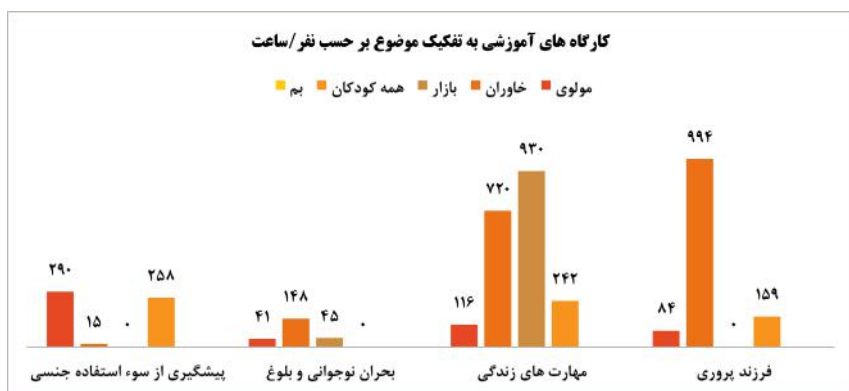
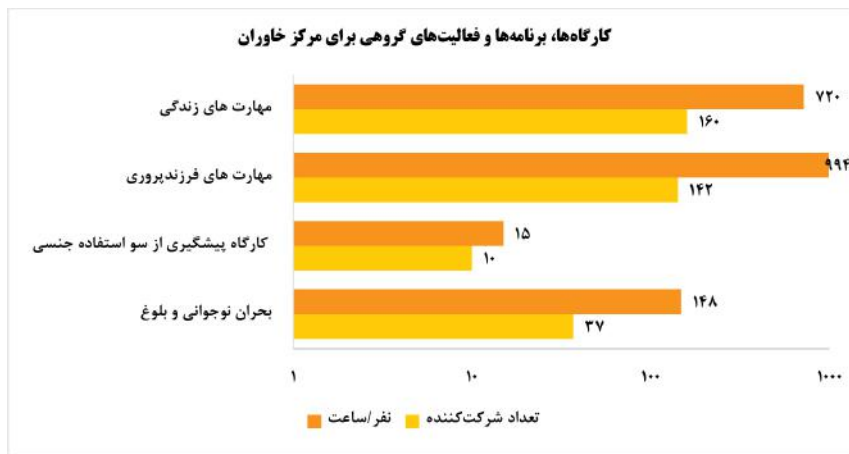


گزارش ❖



واحد روان‌شناسی سعی دارد ضمن ارایه‌ی خدمات تخصصی خود با گردآوری داده‌های حاصل از ارزیابی‌ها و مداخلات، تصویری از وضعیت سلامت روان گروه هدف و اختلالات شایع به دست آورد تا مبنای برنامه‌ریزی و طراحی برنامه‌های نوین و اصلاح فرآیندها شود. چنان‌که از نمودار بر می‌آید، مشکلات ارتباطی-هیجانی و ارتباط با خانواده بیشترین فراوانی را دارد. مشکلات رفتاری، اختلالات اضطرابی و مشکلات یادگیری رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص می‌دهند.





برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کودکان و خانواده‌ها یکی از فعالیت‌های مهم و موثر تیم روان‌شناسی انجمن است. نیازهای گروه‌های مختلف شناسایی و دسته‌بندی می‌شود و برای هر گروه برنامه‌های مناسب تنظیم و اجرا می‌شود. در اجرای کارگاه‌های آموزشی روان‌شناسان مراکز، داوطلبان و اساتید مدعو مشارکت دارند. مهارت‌های زندگی، بهداشت بلوغ، مراقبت جنسی و مهارت‌های فرزندپروری برای گروه‌های سنی و جنسی متفاوت عمده‌ترین و ثابت‌ترین برنامه‌های آموزشی واحد روان‌شناسی است. در سال ۱۴۰۰ نیز به علت شیوع همه‌گیری کرونا امکان برگزاری کارگاه‌های آموزشی همانند سال پیش کمتر بود و با احتیاط زیادی برگزار شد.



گزارش عملکرد اجرایی تغذیه و بهداشت و سلامت

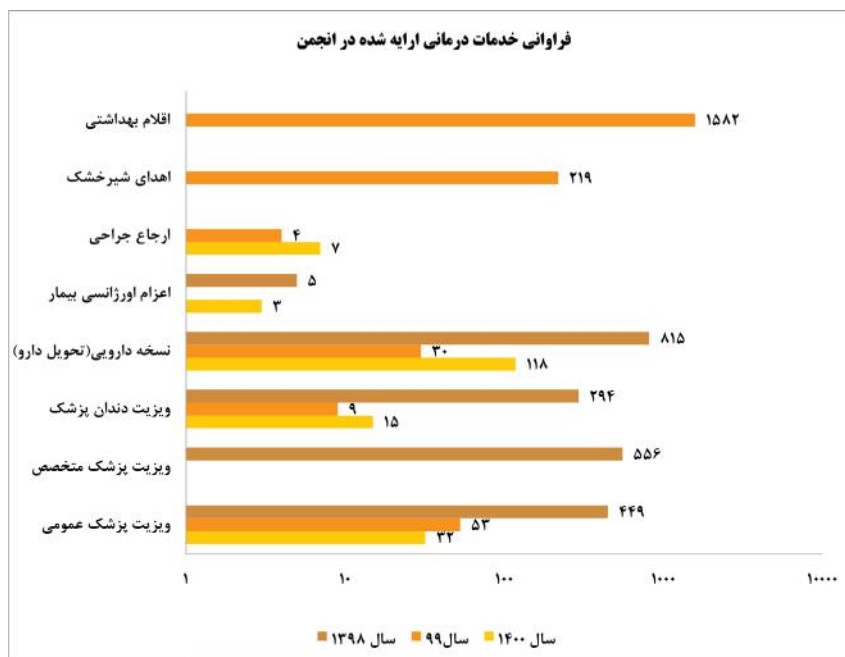
بقا و رشد همه جانبه، حق همه‌ی کودکان است. کودکان کار و در معرض آسیب از این بابت در معرض تهدید قرار دارند. شرایط و سبک زندگی همراه با فقر و محرومیت سلامت کودکان را با خطر مواجه می‌سازد. شرایط برای زیست سالم و رشد کامل کودکان در خانواده و محله مهیا نیست. وضعیت مسکن و تغذیه نامناسب است، کودکان دچار سوءتغذیه هستند، خدمات بهداشت عمومی در دسترس نیست و سواد بهداشتی خانواده‌ها در نتیجه کودکان پایین است. خانواده‌ها به سلامت کودکان توجهی ندارند یا باورهای خرافی آنان باعث بی‌توجهی آنان به موارد بیماری و درمان می‌شود. بنابراین کودکان در معرض بیماری‌های مختلف قرار دارند.

کودکانی که کار می‌کنند وضعیت نامناسب‌تری دارند و بیش از دیگران در معرض آسیب هستند. شرایط سخت محیط کار، حوادث و جراحتهای ناشی از کار و ساعات طولانی کار برای سلامت کودکان مضر است. کودکان مهاجر به دلیل عدم پوشش بیمه‌ای از حق درمان نیز محروم می‌شوند.

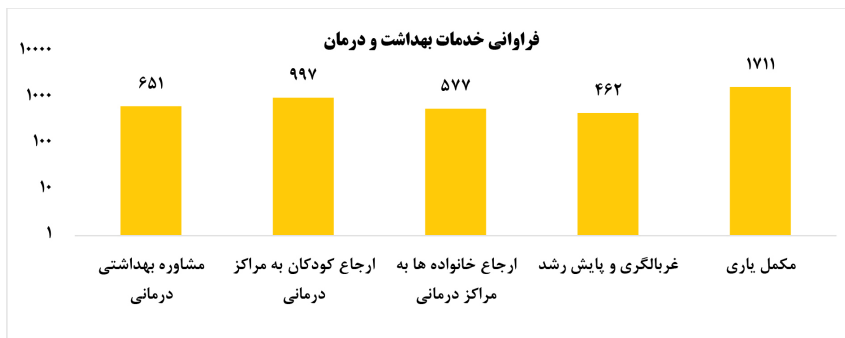
واحد بهداشت انجمن همواره تلاش داشته است با همکاری حامیان و داوطلبان در حد امکان به جبران بخشی از این کاستی‌ها بپردازد. دفتر بهداشت انجمن هماهنگ کننده‌ی خدمات بهداشت و درمان است. امکان ارزیابی، معاینات اولیه، آموزش بهداشت، خدمات اولیه‌ی دندانپزشکی و توزیع اقلام بهداشتی در انجمن وجود دارد، اما برای پوشش بهتر نیازها با برخی مراکز درمانی با تفاهم‌نامه، تعامل وجود دارد و برای سایر موارد نیز از ظرفیت‌های دیگر با تقبل هزینه استفاده می‌شود. در سال ۱۴۰۰ انجمن از حمایت منسجم گروهی از حامیان و داوطلبان در گروه بهداشت به خوبی بهره‌مند بوده است.



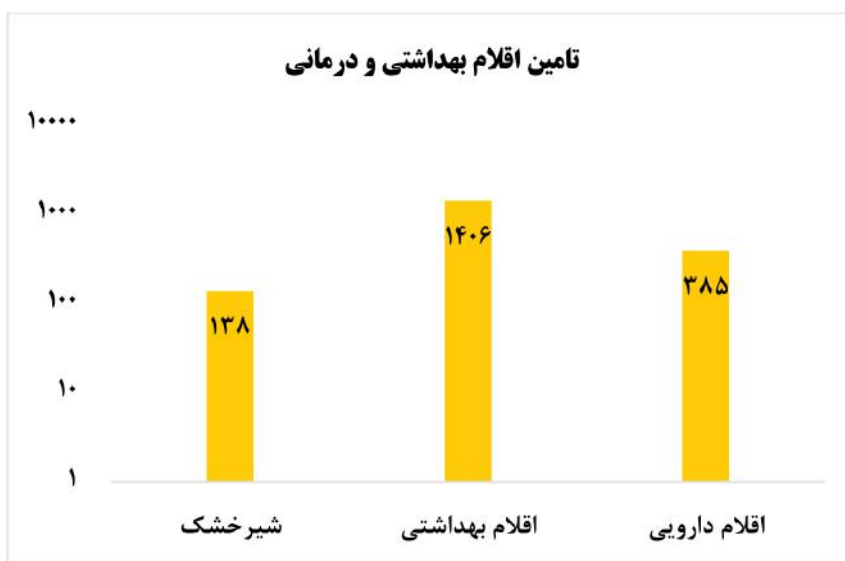
فراوانی خدمات درمانی ارائه شده در انجمن



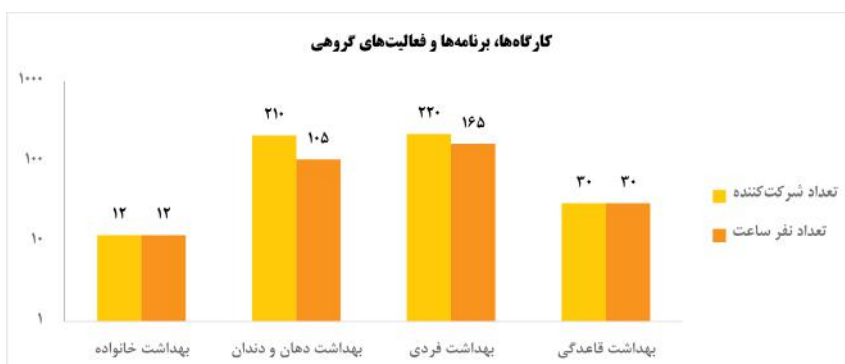
در این نمودار داده‌های سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نمایش داده شده است تا تاثیر بحران همه‌گیری کوید ۱۹ نشان داده شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود علی‌رغم این که در سال ۱۳۹۹ به نظر می‌رسد نیازهای درمانی گروه هدف افزایش داشته باشد اما آرایه‌ی خدمات به شدت کاهش یافته است. دلیل این امر آن است که با تشدید شرایط بحرانی، حضور متخصصان داوطلب کاهش یافت و در نتیجه آرایه‌ی خدمات درمانی در انجمن نیز به تبعیت آن کم شد و اغلب موارد به مراکز درمانی ارجاع شد.

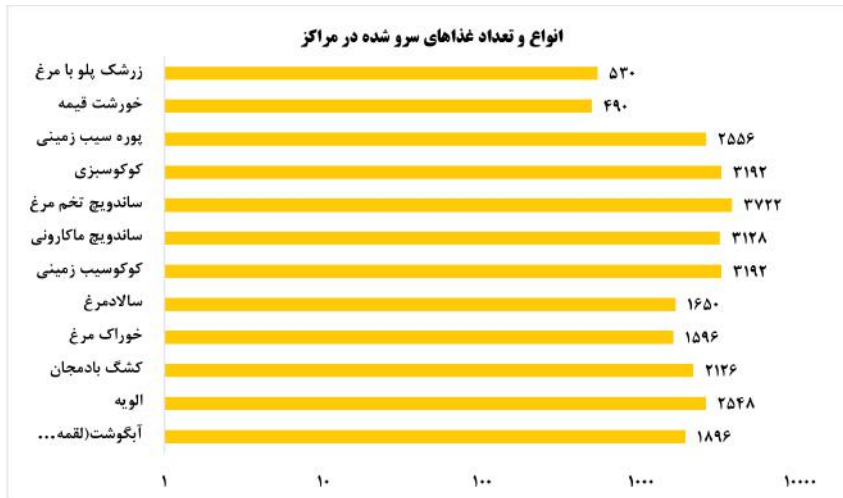


در مقابل کاهش آرایه‌ی خدمات درمانی مستقیم در انجمن، ارجاع به مراکز درمانی افزایش یافته است. در سال ۱۴۰۰ به توصیه‌ی متخصصان داوطلب و با توجه به نتایج غربالگری‌های انجام شده مکمل یاری منظم هم آغاز شد. در این طرح برای جبران کمبود ویتامین D و آهن به تعداد کافی قرص تهیه و طبق برنامه‌ی پیشنهادی متخصص کودکان توسط مسئول بهداشت یا مددکاران توزیع شد.



لازم به توضیح است که این نمودار مربوط به فعالیت‌های دفتر بهداشت مرکز است و توزیع اقلام بهداشتی در سایر مراکز را شامل نمی‌شود.





از بدو تاسیس انجمن با مساله‌ی سوءتغذیه‌ی کودکان خود مواجه بوده است و از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ با پخت و توزیع پراکنده‌ی خوراک این مسیر را پیش برد تا در سال ۱۳۸۸ با احداث آشپزخانه پخت و توزیع یک میان‌وعده خوراک را در بین کودکان خود داشت. در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، پس از شیوع همه‌گیری برای کاهش مخاطرات و در رعایت پروتکل‌های بهداشتی آشپزخانه و سالن سرو غذا تعطیل شد. در دوماه آخر سال ۱۴۰۰ با توجه به مساعدتر شدن وضعیت، تامین یک وعده تغذیه، به صورت لقمه و برای پرهیز از سرو رستورانی غذا در دستور کار قرار گرفت.

محور آموزشی

آموزش فرآیندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: یادگیری برای زندگی کردن با یکدیگر، یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن امور و یادگیری برای بودن.

واحد آموزش انجمن حمایت از کودکان کار همچون سال‌های گذشته در زمینه‌های سوادآموزی، هنرآموزی، حرفه‌آموزی، ورزش و کتابخانه و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی با شناسایی فرصت‌های و ظرفیت‌های جامعه فعالیت خود را ادامه داد.

در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بیشترین نیازی که در آموزش کودکان انجمن به چشم می‌خورد حرفه‌آموزی کودکان ۱۲ تا ۱۸ سال است. افزایش تعداد کودکان دارای سن بالای دوازده سال در انجمن اهمیت حرفه‌آموزی را در بخش آموزش بیش از پیش نمایان کرده است. ثبت‌نام کودکان کار و بازمانده از تحصیل دارای سن بالاتر از ۱۰ سال توسط بخش مددکاری اجتماعی انجمن، افزایش سن کودکانی که از سال‌های پیش در انجمن ثبت‌نام شده و موفق به ثبت‌نام در مدارس دولتی نشده‌اند از دلایل افزایش این گروه سنی است. با توجه به بررسی علل بازماندگی کودکان، به نظر می‌رسد بی‌انگیزگی تحصیلی در کودکان پایه‌های سوادآموزی و متوسطه‌ی دوره‌ی اول افزایش پیدا کرده است و بیشتر آنها به دلیل اشتغال به کار بازمانده شده‌اند. این پیشامد ما را هوشیار می‌کند که با سرعت بیشتری در مسیر حرفه‌آموزی کودکان گام برداریم.

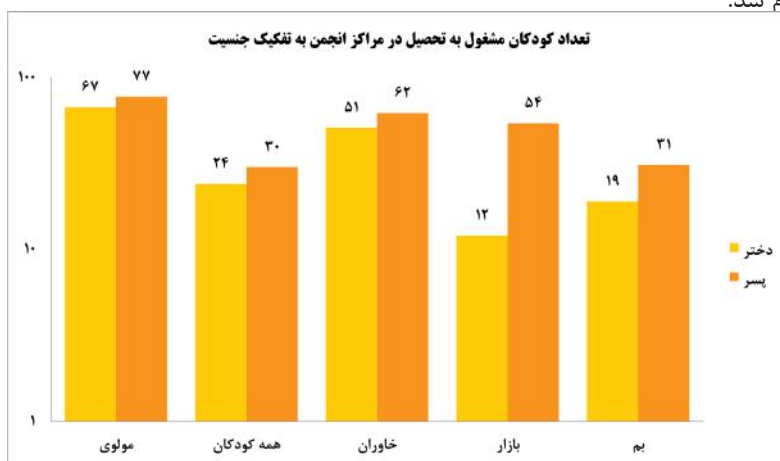
در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ طرح با من بخوان در پایه‌های پیش‌دبستانی، اول، نهضت ۱ و ۲ اجرایی شد و در حال انجام است. ۲۹۴ کودک در طرح مشارکت دارند. طرح با من بخوان بر تقویت سواد پایه و سهیم شدن کتاب با کودکان و نوجوانان با روش بلندخوانی گفت‌وگو و نمایش در پیوند با کتاب تمرکز دارد تا هم‌زمان با ایجاد لذت و شوق خواندن تأثیرگذاری ژرف‌تری بر ذهن و جان کودکان بگذارد این برنامه بر اساس این رویکرد، افزون بر گزینش آگاهانه کتاب‌های مناسب و باکیفیت و رساندن آن به دست کودکان، می‌کوشد با برگزاری کارگاه‌های گوناگون، مربیان و آموزگاران را در زمینه بلندخوانی و فعالیت‌های در پیوند با آن توانمند کند.

برای کودکانی که سطح هوشی پایین‌تر از حد معمول دارند، طرح سواد دی یا سوادآموزی دیجیتال در مراکز همه‌ی کودکان و مولوی در حال انجام است. «داناک» آموزش را از سطح پایه آغاز می‌کند و کودک را به مهارت خواندن، نوشتن و درک مطلب و شمارورزی

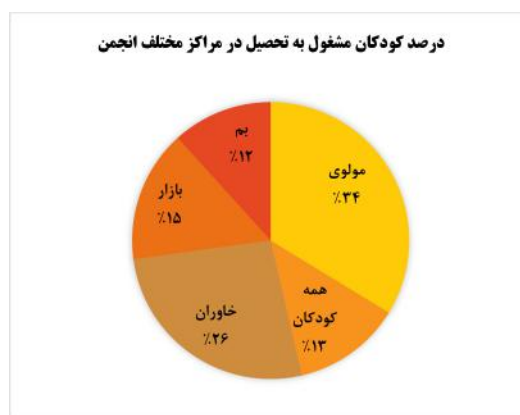


❖ گزارش

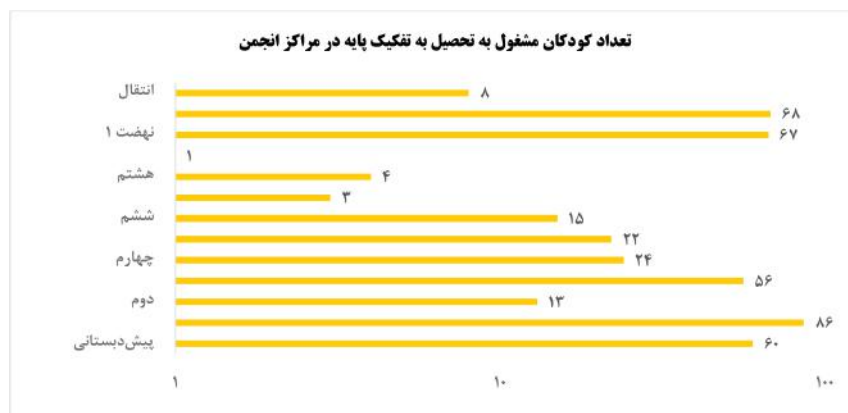
می‌رساند. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نیز مانند سال‌های گذشته اطلاع‌رسانی و حمایت از خانواده‌های اتباع در دریافت کارت حمایت تحصیلی و ثبت‌نام کودکان در مدارس دولتی انجام شد.



به علت موقعیت مرکز بازار تعداد کودکان پسر بیشتر از کودکان دختر است.



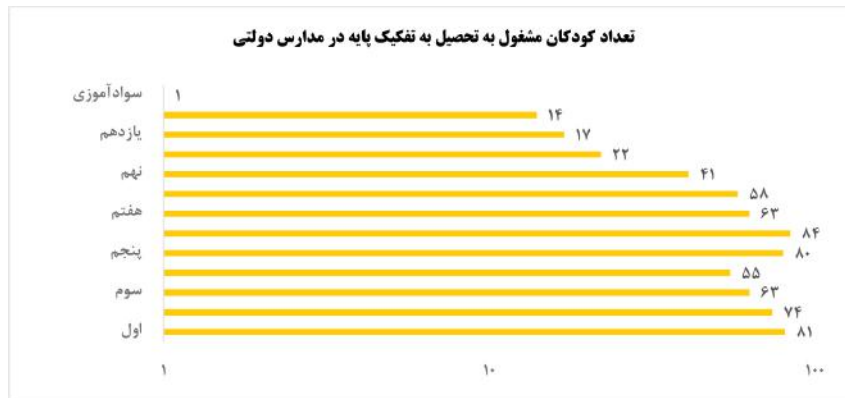
بیشترین تعداد کودکان محصل در انجمن به ترتیب در مراکز مولوی، خاوران، بازار، همه کودکان و بم حضور دارند. در مرکز بازار و بم با مقایسه‌ی سال پیش افزایش ۷ درصدی وجود دارد.



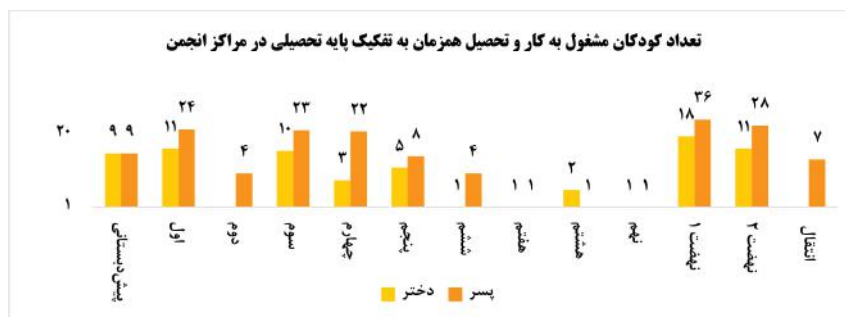
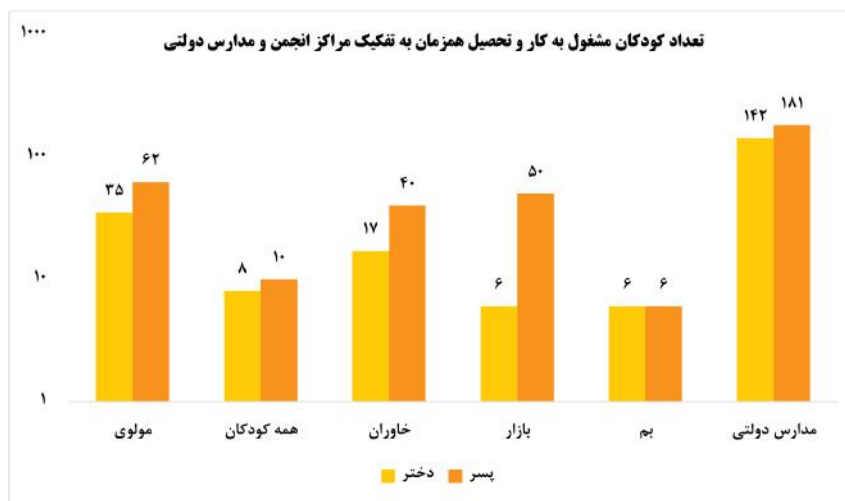
ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مبارزه با کار کودک
خردادماه ۱۴۰۱

گزارش ❖

بیشترین تعداد کودکان در حال تحصیل در مراکز انجمن در پایه‌های تحصیلی نهضت ۱، نهضت ۲ و اول ابتدایی قرار دارند. دلایلی مانند فقر اقتصادی، بیماری مهاجرت، عدم توجه والدین به تحصیل کودک باعث بازماندگی کودک از تحصیل شده است و با افزایش سن کودکان و قرار گرفتن در گروه سنی بالای ده سال در پایه‌های تحصیلی نهضت ۱ و ۲ قرار می‌گیرند. افزایش آمار کودکان در پایه‌ی اول ابتدایی به این علت است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ با توجه اعلام دیر هنگام (اواسط مرداد و شهریور ماه) ثبت‌نام اتباع برای دریافت کارت حمایت تحصیلی، بسیاری از کودکان پایه‌ی پیش‌دبستانی و اول ابتدایی مرکز همه‌ی کودکان در مدارس دولتی به علت تکمیل ظرفیت بودن مدارس، موفق به ثبت‌نام نشدند.



بیشترین تعداد کودکان در مدارس دولتی در پایه‌های پنجم، ششم و اول ابتدایی هستند. یکی از دلایل آمار بالای کودکان در پایه‌ی اول ابتدایی برگزاری پایه‌ی پیش‌دبستانی در مرکز همه‌ی کودکان و مرکز بزم انجمن است. آمار بالای کودکان در پایه‌های پنجم و ششم به علت برگزاری کلاس‌های سوادآموزی در انجمن است.



کاهش تعداد کودک کار دانش‌آموز در مقطع متوسطه‌ی دوره‌ی دوم نسبت به مقاطع ابتدایی به علت ترک تحصیل کودکان است. در بیشتر موارد بی‌انگیزگی تحصیلی و اشتغال به کار با مدت زمان بیشتر باعث بازماندگی کودکان در دو مقطع می‌شود.

تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مراکز انجمن بر حسب نوع شغل

تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مراکز انجمن بر حسب نوع شغل

شغل	فروشنده‌گی	نظافت منزل	پرستاری از سالمند	دستفروش	خیاطی	کار در مغازه	کار در کارگاه
دختر	۲	۳	۱	۲۵	۱۵	۲	۰
پسر	۸	۰	۰	۳۹	۱۹	۲۴	۶

شغل	کار در منزل	کشاورزی، میوه‌چینی، میوه‌فروشی	گل‌فروش در بازار گل	شیشه پاک‌کن	چرخ‌کشی	جمع‌آوری ضایعات	اسفند دودی
دختر	۱۳	۱	۰	۲	۰	۰	۰
پسر	۲	۳	۱۰	۷	۱۹	۶	۱

شغل	صحافی	کابینت‌سازی	موتور سازی	شاگرد مکانیک	تکدی گری	تاسیسات	گل چینی	بسته بندی (خرمالیاس و...)
دختر	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۴
پسر	۱	۱	۲	۳	۵	۲	۰	۱۰



تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مدارس دولتی بر حسب نوع شغل

تعداد کودکان مشغول به کار و تحصیل در مدارس دولتی بر حسب نوع شغل

شغل	فروشنده‌گی	دستفروش	خیاطی	کار در مغازه	پیک پیاده	کار در رستوران	شاگرد مکانیک
دختر	۳	۳۵	۱۶	۱	۱	۱	۰
پسر	۷	۳۸	۱۶	۲۶	۰	۰	۵

شغل	کار در منزل	کارگر (فصلی و ...)	بسته‌بندی خرما	چرخ‌کشی	تکدی گری	بنایی	جمع‌آوری ضایعات
دختر	۲۴	۲	۵۷	۰	۲	۰	۰
پسر	۱۴	۴	۳۸	۳	۲	۱	۱۳

شغل	کار در کارگاه	موتورسازی	میوه فروشی	شیشه پاک کنی	کیف دوزی و کیسه دوزی	بسته بندی
دختر	۰	۰	۰	۰	۰	۲
پسر	۲	۲	۱	۱	۴	۲

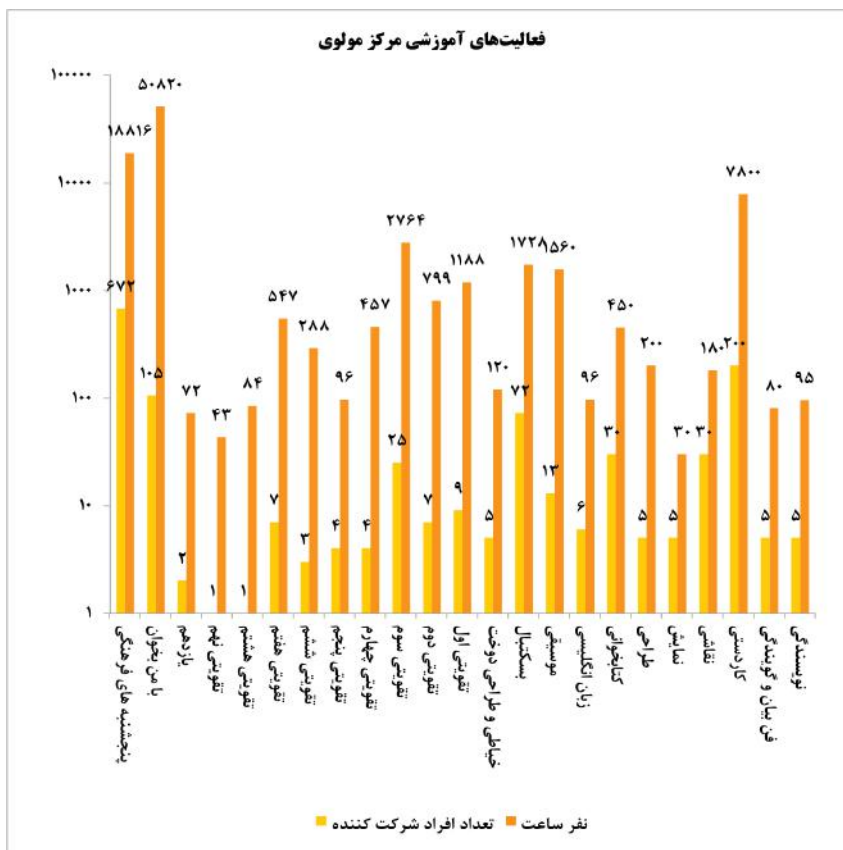
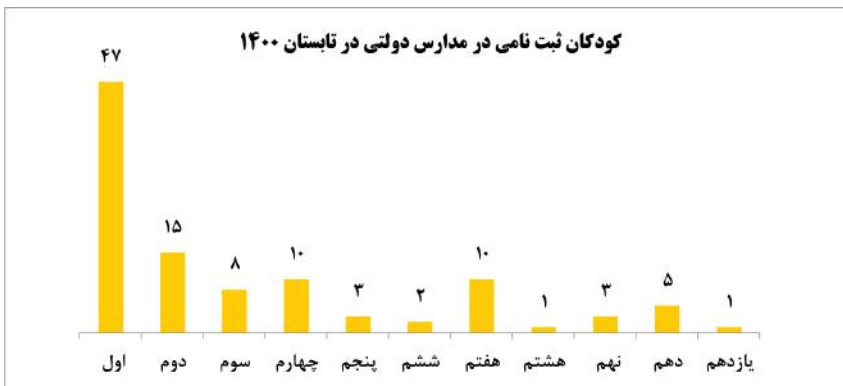


گزارش

تعداد کودکان ثبت نام شده در مدارس دولتی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به تفکیک پایه‌ی تحصیلی (تابستان ۱۴۰۰)

تعداد کودکان ثبت نام شده در مدارس دولتی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به تفکیک پایه‌ی تحصیلی (تابستان ۱۴۰۰)

نام مراکز	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	جمع
بم	۲	۰	۱	۲	۱	۳	۲	۲	۲	۴	۰	۲۰
خاوران	۱	۷	۰	۲	۲	۰	۴	۰	۰	۴	۰	۲۳
همه کودکان	۴۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۴۲
بازار	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲
مولوی	۴	۸	۱	۳	۰	۰	۲	۰	۳	۱	۰	۱۸
جمع	۴۷	۱۵	۸	۱۰	۳	۲	۱۰	۳	۱۰	۵	۱	۱۰۵



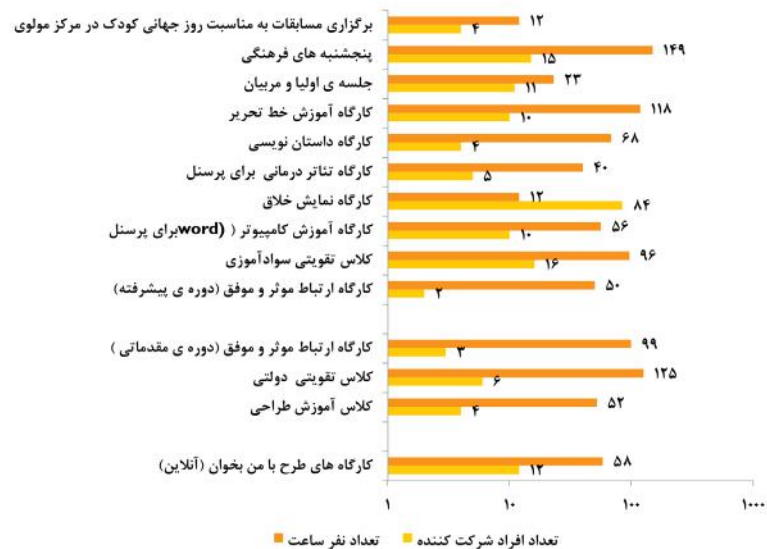
❖ گزارش

در مرکز مولوی به علت برگزاری طرح آموزش مجازی متمرکز برای کودکان مدارس دولتی، اکثر کودکان به علت تغییر شیوهی آموزشی از حضوری به مجازی دچار ضعف شدید بودند و برگزاری کلاس‌های تقویتی در مقطع ابتدایی و متوسطه‌ی دوره‌ی اول یک ضرورت بوده است.

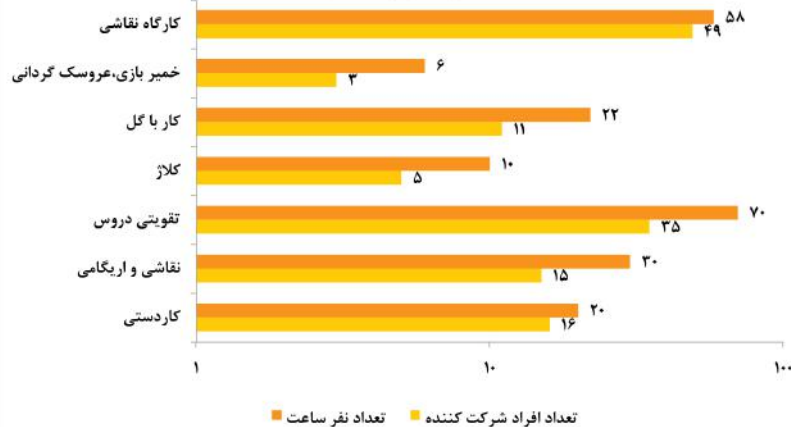
بیشترین فعالیت گروهی آموزشی مرکز بم به علت ضعف درسی کودکان مشغول به تحصیل در مدارس دولتی مربوط به برگزاری کلاس‌های تقویتی مقطع ابتدایی است. در رتبه‌ی دوم طرح آموزشی شرکت ابراروان است. (در این طرح ۱۱ کودک از مرکز بم تحت آموزش در حوزه‌ی دیجیتال و آی‌تی هستند) [۲۰۰۴۰۱-۲۰۰۴۰۱].



فعالیت‌های آموزشی مرکز بازار



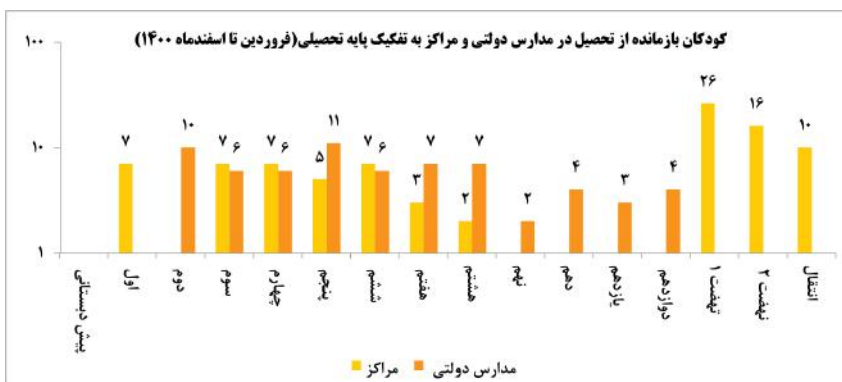
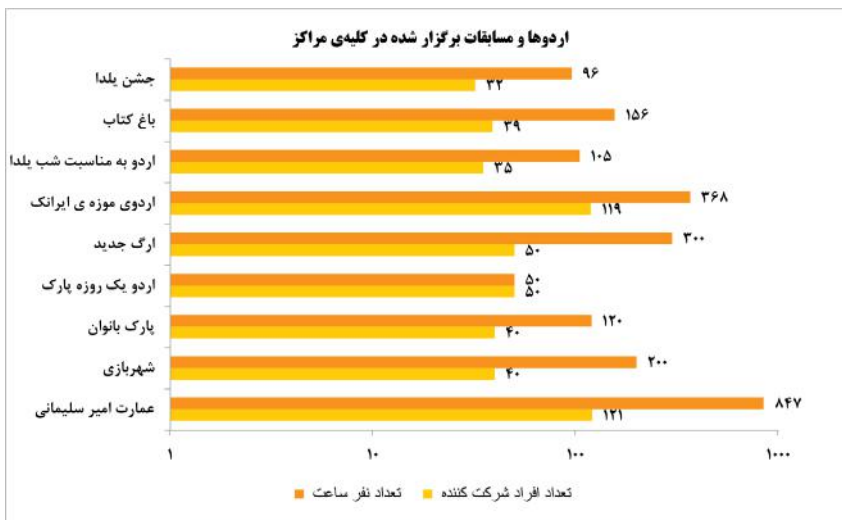
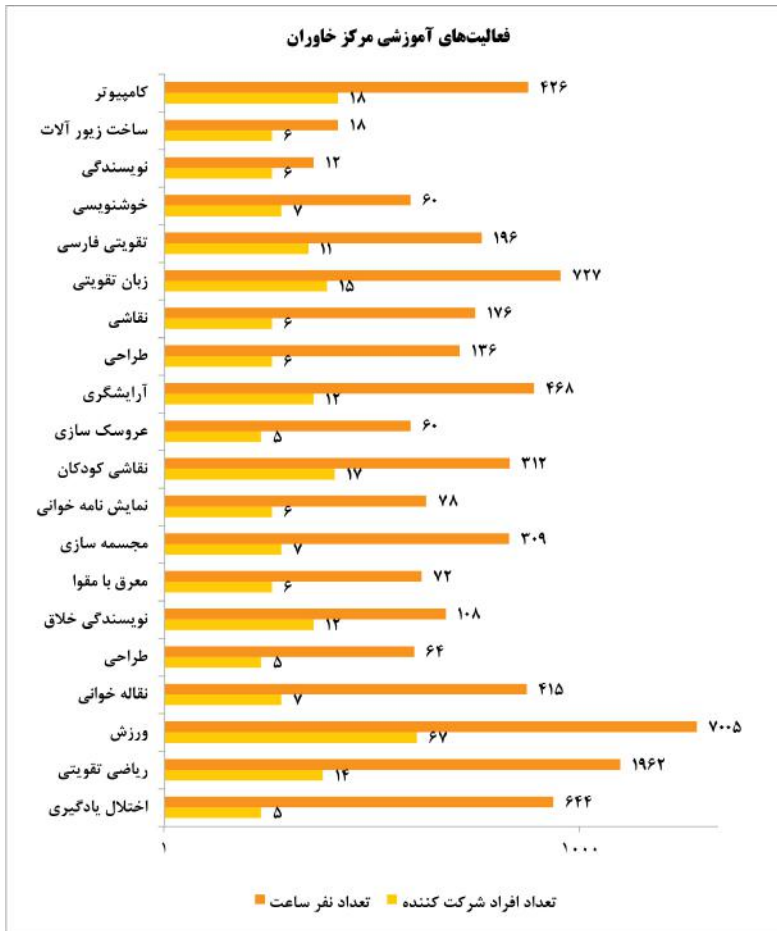
فعالیت‌های آموزشی مرکز همهی کودکان

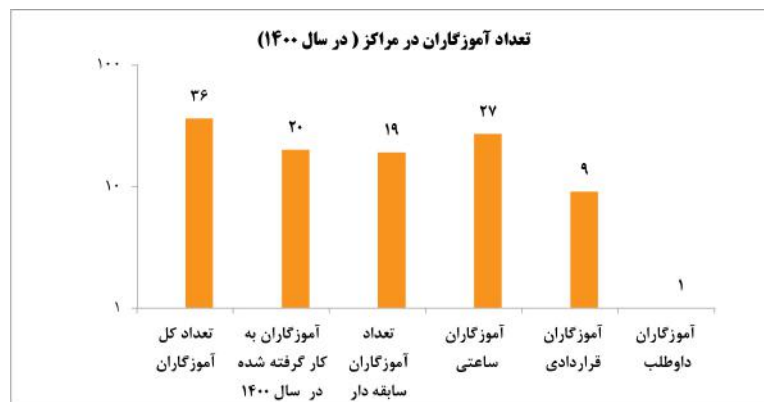
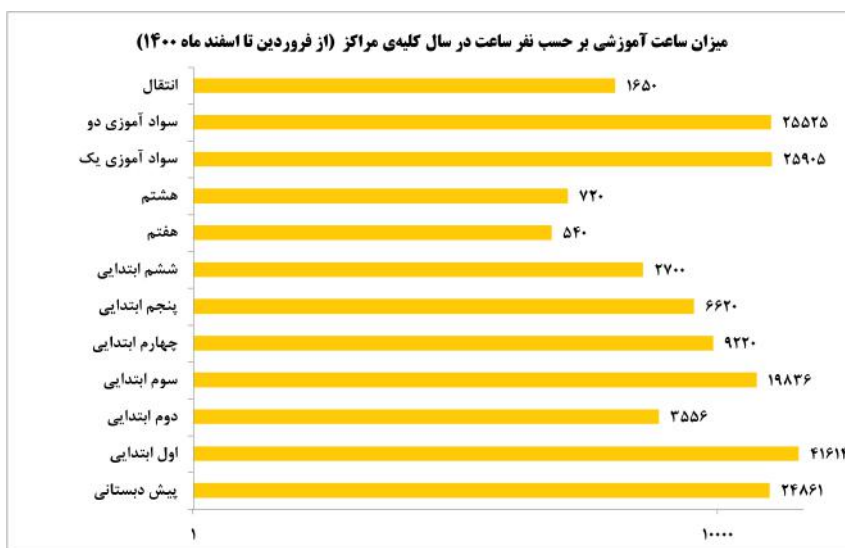
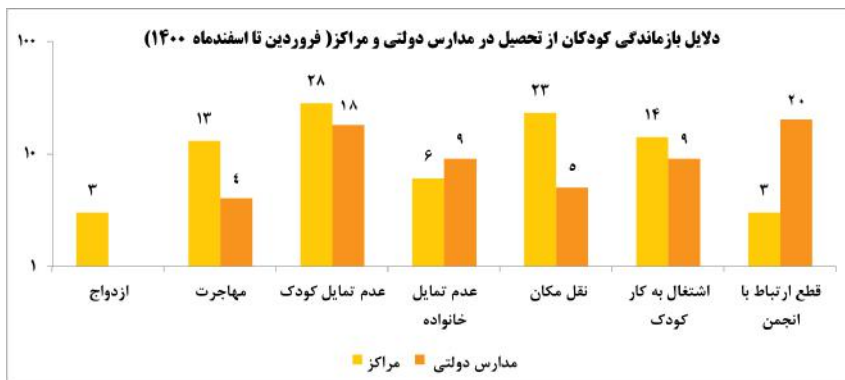


بیشترین فعالیت‌های گروهی آموزشی مرکز خاوران مربوط به برگزاری کلاس‌های ورزشی، ریاضی تقویتی، زبان، آرایشگری، کامپیوتر است. در مقایسه با سال گذشته و بهبود شرایط کرونا فعالیت‌های فوق برنامه در مرکز خاوران افزایش پیدا کرده است.

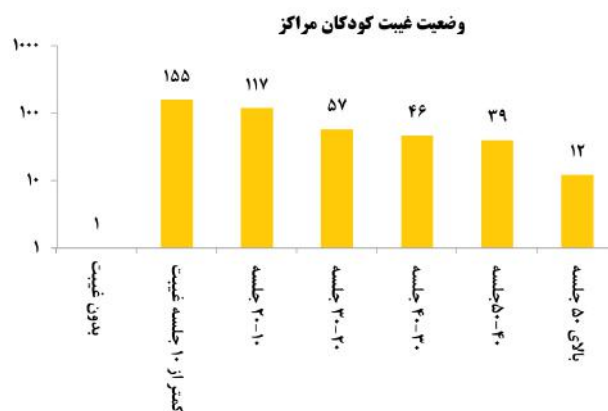


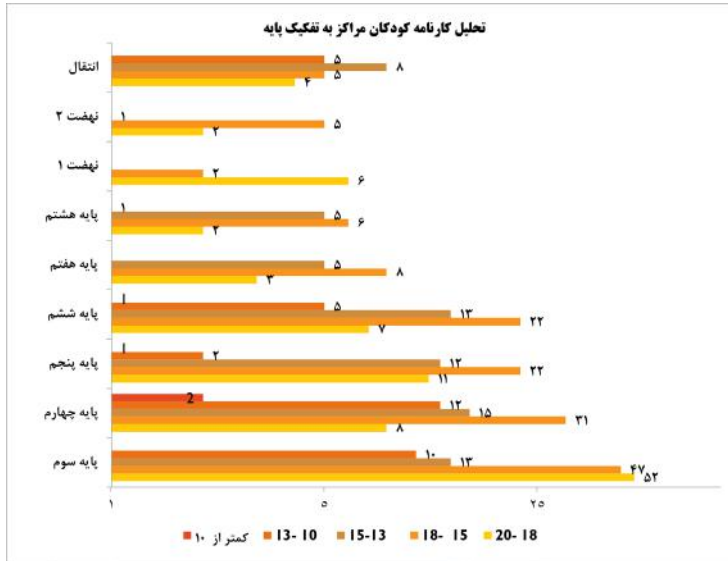
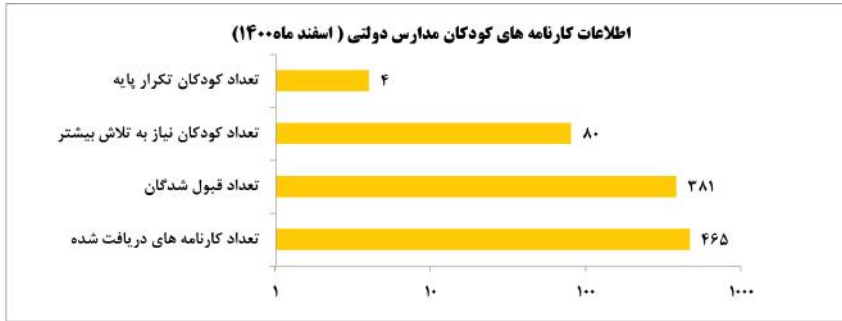
ویژگی‌های روز جهانی مبارزه با کار کودک
۱۴۰۱ خردادماه



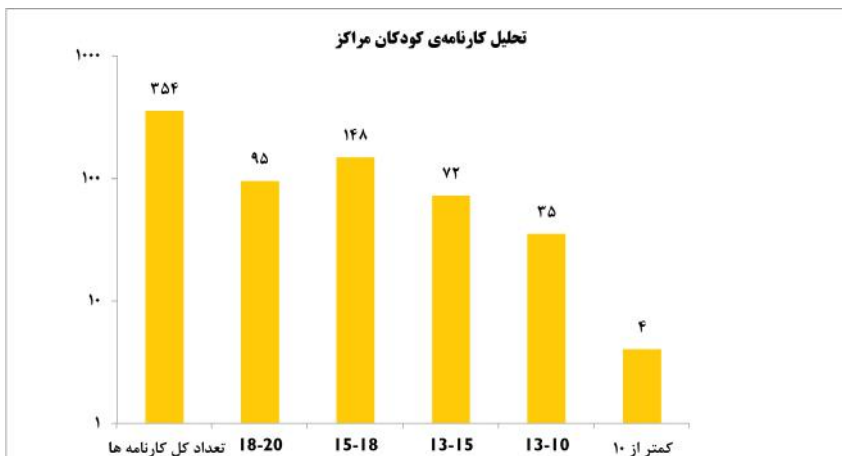


بیشتر آموزگاران انجمن دارای بیش از یک سال سابقه هستند و به صورت ساعتی با انجمن همکاری میکنند. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ به علت بیماری پاندمی کرونا و کاهش ساعت آموزشی کودکان با تعداد محدود، ۲۰ آموزگار به سیستم اضافه شده است.





در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، ۳۵۴ کارنامه صادر شده است. تعداد کم کارنامه‌ها به اجرای طرح با من بخوان برای پایه‌های سواد آموزی، اول، دوم است. ارزیابی تحصیلی این کودکان از طریق مسئولان اجرایی طرح صورت می‌گیرد.



با مراجعه به سایت انجمن حمایت از کودکان کار می‌توانید، گزارش مالی که توسط حسابرسان مستقل قسم خورده، سالانه حسابرسی (به انضمام صورت‌های مالی) می‌شود، مطالعه فرمایید. از این که پشتیبان انجمن حمایت از کودکان کار بودید تا بتواند یک سال دیگر در کنار کودکان به توانمندسازی ایشان بپردازد، قدرتان شما هستیم و با امید به حضور گرم‌تان تلاش‌های‌مان را برای سالی دیگر ادامه می‌دهیم.



نقش هنرآموزی در مبارزه با کار کودک

نگار ماهری؛ مسئول هنرآموزی، کتابخانه و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی کودکان در انجمن حمایت از کودکان کار

هنر برای کودکی که کودکی اش را سر چهارراه‌ها، پستوهای کارگاه‌ها و هزاران جایی که نباید، گم کرده؛ دستانش فرسوده‌ی کار، ذهنش مخدوش معاش و آرزوهایش زیر حجم اندوه له شده چه تأثیری خواهد داشت؟

نیاز انسان و جامعه با هر سطحی از اندیشه و فرهنگ، به هنر غیر قابل انکار است. تلاش‌های جامعه‌ی بشری در طول تاریخ برای دگرگونی‌های سازنده و پیشرفت با هنر ارتباط تنگاتنگی داشته و دارد. گویی هنر نبض پویایی جامعه بوده و موجب تسریع شکوفایی و اعتلای جوامع می‌شود. جامعه‌ی امروز ما محصول عدم توجه به یک سری نیاز به آموزش‌های ضروری در گذشته بوده است. بی‌شک آموزش فاقد پرورش صحیح نتیجه‌ی مطلوبی در پی نخواهد داشت و چه بستری بهتر از فضای هنری برای آموزش کودکان؟

فعالیت‌های هنری منهای این‌که برای کودکان بسیار سرگرم کننده و جذاب هستند، مهارت‌های حرکتی و دست‌ورزی، صبر، هماهنگی دست و چشم، دقت و ارتباط اجتماعی‌شان را نیز بهبود می‌بخشند. نکاتی که در درک و دریافت درس‌شان هم بسیار مؤثر خواهند بود. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر این موضوع هست که کودکان فعال در یک شاخه‌ی هنری و یا کودکانی که تجربه‌ی مشارکت در فعالیت‌های هنری را داشته‌اند در حیطه‌های تحصیلی و اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کنند. کودکان به واسطه‌ی هنر، احساسات خود را کشف کرده و به درک بهتری از خود و دنیای پیرامون‌شان می‌رسند. هنرآموزی نیازمند تمرین و تکرار است و همین امر موجب یادگیری تلاش برای رسیدن به اهداف می‌شود و خروجی تقاطع استعداد و پشتکار، موفقیت خواهد بود. مشارکت مسالمت‌آمیز و مسئولیت‌پذیری از دیگر تأثیرات مثبت هنر است. به طبع کودکان هنگام فعالیت‌های هنری مرتکب خطاهایی شده و راهی برای اصلاح‌شان پیدا می‌کنند؛ در نتیجه به صورت غیرمستقیم می‌آموزند که اشتباهات بخشی از زندگی ما هستند، مهم پذیرش مسئولیت اشتباه و سعی در جبران آن است. پذیرش مسئولیت اشتباه از جمله توانایی‌هایی هست که حتی خیلی از بزرگسالان هم به درستی نیاموخته‌اند.

موارد بالا نگاهی اجمالی به مزایای هنر و ضرورت آموزش آن در شرایط کلی و معمولی بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که هنر برای کودکی که کودکی‌اش را سر چهارراه‌ها پستوهای کارگاه‌ها و هزاران جایی که نباید، گم کرده؛ دستانش فرسوده‌ی کار، ذهنش مخدوش معاش و آرزوهایش زیر حجم اندوه له شده چه تأثیری خواهد داشت؟

همواره یکی از مؤثرترین روش‌های غلبه بر تنش، پیشگیری و حتا گاهی مقابله با آسیب‌های فردی و اجتماعی هنر بوده و هست. یکی از نیازهای بنیادین انسان، شادی و امید است. اشتیاق و موفقیت در هم تنیده شده‌اند و اولین گام هنر، افزایش نشاط و انگیزه است. احساس افتخار از آن‌چه به زیبایی خلق می‌شود، اعتماد به نفس را ارتقا و حس رضایت‌مندی ایجاد می‌کند. هنگامی که افراد وضعیت روحی خوبی داشته باشند در اکثر جنبه‌های زندگی بهتر تصمیم گرفته و به طبع آن عملکرد مناسب‌تری خواهند داشت. مشارکت و یا خلق یک اثر هنری فرصتی ایده‌آل برای کاهش استرس و اضطراب است. ابراز وجود و بیان احساسات در



سخت‌ترین شرایط با هنر ممکن می‌شود.

هنرآموزی یکی از تأثیرگذارترین خدمات انجمن حمایت از کودکان کار در حوزه‌ی آموزش است. در وهله‌ی اول از هنر برای تسلی خاطر کودکان مان بهره می‌بریم. با برگزاری مستدام کارگاه‌های هنری و مشارکت فعال کودکان، استعدادهای نهفته و گاهی سرکوب شده‌شان شکوفا می‌شود. در مرحله‌ی بعد استعدادهای‌شان شناسایی و برای حضور در کلاس‌های هنری تخصصی اعم از موسیقی، تئاتر، نقاشی و... گزینش و ثبت‌نام می‌شوند.

یکی از چالش‌های اصلی ما، اقناع پدر و مادری است که باوری به ارزش هنرآموزی ندارند و در برابر حضور کودک‌شان در کلاس‌های هنری مقاومت می‌کنند، چرا که هنر را کاری عبث می‌دانند. پس از عبور از سد خانواده در بعضی مواقع حتا مجاب کارفرماها نیز پیش روی ماست. مربی‌های داوطلب که تخصص و توانمندی لازم برای آموزش دارند، پس از برگزاری جلسات معارفه، جذب و ما را در این مسیر همراهی می‌کنند. پس از تأمین ابزار مورد نیاز که این موضوع در برابر هزینه‌های حمایتی انجمن، سختی‌های خود را دارد، کلاس‌ها در مراکز انجمن برگزار می‌شوند.

به منظور افزایش اعتماد به نفس و انگیزه‌ی هنرآموزان مان و همچنین ترغیب سایر کودکان، برنامه‌های اجرای موسیقی، نمایشگاه نقاشی و... به صورت ادواری برگزار می‌شوند که در ادامه تعدادی از این فعالیت‌ها ذکر شده‌اند:

برگزاری نمایشگاه نقاشی با همکاری نگارستان شاهد ۱۳ الی ۲۳ اردیبهشت سال ۱۳۸۲ به مناسبت روز جهانی کارگر

برگزاری جشنواره‌ی نقاشی کودکان به مدت دو روز در اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ با مشارکت کمیته‌ی سلامت روان بهزیستی و انجمن وحدت جوانان ایران زمین

برگزاری نمایشگاه نقاشی با همکاری سازمان TDH به مدت دو روز در مرداد ماه ۱۳۸۳ اجرای موسیقی کودکان مرکز بیم به مناسبت سالگرد زلزله بیم در خانه‌ی هنرمندان یکم دی ماه ۱۳۸۳

کسب مقام دوم در مسابقات عکاسی در سال ۱۳۸۳ برگزاری نمایشگاهی از نقاشی‌های کودکان مرکز بیم در تابستان ۱۳۸۳ به مدت دو ماه در شهر کوبه مرکز هیوگو در ژاپن

کنسرت کودکان مرکز بیم در تالار وحدت سال ۱۳۸۴ برگزاری جشنواره‌ی نقاشی گروهی بر روی بوم بیست متری در مرداد ماه ۱۳۸۵ اجرای موسیقی در پارک پردیسان به مناسبت روز جهانی آتش‌نشانی و فرهنگسرای شفق به مناسبت روز جهانی کودک به ترتیب در مهر و آذر ماه ۱۳۸۵

برگزاری نمایشگاه نقاشی و عکاسی در مجموعه‌ی شقایق سال ۱۳۸۶ اجرای نمایش بابام تو کاغذها گم شد در فرهنگسرای ارسباران سال ۱۳۸۶ شرکت در نمایشگاه نقاشی به مناسبت سالگرد رونمایی موزه‌ی مجازی بین‌المللی هنر کودک در خانه‌ی لوسی واقع در کاشان در مرداد ماه ۱۴۰۰ شرکت در نمایشگاه نقاشی به مناسبت هفته‌ی کودک در کتابخانه‌ی ملی ایران در مهر ماه سال ۱۴۰۰

نا گفته نماند که از هنر به عنوان یک ابزار کمک آموزشی نیز بهره‌مند می‌شویم. از نقاشی، دست‌سازهای هنری، نمایش و... در تحقق بهتر اهداف روند آموزش دروس استفاده می‌کنیم. آموزش غنی‌سازی شده با هنر و خلاقیت، کودکان را به یادگیری ترغیب و درک مطالب را برای‌شان مطلوب‌تر می‌سازد.

ترویج مفاهیم اخلاقی و انسانی، هدایت جامعه به سمت رشد و آگاهی، رسالت هنر است و ما هرگز از نقش هنر بر رشد شخصیت کودکان مان غافل نبوده‌ایم.

هدفمان از هنرآموزی تنها پرورش هنرمندانی حرفه‌ای نیست بلکه در تلاشیم تا کودکان مان، این سرمایه‌های اجتماعی را در مسیری قرار دهیم که در آینده، شهروندانی با ذهنی پویا، دارای عزت نفس و مؤثر باشند.

تفکر خلاقانه یکی از فاکتورهایی است که در موفقیت افراد و جامعه بسیار حائز اهمیت است و بر کسی پوشیده نیست که هنر تأثیر به‌سزایی در پرورش و شکوفایی خلاقیت دارد. توانایی تفکر صحیح، ایده‌پردازی، یافتن روش‌های نوآورانه در حل مسایل، حاصل ذهنی خلاق است. بدین ترتیب به واسطه‌ی هنرآموزی ضمن توانمندسازی، کودکان به آرامش دعوت و مهارت‌های فردی و اجتماعی‌شان نیز بهبود می‌یابد. این‌چنین کودکان مان در می‌یابند که هنر راهی برای تغییرات مثبت است و شاید آینده‌ای بسیار متفاوت از

اشتیاق و موفقیت در هم
تنیده شده‌اند و اولین گام
هنر، افزایش نشاط و انگیزه
است. احساس افتخار از آن‌چه
به زیبایی خلق می‌شود،
اعتماد به نفس را ارتقا و حس
رضایتمندی ایجاد می‌کند



آنچه می‌اندیشند پیش روی‌شان باشد. هنر، بذر امید در دل‌های‌شان می‌افشاند و نشای نیک‌اندیشی در ذهن‌شان کاشته می‌شود.

می‌خواهم شما را به بخشی از تجربیات و خاطراتم مهمان کنم، روزهایی که مطمئن هستم در روز شمار عمرم محاسبه نخواهند شد. خاطراتی که شیرینی و تلخی‌شان، چنان در هم عجین شده‌اند که نه از شیرینی تاب آن را دارم که طردشان و نه از تلخی توان آن که بر دیوار ذهنم قاب‌شان کنم.

نخستین روزی که قرار بود برای کودکان کار، کلاس دست‌سازهای هنری برگزار کنم نمی‌دانم هوا به واقع گرم بود یا هیجان موجب افزایش دما شده بود. از بازار و کوچه پس‌کوچه‌ها عبور می‌کردم. کودکانی را می‌دیدم که چرخ‌های باربری جا به جا می‌کردند. از فشاری که به چرخ می‌آوردند به‌طور کامل مشخص بود که چقدر سنگین هستند. در بعضی از مغازه‌های موتورسازی، تراشکاری، کفاشی و ... کودکان خردسالی را می‌دیدم که مشغول کار بودند. افراد معتاد که یا در حال مصرف مواد بودند و یا در چرت پس از مصرف و کودکانی که برای انجام کارهای‌شان در چنین شرایطی تردد می‌کردند. اوضاعی که موجب شگفتی و حتا گاهی وحشت من می‌شد برای‌شان عادی شده بود. آن قدر حواسم به بچه‌ها بود که متوجه نشدم کی به مجموعه رسیدم. پس از سلام و احوال‌پرسی، مدیر مرکز من را به سمت کلاس راهنمایی کرد و پس از معرفی به کودکان، تنهای‌مان گذاشت. مثل همه‌ی کودکان با نگاهی معصوم و دوست‌داشتنی به من خیره شده بودند. سعی کردم پرسشی که همیشه ذهنم را درگیر می‌کرد و آن چرای بزرگ را مهار کنم تا به فعالیتی که برای رسیدن به هدفم داشتم بپردازم. از آنها خواستم خودشان را معرفی کنند و سن‌های‌شان را بگویند. پس از اینکه آشنا شدیم در رابطه با شیوه‌ی آموزشم با آنها صحبت و ابزارها را معرفی کردم. وقتی کار را شروع کردیم منهای یکی از کودکان، باقی بدون استثنا می‌گفتند که خانم ما نمی‌توانیم، ما بلد نیستیم، نمی‌شود و ... می‌دانستم که علتش عدم اعتماد به نفس‌شان است و من اینجا بودم تا خودمان را باور کنیم. گفتم اشکالی ندارد با هم انجام می‌دهیم و یاد می‌گیریم و حالا پس از گذشت چندین سال هر وقت می‌خواهم آموزش جدیدی را شروع کنم دیگر نمی‌گویند، نمی‌شود یا نمی‌توانیم، به من می‌گویند با هم انجام می‌دهیم و یاد می‌گیریم و اگر کودک جدیدی وارد انجمن بشود و مثل گذشته‌ی خودشان ابراز ناتوانی کند، دیگر نیازی نیست من پاسخ بدهم؛ خودشان سریع می‌گویند اشکالی ندارد با هم انجام می‌دهیم و یاد می‌گیریم. آنها‌یی که زودتر یاد می‌گیرند به سایر دوستان‌شان هم کمک می‌کنند تا یاد بگیرند. این مشارکت در اداره‌ی کلاس و آموزش، اعتماد به نفس‌شان را بیشتر تقویت می‌کند. مشغول بودیم که در کلاس باز شد و به ما یادآوری کردند که زمان کلاس به اتمام رسیده است. شاید باور نکنید اما هنوز هم گذر زمان را در کنارشان احساس نمی‌کنم و هم‌چنان پایان رسیدن زمان را می‌بایست به ما اعلام کنند. به آنها گفتم که باقی کار را جلسه‌ی بعد انجام می‌دهیم. از نگاه‌شان مشخص بود که خیلی از کارشان راضی نبودند، اما چون برای‌شان تازگی داشت دوست داشتند، ادامه بدهند. همین که جوایز برگزاری جلسه‌ی بعدی بودند، برای من، کافی بود. همیشه اولین تجربه‌ها جور دیگری در ذهن ما حک می‌شوند، من هم از این قاعده مستثنا نیستم. هر بار که وارد آن کلاس می‌شوم تصویر بچه‌ها جلوی چشم‌ام نقش می‌بندد و طنین گفت‌وگوهای قشنگ‌شان در گوشم می‌پیچد. با ادامه‌ی کلاس‌ها پیشرفت‌شان در هر جلسه محسوس بود. توانایی استفاده از ابزار، دقت، بیان ایده و نظرات‌شان که خلاقانه‌تر بود رو خودشان هم متوجه می‌شدند. وقتی کارشان تمام می‌شد با غرور به هم نشان می‌دادند و این حس رضایت و افتخار هنگام برگزاری نمایشگاه چندین برابر می‌شود. عاشق وقتی هستم که امید، شادمانی و انگیزه در نگاه‌شان موج می‌زند و لبخند پیروزمندان‌ه‌ای که روی لب‌های‌شان نقش می‌بندد. به منظور بهبود رفتارها و مهارت‌های اجتماعی برای‌شان فعالیت‌های گروهی طراحی می‌کنم. ابتدا مدام از هم گله و شکایت می‌کنند اما به مرور و در مسیر آموزش، ارتباط‌شان بهتر و به درک صحیحی از مشارکت می‌رسند. سعی دارم ناصح نباشم و اگر قرار است اصولی را آموزش بدهم، ابتدا خودم به درستی آن را اجرا کنم تا الگوی خوبی برای‌شان باشم. رفتارهای مثبت‌شان را به زبان می‌آورم و تشویق‌شان می‌کنم؛ در اکثر موارد آموزش‌های غیرمستقیم نتیجه‌ی بهتری دارند. حس آرامش و کنترل خشم کودکان هر جلسه بهتر از پیش است و این موضوع از چگونگی مصاحبت‌ها و تعاملات‌شان به‌طور کامل قابل تشخیص است؛ خودشان هم به خوبی این موضوع را درک می‌کنند و از عملکردشان رضایت دارند. نکته‌ی دیگری که در کودکان کار خیلی جالب است، پیگیری‌شان برای یادگیری است. وقتی



❖ با کودکان کار ما

مهارتی را به خوبی یاد می‌گیرند، میل دارند مهارت جدیدی را هم آموزش ببینند، که متأسفانه با وجود تلاش‌های مددکاران با عدم همراهی کارفرمایان برای مرخصی ساعتی مواجه می‌شویم و امکان برگزاری کلاس جدید از ما گرفته می‌شود، اما سعی می‌کنیم این موضوع را مدیریت و از زمانی که کودکان امکان حضور را در انجمن دارند بهترین بهره را ببریم. در کنار هم شاد باشیم، لحظات خوبی را سپری کنیم و چیزهای جدید یاد بگیریم. بسیار می‌شنوم که به من می‌گویند: وقتی ساز می‌زنم و دیگران دوست دارند خیلی خوشحال می‌شوم. وقتی می‌نویسم، چیزهایی که ناراحتم می‌کنند را فراموش می‌کنم، وقتی نقاشی می‌کشم انگار در یک دنیای دیگر هستم، می‌خواهم در آینده مربی نقاشی بشوم، به نظرتان می‌توانم وقتی بزرگ شدم هنرمند بشوم؟ آخر خیلی دوست دارم و ... این جملات به ظاهر ساده، دنیا دنیا شاد و امیدوارم می‌کنند و بیش از پیش اطمینان پیدا می‌کنم که در مسیر درستی گام بر می‌داریم.



با من بخوان برای کودکان کار

مریم قربانی؛ معاون آموزشی انجمن حمایت از کودکان کار
فاطمه علیدادی؛ مسئول آموزش مرکز بم انجمن حمایت از کودکان کار

کودک کار، دنیای کودکی خود را به ناچار در چرخه‌ی استثمار از دست می‌دهد. دورانی که فرصت طلایی هر انسان برای آموزش و یادگیری است. اما او و دنیایش بنا به دلایلی مانند فقر اقتصادی، مسایل فرهنگی، اجتماعی، مهاجرت بی‌سواد و ناآگاهی والدین در چرخه‌ی کاری که آسیب زننده به جسم، رشد و روان کودک است، از دست می‌رود.

سالانه تعداد زیادی از کودکان کار به دلیل عدم رعایت حقوق کودک و چالش‌هایی که جامعه برای آن‌ها دارد علاوه بر رنج و خشونت‌هایی که به واسطه‌ی کار متحمل می‌شوند در سن بالاتر از سن مدرسه قرار می‌گیرند و این در صورتی است که توانایی خواندن و نوشتن را کسب نکرده‌اند و ظلمی افزون در مسیر آموزش او اتفاق می‌افتد.

در انجمن از سال ۱۳۸۱ تاکنون برای بیش از ۱۳ هزار کودک کار، کودک آسیب‌دیده و در معرض آسیب شرایط آموزش و حمایت ایجاد شده و تعداد بسیاری از این کودکان توانسته‌اند مسیر زندگی خود را با کسب دانش و مهارت‌های لازم تغییر دهند.

در محور آموزشی انجمن حمایت از کودکان کار همواره تلاش شده است تا آموزش بر پایه‌ی نشاط برای کودکان کار در نظر گرفته شود. از این‌رو انجمن حمایت از کودکان کار با همیاری و نظارت کارشناسان خبره‌ی موسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان از سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰، اجرای پروژه‌ی «با من بخوان» را برای کودکان انجمن آغاز کردند.

«با من بخوان» برنامه‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی برای همه‌ی کودکان به‌ویژه کودکان محروم و در بحران است. این برنامه زیر نظر موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان اجرا می‌شود. این پروژه بر پایه‌ی رساندن کتاب‌های مناسب و باکیفیت به دست همه‌ی کودکان بنا شده است، به‌ویژه کودکانی که در وضعیت معمول زندگی به این‌گونه از کتاب‌ها دسترسی ندارند. «همه‌ی کودکان حق دارند کتاب‌های باکیفیت بخوانند» در سرلوح این برنامه قرار دارد.

«با من بخوان» بر تقویت سواد پایه و سهیم شدن کتاب با کودکان و نوجوانان با روش بلندخوانی، گفت‌وگو و نمایش در پیوند با کتاب تمرکز دارد تا هم‌زمان با ایجاد لذت و شوق خواندن تاثیرگذاری ژرف‌تری بر ذهن و جان کودکان بگذارد. این برنامه براساس این رویکرد، افزون بر گزینش آگاهانه‌ی کتاب‌های مناسب و باکیفیت و رساندن آن به دست کودکان، می‌کوشد با برگزاری کارگاه‌های گوناگون، مربیان و آموزگاران را در زمینه بلندخوانی و فعالیت‌های در پیوند با آن توانمند کند.

در سال‌های گذشته، پیش از اجرای برنامه با من بخوان، آموزش کودکان بازمانده از تحصیلی که در مقطع تحصیلی نهضت سوادآموزی درس می‌خواندند با دشواری‌های زیاد رو به رو بود. با اجرای برنامه با من بخوان، پس از گذشت

در سال‌های گذشته، پیش از اجرای برنامه با من بخوان، آموزش کودکان بازمانده از تحصیلی که در مقطع تحصیلی نهضت سوادآموزی درس می‌خواندند با دشواری‌های زیاد رو به رو بود. با اجرای برنامه با من بخوان، پس از گذشت سه ماه از اجرای برنامه، تحول در رفتار و کیفیت یادگیری کودکان آشکار شد



❖ با کودکان ما

سه ماه از اجرای برنامه، تحول در رفتار و کیفیت یادگیری کودکان آشکار شد. در این طرح ۲۴۸ کودک، دربرگیرنده ۴۶ کودک پیش دبستانی، ۷۹ کودک اول ابتدایی، ۷۸ کودک در پایه‌ی سوادآموزی یک و ۴۵ کودک در پایه‌ی سوادآموزی دو قرار گرفتند.

یکی از نقاط قوت طرح با من بخوان محتوای آموزشی هم‌تراز رغبت کودکان است. کودکان از راه ادبیات، داستان‌هایی با تصویرگری هنرمندانه مهارت سواد را فرا می‌گیرند. محتوای کتاب‌ها با تجربه‌ی زیسته‌ی کودکان در پیوند است و آن‌ها به راحتی با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنند و با ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی آشنا می‌شوند.

بسیاری از کودکان انجمن به واسطه‌ی آسیب‌هایی که در مسیر زندگی خود تجربه کرده‌اند، خجالتی، کم حرف هستند و اعتماد به نفس پایینی دارند. آموزش به شیوه‌ی خلاق از راه ادبیات به همراه نمایش و سایر شیوه‌های خلاقانه در برنامه‌ی با من بخوان سبب شد تا اعتماد به نفس کودکان افزایش یابد به راحتی با دیگران تعامل کنند، در جمع سخن بگویند و دایره‌ی واژگان‌شان رشد یابد. جای بسی خوشوقتی است که پس از اجرای برنامه، کلاس‌ها از کلاس‌های معلم محور به کلاس‌های کودک محور تبدیل شده‌اند. کودکان در روند آموزش مشارکت فعال دارند و آموزگاران نیز با گذراندن دوره‌های آموزشی به اجرای درست این روش یاری می‌رسانند.

۴۳

www.apcl.org.ir
pr@apcl.org.ir

در برنامه‌ی با من بخوان، آموزش فارسی و ریاضی به کمک بسته‌های آموزش خلاق سواد پایه موسسه‌ی ادبیات موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، انجام می‌شود. آموزگاران با کمک این بسته‌ها و گذراندن دوره‌های آموزشی، آموزه‌ها را از راه داستان‌خوانی، داستان‌نویسی، شعرخوانی، نمایش، ساخت کاردستی و بازی به کودکان آموزش می‌دهند. بلندخوانی داستان‌های باکیفیت بخش دیگری از برنامه‌ی آموزشی برنامه‌ی با من بخوان است. کودکان از راه داستان با ارزش‌ها و مهارت‌های زندگی همچون همدلی، همکاری، حفظ محیط‌زیست دوستی، پذیرش تفاوت‌ها و... آشنا می‌شوند. کتابخوانی برای کودکان علاوه بر تقویت دایره‌ی واژگان آن‌ها، فرهنگ کتابخوانی را نیز تقویت کرده و رشد شناختی کودکان را سرعت می‌بخشد. علاوه بر همه‌ی موارد عنوان شده در این کتاب‌ها به کودکان مهارت‌های رفتاری، زندگی اجتماعی و خانوادگی آموزش داده می‌شود تا کودکان بتوانند به گونه‌ای متفاوت زندگی خود را در تمامی ابعاد مدیریت کنند. این مسیر رشد و آموزش بی‌شک جز با حضور و نظارت تخصصی کارشناسان موسسه‌ی پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و پشتیبانی مالی شرکت سازورساز آذرستان اتفاق نمی‌افتاد. ما در کنار هم روزی را امید داریم که هیچ کودک کاری از تحصیل باز نماند.



تجربه‌ی مرکز بزم انجمن حمایت از کودکان کار در طرح با من بخوان

رشد شخصیت و فکری کودکان از سال‌های پیش از دبستان آغاز می‌شود؛ بنابراین نحوه‌ی برخورد و آموزش به کودکان در این سن در آینده و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها تاثیر زیادی دارد و می‌تواند سبب رشد و شکوفایی کودک در زندگی شود. این درحالی است که در مناطق حاشیه‌نشین شهر بزم بعد از زلزله و به دلیل عوامل اجتماعی متاثر از آن سکونت‌گاه‌های غیرمترعارف شکل گرفت و محل اسکان خانواده‌های آسیب‌پذیر شد، کودکان متعددی هستند که به دلیل عدم آموزش و زندگی در خانواده‌های بسیار فقیر فرهنگی و مالی سال‌های قبل از دبستان را یا به عنوان نیروی کار هستند و یا به سرگرمی‌های بی‌هدف در بیغوله‌ها و پاتوق‌های آسیب‌های اجتماعی، گذران می‌کنند و این امر مسبب عدم آمادگی آنان برای ورود به آموزش‌های رسمی و عقب ماندن از آن و حتا متاسفانه هدایت آنان به مراکز کودکان دیرآموز و کم‌توان ذهنی خواهد بود که به دلیل شرایط فرهنگی خانواده‌ها در برچسب زدن به کودک در نهایت به ترک تحصیل کودک منجر می‌شود.

مرکز بزم با راه‌اندازی دوره‌ی پیش‌دبستانی برای این کودکان در سال ۱۳۹۸ و آموزش آن‌ها که این آموزش‌ها به منزله‌ی قرار گرفتن آنان روی پله‌ی اول برای زندگی به سمت موفقیت و عدالت اجتماعی است قدم برداشته، از سال ۱۳۹۹ تاکنون برای پیشبرد اهداف برای کودکان با مجموعه‌ی با من بخوان همراه شدیم از تاثیرات طرح با من بخوان برای کودکان انجمن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تایید بر پایه‌ی ابتدایی کودکان، استعدادیابی و علاقه‌مندی آنان
۲. آشنایی کودکان با مفاهیم ابتدایی و پایه با اصول آموزش خلاق
۳. نهادینه شدن کتاب و کتابخوانی در کودکان
۴. تقویت مهارت‌های شنیداری و گفتاری و رشد زبانی، اجتماعی و عاطفی در سطوح مختلف برای کودکان
۵. ایجاد علاقه و پیوند دوستانه با کتاب
۶. توسعه‌ی کتابخانه‌ی کودک محور
۷. به‌کار بردن روش‌های بلندخوانی و تشویق مثبت کودکان در چهار مهارت خوب گوش کردن، بیان کردن، خواندن به صورت تصویرخوانی، نوشتن
۸. اجرای نمایش در برنامه‌ی با من بخوان و در نظر گرفتن به نیاز توجه کودکان
۹. شناخت و بیان احساسات در موقعیت‌های مختلف و آموزش توانایی مدیریت احساسات
۱۰. توجه به ریتم و موسیقی آواها برای جذب بهتر کودکان، افزایش حافظه و تقویت مهارت گفتاری، شنیداری کودکان

۱۱. استفاده از بسته‌های آوا و ورزشی و الفباورزی مخصوص به کودکان

۱۲. پرورش استعداد، توانایی ذهنی کودکان با خواندن کتاب‌های با کیفیت برای کودکان

۱۳. ارتقای سازگاری کودکان و انعطاف‌پذیری آنها

۱۴. پرورش ارزش‌های انسانی در کودکان مانند مهربانی، گذشت، شاد زیستن...

۱۵. پرورش هوش فضایی کودکان با ایجاد فضای تخیلی

۱۶. توسعه‌ی مشارکت کودکان و اشتیاق به کار گروهی

۱۷. آموزش خلاقان همراه با شادی

۱۸. افزایش ارتقای اعتماد به نفس و عزت نفس کودکان

۱۹. آموزش با زبان تصویر برای کودکان به صورت گویا، ساده و قابل فهم

۲۰. نقش‌پذیری کودکان در نقش آموزگار و کاهش ترس، اضطراب

۲۱. تلفیق درس ریاضی با داستان‌های ادبی، دست‌ورزی، بازی، نرمش، تصویر و کنش‌ورزی



همگام با جنبش جهانی لغو کار کودک

قاسم حسنی

در روزهای ۱۵ تا ۲۰ ماه می سال ۲۰۲۲ برابر با ۲۵ تا ۳۰ اردیبهشت ماه سال جاری و در آستانه‌ی فرارسیدن دوازدهم ژوئن روز جهانی مقابله با کار کودک، شهر «دوربان» آفریقای جنوبی میزبان برگزاری پنجمین کنفرانس جهانی حذف کار کودک بود. این نشست که با مشارکت آنلاین بیش از ۷۰۰۰ نفر از فعالان حوزه‌ی حقوق کودک از کشورهای مختلف و نیز با حضور ۱۰۰۰ نفر از کنشگران اجتماعی و فعالان عرصه‌ی مبارزه با کار کودک از سراسر جهان که آقای «کایلاش ساتیاراتی» رهبر جنبش جهانی گلوبال مارش یکی از آنان بود و همچنین با حضور نمایندگان دولت‌ها، نمایندگان آژانس‌های سازمان ملل متحد سازمان‌های منطقه‌ای و نیز با حضور نمایندگانی از تشکل‌های کارگری و صنفی کشورهای مختلف جهان برگزار شد، مسایل و دشواری‌های حاکم بر زندگی کودکان کار در سراسر جهان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در این نشست که علاوه بر گروه‌های اشاره شده، گروه‌هایی از کودکان کار کشورهای مختلف هم حضور داشتند، هر یک از شرکت‌کنندگان، ضمن بیان دشواری‌هایی که با آن مواجه‌اند تلاش کردند به سهم خود تصویری از شرایط کودکان و ریشه‌های مشکلات آنان در محدوده‌ی جغرافیایی خود و در گستره‌ی جهان امروز را، که متأسفانه در سال‌های اخیر روند رو به کاهش آن تغییر جهت داده و مجدد، سیری افزایشی یافته است را، ترسیم کنند. این نشست ۶ روزه، در روز پایانی خود منتهی به انتشار سندی شد که به نظر می‌رسد آگاهی از آن برای تمامی کوشندگان جنبش لغو کار کودک در ایران و سراسر جهان ضروری است. چرا که موارد تاکید شده در این سند به‌خوبی نشان می‌دهد که با وجود تمام تفاوت‌های شکلی موجود میان کشورهای درگیر در کار کودکان، آن‌جا که صحبت از کار کودک می‌شود، گویی تمامی این کودکان از دردی مشترک رنج می‌برند و گویی درمان این درد نیز راه حلی مشترک دارد. نگاهی به مضمون و فزاینده‌ی بیانیه‌ی پایانی کنفرانس یاد شده که در ادامه به آن اشاره می‌شود، مخاطبان را به خوبی متوجه‌ی این شباهت‌ها می‌سازد.

مهمترین محورهای تاکید شده در این بیانیه عبارتند از:

۱. تاکید بر ضرورت سرعت بخشیدن به تلاش‌های چندجانبه برای حذف کار کودکان در سراسر جهان
۲. تاکید بر ضرورت سرمایه‌گذاری و همکاری‌های جهانی برای محو کار کودکان با اولویت بخشیدن به حذف بدترین اشکال کار کودک
۳. تلاش برای ایجاد فرصت‌های کار شایسته برای بزرگسالان به عنوان راه حلی نتیجه‌بخش و کارآمد برای خارج کردن کودکان از چرخه‌ی کار
۴. جدیت برای لغو انواع کار اجباری، برده‌داری مدرن و قاچاق انسان، به ویژه در مورد کودکان، در سراسر جهان



۵. تلاش برای استقرار روش‌های مدیریتی عدالت محور در جوامع و اعمال حمایت‌های اجتماعی فراگیر برای همگان و نیز تعیین مستمری کارآمد برای بازماندگان از سوانح فوتی نیروی کار

۶. تضمین حق برخورداری از آموزش اجباری، عادلانه، رایگان و باکیفیت برای همه‌ی کودکان در سراسر جهان

۷. تلاش برای پایان بخشیدن به کار کودکان در بخش کشاورزی

همان‌طور که می‌بینیم به جز تفاوت‌هایی که میان کار کودکان بخش کشاورزی در ایران و آن‌چه که به عنوان کار کودکان در بخش کشاورزی در برخی از کشورهای جهان وجود دارد دیگر موارد تاکید شده در سند مورد نظر، با وجود آن‌که برآیند خواست فعالان جنبش جهانی لغو کار کودک در دیگر کشورهای جهان است، به‌طور عمیق با آن‌چه که همواره مورد مطالبه و تاکید کنشگران جنبش اجتماعی لغو کار کودک در ایران بوده است، شباهت فراوان دارد. به‌طور مثال آن‌جا که صحبت از ضرورت کار شایسته برای بزرگسالان به عنوان ابزاری کارآمد برای خروج کودکان از چرخه‌ی کار می‌کند، گویی ریشه درخواست و مطالبه‌ی همیشگی ما مبنی بر ضرورت احترام به خواست و مطالبات صنفی کارگران و دیگر فعالان عرصه‌ی کار و تلاش و پایبندی به حقوق اساسی در نظر گرفته شده برای آنان در قانون اساسی کشورمان دارد و آن‌جا که بر ضرورت حق برخورداری از آموزش اجباری عادلانه، رایگان و باکیفیت برای همه‌ی کودکان تاکید می‌ورزد، گویی فریادی است هم‌صدا با تاکیدی که ما همواره بر ضرورت برخورداری از فرصت‌های آموزشی برابر و باکیفیت برای همه‌ی کودکان به عنوان ابزاری، رهایی‌بخش برای خارج کردن آنان، از چرخه‌ی کار داشته‌ایم.

یا آن‌جا که صحبت از ضرورت استقرار ساز و کارهای مدیریتی عدالت محور در جامعه و نیز پیش‌بینی چتر حمایت‌های اجتماعی فراگیر برای همگان می‌کند، ما را به یاد تاکید همواره‌ی مان مبنی بر این‌که کودکان با ارزش‌ترین داشته‌های امروز و فردای بشریت هستند و باید درون ساختار خانواده مورد توجه و حمایت‌های اجتماعی قرار گیرند و هرگاه خانواده‌ای به هر دلیل قادر به تامین منافع عالی‌ی کودکان خود نباشد، این وظیفه‌ی مسلم بر عهده‌ی جامعه است که با گسترده‌تر کردن چتر حمایت‌های اجتماعی، حقوق کودکان را در اولویت همه‌ی برنامه‌ریزی‌های خود قرار داده و به نحو مقتضی، از فراهم بودن پیش‌نیازهای عادلانه و اطمینان‌بخش برای برخورداری آنان از امنیت، سلامت، آموزش نشاط و بالندگی اطمینان خاطر حاصل کند.

همچنین آن‌جا که بر ضرورت سرعت بخشیدن بر تلاش‌های چند جانبه برای حذف کار کودکان تاکید می‌ورزد نیز گویی سخن از همان تاکید همیشگی کنشگران اجتماعی جنبش لغو کار کودک در کشورمان می‌گوید، که کار کودک را پدیده‌ی چند سببی تلقی کرده و نجات کودکان از چرخه‌ی کار را نیز مستلزم اقدامی همه جانبه، سریع و بدون تعلل می‌داند. و دیگر اینکه برخی از عبارات به کار برده شده در سند پایانی این نشست مانند «ضرورت لغو برده‌داری مدرن»، «تاکید بر اولویت حذف بدترین اشکال کار کودک» و امثال آن، همه و همه از این مهم حکایت دارند که کودکان در سراسر جهان گرفتار هزار توی درد مشترک جنگ، فقر و نابرابری‌اند و رهایی آنان از چنگال این دیو نیز در گرو تلاش جهانی برای استقرار صلح پایدار، عادلانه‌سازی اقتصاد و استفاده از ساز و کارهای عدالت محور در تقسیم ثروت، تقویت بنیان‌های مفاهمی جمعی و نیز تلاش برای دستیابی به درک متقابل میان همه‌ی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با حقوق کودکان و در نهایت حرکت به سمت شکل‌دهی اراده‌ی ملی-جهانی برای نجات کودکان از این چرخه‌ی ویران‌گر است. این همگونی تجربی میان مدافعان حقوق کودکان در ایران با کنشگران جهانی و شباهت‌های موجود میان ادبیات بومی ما در مواجهه با کار کودکان و ادبیات موجود جهانی بیش از هر چیز بیان‌گر آن است که سال‌ها حضور خستگی‌ناپذیر فعالان تشکل‌های مردمی بیشماری مانند انجمن حمایت از کودکان کار در این عرصه سبب انباشت تجربه‌ای عملی و واقع‌بینانه در مسیر نجات کودکان از چرخه‌ی کار شده است و علاوه بر آن سبب اثرگذاری شگرفی بر توانایی‌ها، خودباوری و عزت نفس قریب یکصد هزار نفر از کودکانی شده، که طی این سال‌ها از خدمات مراکز آموزشی و حمایتی غیردولتی به وجود آمده توسط تشکل‌ها و مراکزی که در قالب همکاری‌های مشترک میان تشکل‌ها و دستگاه‌های دولتی-عمومی

کودکان با ارزش‌ترین داشته‌های امروز و فردای بشریت هستند و باید درون ساختار خانواده مورد توجه و حمایت‌های اجتماعی قرار گیرند و هرگاه خانواده‌ای به هر دلیل قادر به تامین منافع عالی‌ی کودکان خود نباشد، این وظیفه‌ی مسلم بر عهده‌ی جامعه است



مانند شهرداری‌ها در قالب طرح پرتو رخ داده است. و نکته‌ی نهفته در فہوای این عمل‌گرایی و انباشت تجربه آن است که به اشتراک‌گذاردان این تجارب با پژوهشگران دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک و نیز آن دسته از مسئولانی که به راستی و از کنه وجود دغدغہ‌ی کودکان را دارند، می‌تواند در گسترہ‌ی ملی، در تعریف نقشه‌راہی واقع‌بینانه برای نجات کودکان، منشا تأثیری بزرگ باشد. آن‌چہ کہ مسلم است تسری دادن این تجارب میدانی به دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی و در نہایت تبدیل آن به نقشه‌راہی کارآمد، پیش و بیش از ہر چیز دیگری نیازمند حفظ و پردازش است و بہترین روش برای این اقدام توجہ بیشتر بہ سرمایہ‌های اجتماعی شکل گرفته در بطن تشکل‌های غیردولتی و بسترسازی برای ہرچہ عمیق‌تر کردن رابطہ‌ی میان این تشکل‌ها با مراکز دانشگاهی و آکادمیک است.

نکتہ‌ی پایانی این کہ استمرار فعالیت تشکل‌های غیردولتی موجود، مانند انجمن حمایت از کودکان کار کہ یک سوی باہمیت برنامه‌های آنان اقدام عملی برای حمایت از کودکان و نجات آنان از چرخہ‌ی کار است، نیازمند تامین مالی پایدار و قابل اتکاست، چرا کہ رخدادهایی نظیر شیوع کرونا و رکودهای اقتصادی ناشی از آن در کنار بحران‌های اقتصادی کہ سبب افزایش لجام گسیختہ‌ی قیمت‌ها شدہ است، در عمل توان استقامت و ادامہ‌ی مسیر را از این تشکل‌ها باز ستانده و لازم است ہمہ‌ی کسانی کہ دغدغہ‌ی ساختن فردایی بہتر برای ہمہ‌ی کودکان و بہ بار نشستن تلاش‌های داوطلبانہ‌ای کہ در سپہر کنش‌های اجتماعی این سرزمین در حال شکل‌گیری است را دارند، بہ سهم خود، بکوشند کہ ہر یک سفیری باشند برای معرفی این انجمن‌ها و فعالیت‌های انسان‌دوستانہ‌ای کہ توسط آنها شکل می‌گیرد و کمک کنند کہ این چراغ را روشن نگہ داشته و این رود روشنی‌بخش بتواند ادامہ‌ی مسیر دہد، بہ امید آن کہ در آن سوی عبور از مشکلات شاهد فردایی روشن باشیم برای این سرزمین و کودکانش ...



هیچ وقت دیر نیست، فقط شروع کن

گفت‌وگو: فرشته فرمند حبیبی



او کودک کار دیروز است. حالا ۲۳ سال دارد. می‌خواهد کار آفرین شود و دخترانی که در شرایط سخت با مشکلات بسیار در خانواده زندگی می‌کنند را توانمند کند. وقتی ۹ سال داشت وارد انجمن شده بود و سه سال بعد انجمن را ترک کرد و وقتی ۱۷ سالش شد دوباره به انجمن برگشت. به قول او: «انجمن به من فهموند که من می‌تونم آدم با ارزشی باشم و رشد کنم». زندگی سیما هم مانند خیلی دیگر از کودکان کار دستخوش ناملایماتی بود. او در برابر تمامی ناملایمات ایستاد و از یک جایی در زندگی خواست شرایط را تغییر دهد. سراسر زمان گفت‌وگوی ما بغض ۲۳ ساله‌ی سیما باز شده بود. در بخش‌هایی اشک امانش رامی‌برید و او پس از لحظاتی، خودش را آماده‌ی گفت‌وگو می‌کرد. با هم در یکی از روزهای خرداد ۱۴۰۱ در مرکز بازار انجمن از گذشته، حال و آینده صحبت کردیم.

سیما شما ۹ سال داشتی که انجمن رو پیدا کردی و سه سال بعدش رفتی از انجمن و دوباره برگشتی، چی شد که رفتی و برگشتی؟

خانواده‌ی من با تحصیل کردن من مشکل دارند. موقعی که ترک تحصیل کردم پدرم نداشت درس بخونم. شرایط جوری بود که من به هیچ‌وجه اجازه نداشتیم درس بخونم. خانواده‌ی ما درس خوندن رو برای دختر بد میدونن. میگن دختر نباید درس بخونه. اون سه سال رو با حمایت مادرم بود که تونستم، انجمن باشم و درس بخونم. بعد از اون سه سال که کلاس سوم رو تموم کردم؛ دیگه بابام قدغن کرد که حتا من بیرون از خونه هم نرم چه برسه که درس بخونم.

بعد از این ماجرا من یه مدت سرکار می‌رفتم. حین سرکار من همیشه حسرت این رو داشتم که برم درس بخونم. به این موضوع همیشه فکر می‌کردم حالا کجا برم؟

هفته سالم که شد دوباره مدرسه‌های دور و بر خودمون رفتیم، همه جا رفتیم. ولی سنم دیگه گذشته بود. وقتی من می‌رفتم می‌گفتم می‌خوام برم کلاس چهارم یا سوم رو بخونم چشماشون گرد می‌شد. میگفتن تو این سن می‌خواهی بری کلاس اول دوم دوباره بشینی از اول بخونی. چون مشکل اقامت هم داشتیم، دیگه تنها امیدم انجمن بود، اومدم انجمن گفتم من شاگرد انجمن بودم الان دوباره برگشتم درس بخونم یه خانمی بود به اسم خانم خدیاری، من رو یک سال عقب انداخت، بعد خانم قربانی من رو که دیدن یادشون اومد که من کی بودم. پرونده‌ام رو دوباره رو آورد و دوباره شروع کردم.

خیلی پرفشار و جهشی هم درس خوندی، برامون میگی چطوری در عرض ۶ سال، الان داری برای کنکور می‌خونی؟

تا کلاس ششم رو تو انجمن خوندم. خانم قربانی خیلی زحمت کشیدن، من رو فرستادن اداره‌ی آموزش و پرورش. اون‌جا دوباره ششم رو امتحان دادم و مدرک پایه‌ی ششم رو گرفتم. دیگه رفتم دنبال این‌که برم مدرسه‌ی شبانه درس بخونم. خیلی گشتم. هر جا می‌رفتم شبانه نمی‌گرفتن. یه سری جاها بود قبول می‌کردن ولی چون شرایط من جوری نبود که بتونم برم، جوری که ساعت هشت شب کلاس‌ها شروع می‌شد و هم‌کلاسی‌ها هم که بزرگ‌سالایی بودن که سن‌شون خیلی بالا بود. دوباره من چشم امیدم به انجمن بود که یه مسیری دوباره برای من باز بشه. خانم قربانی منو مرکز خاوران انجمن فرستاد. من فقط پایه‌ی ششم رو داشتم. مرکز خاوران گفت که از هفتم به بعد رو بخوای بخونی هر کدوم یک‌سال زمان می‌بره. من هم خیلی سن‌ام بالا می‌رفت. توی یک‌سال من هفتم، هشتم و نهم رو با هم خوندم. بعد از اینکه قبول شدم رفتم مدرسه‌ی شبانه و تو منطقه‌ی پونزده درس خوندم.

امتحانات رو آموزش پرورش می‌دادی؟

بله. خیلی سخت بود. طوری که سر امتحان سه تا برگه‌ی مختلف داشتیم و التماس معلم‌های مختلف می‌کردم به من وقت اضافه بدن که اونا رو حل کنم.



سه سال پایه‌ی تحصیلی رو در یک سال خوندی. سال دهم، یازدهم و دوازدهم رو چطوری خوندی؟

همون طور که گفتم از نهم به بعد رفتم مدرسه‌ی شبانه که به صورت واحدی گذروندم و به همین صورت سال دهم و یازدهم رو پاس کردم و الان هم دارم هم دوازدهم و هم برای کنکور می‌خونم.

چه رشته‌ای می‌خوای تو دانشگاه بخونی؟ مدیریت بازرگانی

انگیزه‌ات از انتخاب این رشته چیه؟ کارآفرینی

چرا می‌خوای وارد کارآفرینی بشی؟
چون وقتی بچه بودم کار می‌کردم. برای همین دوست دارم، بچه‌هایی که الان هم سن و سال من هستن و بیکارن رو بگیرم.

یعنی دوست داری بچه‌ها دوباره کار کنن؟
کار کردن نه! می‌خوام هنر، مهارت یا حرفه‌ای یاد بگیرن در واقع می‌خوام بهشون آموزش بدم. دوست دارم بهشون کمک کنم تا به رویاهاشون برسن.

چی شد بابات راضی شد درس بخونی؟
بابام هنوز هم راضی نیست. در کل با پدرم ارتباط نمی‌گیرم و ارتباطم رو با پدرم قطع کردم.

شغل پدرت چیه؟
پدرم کار آزاد داره. هم مدتی در کار چرخ‌کشی بود و بعد که مشکل کمر پیدا کرد رفت دنبال چایی فروشی. آدمی نبود که دنبال یادگیری کاری بره. دوست داشت همیشه کارگر دیگران باشه.

چند تا بچه هستین؟
چهار نفریم و من بزرگترین فرزندم. در واقع سه خواهر و یک برادر هستیم.

ارتباطت با خواهرها و برادر چطوره؟
به نسبت پدر مادرم با هم ارتباط خوبی داریم. من هم ارتباطم با پدرم خوب نیست هم مادرم و در واقع تنهام.

چه سالی ایران اومیدی؟ خودت کجا دنیا اومدی؟
من یک ساله بودم که به ایران اومدیم. من در افغانستان دنیا اومدم. پدر و مادرم اهل دهاتی در افغانستان هستن که کاپیسا نام داره. بعد از ازدواج به کابل اومدن و مادرم موقع بارداری من، به سمت ایران میاد که در مرز من دنیا اومدم که باعث شد پدر و مادرم در مرز بمونن تا هفت هشت ماهگی من. در واقع یک سالگی من در کرج سپری شد که مادرم من رو برای تزریق واکسن برد. برام هم کارت واکسن صادر نشد، چون هیچ شناسنامه‌ای نداشتم و در واقع واکسن یک‌سالگی رو دو بار به من زدند. خانواده‌م در کرج سرایدار بودن و در سه سالگی به تهران منطقه‌ی شوش اومدیم. و الان بیست و دو ساله که در ایرانیم.

از کودکی‌ات برامون بگو.
من حدود چهار، پنج سال پیش از ساختمان افتادم و بخشی از گذشته‌ام یادم نمیاد. خاطرات گذشته مقطعی توی هنم هست. بخشی از حافظه‌ام رو از دست دادم.

یادت میاد از چند سالگی کار کردن رو شروع کردی؟

من از سن هفت سالگی، توی خیابون شریعتی، نزدیک پارک کورش، جلوی پمپ بنزین کار کردم. اوایل چسب زخم می‌فروختم بعد دستمال می‌فروختم. تا سن چهارده سالگی، توی خیابون دستفروش بودم. همون موقع‌ها بود که داداشتم رفت کلاس اول و من دیگه تنها برای دستفروشی می‌رفتم. اون قدر بزرگ شده بودم که دیگه ازم خرید نمی‌کردن.

پدرت جلوی درس خوندنات تو سن ۱۱ سالگی گرفته بود، اون موقع نمی‌گفت کار کردن برای دختر بچه بده؟

بله کار رو بد نمی‌دونست ولی درس خوندن رو چرا.

از چه ساعتی تا چه ساعتی کار می‌کردی تو خیابون؟

از ساعت ده صبح می‌رفتیم تا ساعت هفت و هشت شب.

مردم و کسبه‌ای که تو رو می‌شناختن کمکت می‌کردن؟ هواتونو داشتن؟

کار خاصی باهام نداشتن فقط مسئول پمپ بنزین بهمون می‌گفت داخل پمپ بنزین نیاید. یه جورایی انگار مراقب بودن.

توی کار دستفروشی کدوم فصل برای کار کردن خوب بود؟

دم عید اون موقعی که همه در حال خرید و مسافرت و سیزده بدر بودن خیلی شلوغ می‌شد و درآمد خوب بود. عوضش تابستون و تعطیلات خوب نبود چون هیچ‌کس نبود.

دستفروشی و کار در خیابان چه آسیب‌هایی داره برای بچه‌ای که توی خیابون کار می‌کنه؟ خودت چه آسیب‌هایی دیدی؟

همه طور آسیبی هست ولی بیشتر آسیب روحی داره. توهین‌هایی که میشه به آدم و حرف‌هایی که می‌شنوه سخته. یک روز دستمال دستم بود و آقای با ماشینش همیشه میومد رد می‌شد و به بچه‌ش همیشه می‌گفت به من نگاه نکنه. یادمه وقتی رفتم سمتش از ماشین پیاده شد و یه چک خیلی محکم به من زد فقط بخاطر اینکه من به بچه‌ش سلام دادم. من بچه‌شو خیلی دوست داشتم چون همسن و سال خودم بود. من فقط می‌خواستم دستمال بفروشم. بعد که با من این کار رو کرد، گفت دیگه هیچ‌وقت سمت بچه‌ی من نیا. من الان بیست و سه سال سن دارم ولی هیچ‌وقت اون رفتار از یادم نمی‌ره. یادم نمی‌ره با چه نگاهی و چطوری روی من دست بلند کرد. بعد از اون اتفاق رفتم یه جایی و تا می‌تونستم گریه کردم. اون موقع دیگه اواخر کار کردنم بود و رفتار اون آقا در واقع باعث شد که می‌خواستم از دستفروشی بیام بیرون و می‌خواستم برم دیگه تولیدی کارکنم. از اون موقع هر وقت بچه‌ای رو در حال دستفروشی می‌بینم می‌گم نکنه، چنین اتفاقی براش افتاده باشه. این اتفاق در واقع تلخ‌ترین اتفاقی بود تو زمان دستفروشی برای من افتاد. خیلی از آدم‌ها شرایط رو درک می‌کردن و یا رفتار بدی نداشتن. ولی رفتاری که اون آقا با من داشت خیلی بد بود و بار اولشم نبود. هر بار بچه‌ش رو از مدرسه بر می‌داشت و میومد بنزین بزنه شیشه‌های ماشین رو بالا می‌داد.

چهارده ساله می‌شی و بعد از این اتفاق تصمیم می‌گیری بری کارگاه کار کنی. توی خونه چطوری این موضوع رو مطرح کردی که نمی‌خوای دیگه تو خیابون کار کنی؟ واکنش شون چی بود؟

من به هیچ‌وجه با خانواده مطرح نکردم که چه اتفاقی برام افتاده.

بعد از ۱۴ سالگی چه کار کردی؟

یه روز اتفاقی دوست مامانم به مامانم گفت جایی هست که به دخترا خیاطی یاد میده و جای امنیه. اون موقع تازه «آوای ماندگار» باز شده بود و اولین جایی که من رفتم خیاطی یاد بگیرم اون‌جا بود و زندگی من در واقع جرقه‌اش از ماندگار شروع می‌شه. کارم رو با دستیاری شروع کردم. اون موقع من کوچیک بودم؛ سیزده چهارده ساله بودم و روزی که رفتم اونجا خانم «پوینده» گفت: این بچه نمی‌تونه قیچی دستش بگیره چه برسه به

یادمه وقتی رفتم سمتش از ماشین پیاده شد و یه چک خیلی محکم به من زد فقط بخاطر اینکه من به بچه‌ش سلام دادم. من بچه‌شو خیلی دوست داشتم چون همسن و سال خودم بود. من فقط می‌خواستم دستمال بفروشم. بعد که با من این کار رو کرد، گفت دیگه هیچ‌وقت سمت بچه‌ی من نیا



❖ با کودکان کار دیروز

خیاطی. ببردش چند وقت دیگه بیارین. پرسید درس نمی‌خونی؟ گفتم نه. گفت ما اینجا یک سری کلاس داریم که تقویتیه می‌تونه بیاد اینجا. معلمی اونجا زبان یاد می‌داد که الان اسمش خاطر نیست می‌رفتم پیشش زبان یاد می‌گرفتم تا مدتی بعد که خانم پوینده گفت حالا می‌تونم بیای اینجا وردست من کار کنی. یک سالی من پیش خانم پوینده طبقه‌ی پایین بودم. پارچه پهن می‌کردیم و جمع می‌کردیم. بعد از مدتی یه چرخ می‌گیرن برای پایین که ملافها دوخته بشه به صورت کیسه‌های نون. بعد به من گفت بشین پشت چرخ که یاد بگیری. من می‌نشستم ولی پام نمی‌رسید به پدال چرخ؛ برای همین یه صندلی کوچک برای من گرفتم که پام به چرخ برسه ولی حالا به خاطر قد صندلی، من دستم به سوزن بالای چرخ نمی‌رسید. مجبور می‌شدم روی میز بشینم برای این کار. خود خانم پوینده نمی‌تونست قیچی دست بگیره به من می‌گفت قیچی رو بگیر من بهت می‌گم چکار کنی تو فقط بئر.

اینطوری با هم همکاری می‌کردیم. ایشون پارچه‌ها رو روی هم می‌داشتن و من می‌بریدم که می‌شد دستگیره برای آشپزخونه‌ی بالا. من ابرهارو می‌بریدم و می‌بردم بالا. دیگه سنم طوری شد که رفتم طبقه‌ی بالا و همسن‌های من هم می‌اومدن اون جا برای کار. بچه‌های بالا خیلی حسودی می‌کردن و به من اجازه نمی‌دادن پشت چرخ بشینم و می‌گفتن برو آشپزخونه ظرف بشور. خانم پوینده که این چیزارو می‌دید اعصابش خرد می‌شد. این شد برگشتم پایین به‌عنوان چرخکار. خود خانم پوینده نمی‌تونست بدوزه به من می‌گفت تو فقط بدوز ایرادی نداره اگر خرابش کنی و من این کار رو کردم تا یاد بگیرم. برای بالا مسئولی گرفتن که کلا با ما افغانستانی‌ها مشکل داشت از این که اینجاییم برای همین خانم پوینده با ایشون دچار مشکل شد اما نمی‌تونست بهش بگه که نیا.

از جایی که احساس امنیت داشتی برامون بگو، در حالی که چهارده سال تو خانواده‌ی خودت احساس امنیت نمی‌کردی یا محیط کارت که توی خیابون بود؟

هم تو خیابون و هم توی خونه احساس آرامش نداشتم. به‌حدی در محیط خونه تنش داشتیم که دوست داشتیم همه‌ش برم بیرون. خونه‌ی امن من اون جا بود. ساعت ۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر دنیای خودم رو داشتیم.

چند وقت پیش خانم پوینده موندی؟

چهار سال یا بیشتر. هجده ساله بودم. روزی که خانم پوینده مریض شدن رفتن بیمارستان اون موقع همه چیزه من رفت. تنها آدم زندگیم بودن.

جای خالی خانم پوینده هنوز تو زندگی سیما هست؟

جای خالیشون هست و هیچی جای اون دوران برای من نیست. خانم پوینده هیچ‌وقت من رو تنها نداشتن فقط وقتی جایگاه امن من با رفتن خانم پوینده از بین رفت من ترسیدم. بعد از رفتن خانم پوینده من دو بار خودکشی کردم.

تنها امید سیما روی زمین میره بیمارستان، بعد چی میشه؟

بعد از رفتن خانم پوینده، مدیریت بعدی گفت من دیگه نیام. منم رفتم برا خودم توی یه تولیدی دیگه کار پیدا کنم.

برش کاری و چرخ‌کاری رو یاد گرفته بودم. رفتم یه جای دیگه کار کردم اون جا هم شرایط بد خودش رو داشت. احساس امنیت جای قبلی رو نداشتم. تبعیض قایل می‌شدن. حقوق‌هارو کم می‌کردن با این که حتا پنج‌شنبه‌ها صبح تا شب هم سرکار بودم، ماهی ۲۰۰ هزار تومن می‌گرفتم.

یازده ساعت کار با حقوق ۲۰۰ هزار تومن؟

بله فقط ۲۰۰ تومن بود و در کارگاه هم خانم و هم آقا کار می‌کردن. خانم‌ها بعضیاشون بهبود یافته بودن. اذیت و آزار داشتن و حس خوبی نبود.

بیا به مقدار در مورد آرزوهای سیما صحبت کنیم. ده سال دیگه سیما رو کجا می بینی؟

اگر بتونم دانشگاه قبول بشم. نمی دونم ولی ممکنه رویاهایی که دارم خراب بشن. من فکر می کردم اگر کار کنم می تونم درآمد داشته باشم و می تونم کارآفرینی کنم. الان من نه کاری دارم نه درآمدی. من برای اینکه به رویام برسیم بابام هزار تومن دستم نمیده که تا سر کوچه بخوام برم چیزی بخرم. البته امید من همیشه انجمن بوده ولی می ترسم به خودم میگم شاید نشه.

اگر انجمن و خانم پوینده نباشه خود سیما چی؟

تنها امید من درسمه. یه زمانی تنها رویای من این بود که کار کنم و درآمد داشته باشم ولی الان وقتی به بچه هایی نگاه می کنم که شرایطی مثل شرایط گذشته ی من داشتن فقط به این فکر می کنم که بتونم محیط امنی رو برایشون فراهم کنم. یکی از چیزایی که آرزومه همین اشتغال زاییه اونم برای دخترا. با پسرها کاری ندارم چون اونا می تونن به جوری از پس خودشون بر بیان ولی دختری که همسن و سال منن و بعضیاشون مجبورن سر کار برن نمی خوام این بلا سرشون بیاد. می خوام یه جایی برن کار کنن که حداقل امنه. من همیشه توهین دیدم. توهین ها همیشه روحی بودن. به خاطر همون توهین ها و بدرفتاری هاست که می خوام دخترا آزار روانی نبینن.

نظرت درباره ی کار کردن بچه ها چیه؟

بد هست؛ چون فکر می کنم رویاهاشونو از دست می دن. انگار تو همون بچگی بزرگ می شن. من به شخصه یکی از آرزوهایم این بود که با لباس مدرسه، برم مدرسه ولی هیچ وقت به آرزوم نرسیدم. شاید خیلیا دوست نداشته باشن لباسای هم شکل و یا حتا بدرنگ مدرسه رو. ولی چون من هیچ وقت تجربه اش نکردم همیشه دوست داشتم اون لباس رو می پوشیدم ولی هیچ وقت این اتفاق نیوفتاد. همون موقع که کار می کردم می رفتم جلوی در مدرسه... اگر به من بگن یکی از خاطرات بچگی ات رو بگو من هیچی برای گفتن ندارم. الان مدرسه ی شبانه که میرم تمام همکلاسی هام از من بزرگترن و من کوچکترین شاگرد کلاس می بینم با هم در مورد خاطرات بچگی شون صحبت می کنن و وقتی از شون می پرسن دوران مدرسه چطوری بود و چیا خوندین و... من هیچی ندارم بگم چون برای من مدرسه ای نبوده بجز انجمن که اینجا درس خوندم ولی اونا خیلی چیزا برای تعریف کردن دارن.

اون موقع که بچه بودی و کار می کردی دوست داشتی چه تفریحاتی داشته باشی؟

من مسافرت خیلی دوست داشتم. هنوزم دوست دارم.

کجاها رفتی تا الان؟

جز تهران و پارک شهر هیچ جا.

دوست داری بچه ی خودت سر کار بره؟

به هیچ عنوان.

حاضری چی کار کنی اگر تو شرایطی گیر کنی که بچه ات لازم باشه بره سرکار؟

حاضر ۲۴ ساعت روز رو خودم کار کنم ولی نذارم بچه ام بره سرکار.

چه آرزویی داری؟ و اینکه چه کارایی برای رسیدن بهش کردی؟

یکی از آرزوهایم درس خوندن بود و یکی از رویاهای خیلی خیلی بزرگم دانشگاه بود که همه ش تو خواب می دیدم.

دوم این که پولدار بشم و نذارم دخترا برن سرکار. یه جایی رو برایشون مهیا کنم که نرن مثل من مدرسه های دیگه بهشون بگن نه! تو سنت زیاده و نمی تونی درس بخونی. بهشون نگن باید بری مدرسه شبانه و با آقای پنجاه و شصت ساله درس بخونی. اینکه بدونن هیچ وقت

الان وقتی به بچه هایی نگاه می کنم که شرایطی مثل شرایط گذشته ی من داشتن فقط به این فکر می کنم که بتونم محیط امنی رو برایشون فراهم کنم

خانم پوینده جای امن زندگی من رو ساخت ولی انجمن به من فهموند که من می تونم آدم با ارزشی باشم و رشد کنم. انجمن من رو رشد داد. خانم پوینده به من جرعه زد و انجمن اون رو تحقق بخشید. انجمن باعث شد من به رویای درس خوندم رسیدم و همین طور می تونم به بقیه ی آرزوهایم که به دانشگاه رفته برم



دیر نیست و فقط شروع کنن.

وقتی به انجمن فکر می کنی چه حسی داری؟
با کودکان کار دنیا رویاهام تازه می شن. جون می گیرن.

انجمن بهت چی یاد داده؟

خانم پوینده جای امن زندگی من رو ساخت ولی انجمن به من فهموند که من می تونم آدم با ارزشی باشم و رشد کنم. انجمن من رو رشد داد. خانم پوینده به من جرقه زد و انجمن اون رو تحقق بخشید. انجمن باعث شد من به رویای درس خوندنم رسیدم و همین طور می تونم به بقیه ی آرزوهام که به دانشگاه رفته برسم.

انجمن به من فهموند
که من می تونم آدم با ارزشی
باشم و رشد کنم.
انجمن من رو رشد داد.

بیانیه‌ی کودکان انجمن حمایت از کودکان کار به مناسبت روز جهانی مبارزه علیه کار کودک - ۱۲ ژوئن ۲۰۲۲

کودکان کار انجمن حمایت از کودکان کار

- ما کودکان کار هم می‌خواهیم در کنار خانواده خوشحال زندگی کنیم.
- ما کودکان کار، دوست نداریم، کار کنیم و مجبور به کار کردن هستیم ما از کار کردن بدمان می‌آید.
- چرا شهرداری ما کودکان کار را اذیت می‌کند؟ گونی‌های ما را می‌گیرد؟
- ما کودکان کار، کار کردن در چهارراه‌ها را دوست نداریم. در چهارراه‌ها اتفاقات بدی برای ما می‌افتد. به ما فیلم‌های زشت نشان می‌دهند. کار کردن در خیابان خیلی سخت و ترسناک است.
- صاحب کارهای کودکان کار، فحش می‌دهند، بر سر کودکان کار داد می‌زنند و ما را می‌زنند.
- کار کردن، دست‌های ما را پوست، پوست می‌کند.
- ما دوست نداریم سر کار برویم، چون مردم ما را بد نگاه می‌کنند.
- ما دوست نداریم دستان‌مان سوراخ، سوراخ شود.
- ما کودکان کار هم دوست داریم درس بخوانیم ولی بعضی از صاحب کارها نمی‌گذارند ما درس بخوانیم. حتا نمی‌گذارند در جشن‌های انجمن شرکت کنیم.
- چرا بعضی از صاحب کارها پول کار کردن ما را نمی‌دهند؟ ما به پول کار کردن‌مان احتیاج داریم.
- ما کودکان کار، کار کردن را دوست نداریم. می‌خواهیم اگر کار می‌کنیم کارفرمای ما عصبانی نباشد.
- ما کودکان کار، بازی کردن را دوست داریم.
- ما کودکان کار برای این‌که کار می‌کنیم دستان‌مان، کمرمان و پاهای‌مان درد می‌گیرد.
- ما کودکان کار، موقع کار کردن زخمی می‌شویم و آسیب می‌بینیم.
- برای ما کودکان کار، کار کردن یعنی خستگی، خستگی، خستگی.
- کار کردن برای پدران و مادران است.
- چرا ما کودکانی که کار می‌کنیم، مجبور می‌شویم زود عروسی کنیم؟
- ما کودکان کار، دوست نداریم کار کنیم چون ذهن‌مان را جا می‌گذاریم.
- ما کودکان کار، دوست داریم ورزش کنیم.
- ما کودکان کار، دوست داریم وظیفه‌مان درس خواندن باشد.
- ما کودکان کار دوست داریم در آینده با شغل‌های خوب زندگی کنیم تا مفید باشیم و آدم‌های به درد بخوری باشیم.
- آرزو، چیز خوبی است. هر آدمی آرزو دارد. آرزو بهترین چیز در دنیا است. آرزو یعنی پیشرفت کردن. یعنی سخت تلاش کردن. ما کودکان کار هم آرزوهایی داریم و برای آرزوهای‌مان تلاش می‌کنیم اما برای رسیدن به آرزوهای‌مان و پیشرفت‌مان کمک لازم داریم.
- ما کودکان کار، خیلی کار کردیم و در آینده که ازدواج کردیم، نمی‌گذاریم بچه‌های‌مان کار کنند. ما آنها را مدرسه می‌فرستیم تا چیزهای خوبی یاد بگیرند.
- ما کودکان کار، آرزو داریم جنگ همه جا تمام شود و کسی کشته نشود.
- ما کودکان کار، آرزو داریم هیچ کودکی کار نکند و گرسنگی در دنیا نباشد.



ترجمه: پادین فاضلیان

مروری بر شواهد و چندوچون سیاست‌ها

کار کودک در بزنگاه تاریخی

طبق آمارهای جهانی در آغاز سال ۲۰۲۰ از هر ۱۰ کودک ۵ ساله و بالاتر، ۱ نفر کودک کار بوده و این رقم به طور کلی معادل ۱۶۰ میلیون کودک (۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر) بوده است. گرچه طی دو دهه‌ی اخیر تلاش‌های بسیار زیادی در راستای کاهش تعداد کودکان کار انجام گرفته اما جدیدترین آمارها حاکی از آن است که پیشرفت جهانی این اقدامات از سال ۲۰۱۶ به بعد متوقف شده است.^۱

طبق برآوردهای جهانی پیشرفت منطقه‌ای این پدیده در طول ۲۰ سال گذشته روندی نابرابر داشته است. به طوری که آسیا و اقیانوسیه (AP) و آمریکای لاتین و دریای کارائیب (LAC) به طور کلی کاهش ثابتی را نشان می‌دهند، اما در منطقه‌ی جنوب صحرای آفریقا (SSA) این نرخ از سال ۲۰۱۲ به بعد افزایش یافته است. اگرچه در مناطق مختلفی از کشورها آماری نابرابر مشاهده می‌شود اما امروزه به طور کلی تعداد کودکان کار در SSA از مجموع تعداد کودکان کار سایر نقاط جهان بیشتر است.

نتایج حاصل از مطالعه‌ی گروه‌های مختلف سنی کودکان کار نشان می‌دهد که بیشترین میزان رشد این پدیده در کودکان ۵ تا ۱۱ ساله رخ داده است، حال آن‌که نرخ رشد این پدیده در میان کودکان ۱۲ ساله یا بالاتر نمایان‌گر یک روند کاهش پیوسته بوده است. در این بین آمار مربوط به دختران بهتر از پسران بوده است، به طوری که روند کاهش این پدیده در مورد پسران بسیار کند بوده و در سال‌های اخیر حتا نرخ افزایشی به خود گرفته است.^۲

آمارهای ذکر شده مواردی مانند حقوق، رفاه و توسعه‌ی کودکان و همچنین تلاش‌های انجام گرفته از طریق اهداف توسعه‌ی پایدار و سایر مکانیسم‌های ریشه‌کنی پدیده‌ی کار کودکان را به طور کلی زیر سوال می‌برد. نکته اینجاست که این آمار نگران‌کننده تنها مربوط به قبل از شروع بحران کووید-۱۹ بوده و به‌طور مسلم خود این بحران میلیون‌ها کودک دیگر را نیز به تعداد این کودکان کار اضافه کرده است. طبق برآوردهای انجام گرفته، در صورت عدم به کارگیری راهبردهای کاهش تا پایان سال ۲۰۲۲ تعداد کودکان کار به دلیل فقر و آسیب‌پذیری‌های بیشتر به رقمی بالغ بر ۸.۹ میلیون نفر افزایش خواهد یافت.^۳

تعریف کار کودک

سه سند اصلی بین‌المللی حقوق بشر و کار یعنی کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حداقل سن پذیرش استخدام مربوط به سازمان جهانی کار (شماره‌ی ۱۳۸) و کنوانسیون جهانی بدترین اشکال کار کودک (شماره‌ی ۱۸۲) مربوط به سازمان جهانی کار، مرزهای قانونی کار کودکان را تعیین کرده و زمینه‌ی اقدامات ملی و بین‌المللی مورد نیاز برای پایان دادن به این پدیده را فراهم ساخته‌اند. کار کودک دربرگیرنده‌ی کارهایی است که کودکان برای انجام آن بسیار کوچک هستند، یعنی کمتر از حداقل سن کار که به‌طور معمول ۱۵ سال است (کشورهای در حال توسعه ممکن است آن را ۱۴ سال تعیین کنند)، و حداقل سن ۱۳ سال برای کارهای سبکی که با تحصیل کودکان دارای تداخل نیست. در تمامی موارد حداقل سن تعیین شده برای کار بایستی با سن پایان تحصیلات اجباری یکسان باشد. حداقل سن برای کارهای خطرناک (یعنی کاری که به دلیل ماهیت یا شرایط آن ممکن است به سلامت، ایمنی یا رشد اخلاقی کودکان آسیب برساند) ۱۸ سال است. کار خطرناک یکی از بدترین اشکال کار کودک است که شامل برده‌داری کودکان و اعمال مشابه آن، استثمار جنسی تجاری و استفاده از کودکان در فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق مواد مخدر است. کار کودک می‌تواند شامل کار به صورت رسمی و آزاد، در داخل و خارج از محیط خانواده، در ازای حقوق یا منفعت (نقدی یا غیرنقدی، پاره وقت یا تمام وقت) و کار خانگی (با حقوق یا بدون حقوق) در خارج از خانه‌ی خود کودک و برای یک کارفرما باشد. منبع: سازمان جهانی کار.^۴

نظام‌های قوی حمایت اجتماعی: لازمی کاهش و حذف پدیده‌ی کار کودک

طبق آمارهای جهانی در آغاز سال ۲۰۲۰ از هر ۱۰ کودک ۵ ساله و بالاتر، ۱ نفر کودک کار بوده و این رقم به طور کلی معادل ۱۶۰ میلیون کودک (۶۳ میلیون دختر و ۹۷ میلیون پسر) بوده است



- ۱- (ILO and UNICEF 2021)
- ۲- (ILO and UNICEF 2021)
- ۳- (ILO and UNICEF 2021)
- ۴- ILO (2018a).

در کنار مواردی نظیر کاهش خطرات فقر، کاهش آسیب‌پذیری خانواده، حمایت از معیشت و ثبت‌نام در مدارس، به‌کارگیری سیستم‌های حمایت اجتماعی دولت نیز در مبارزه برای ریشه‌کنی و جلوگیری از پدیده‌ی کار کودکان ضروری است.^۵

خوشبختانه طی سالیان اخیر بسیاری از کشورها با تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی خود و ایجاد سطوح مؤثری از حمایت اجتماعی^۶، به میزان زیادی پوشش حمایت اجتماعی مورد نیاز در این زمینه را فراهم کرده‌اند. با این حال، پوشش جهانی این طرح‌ها همچنان در سطح پایینی قرار دارد. به طوری‌که از سال ۲۰۲۰ به بعد کمتر از نیمی از جمعیت جهان در عمل تحت پوشش حداقل یک مزیت حمایت اجتماعی قرار داشته‌اند و در این بین، بیش از چهار میلیارد نفر فاقد هرگونه حمایت اجتماعی بوده‌اند. طرح‌های حمایت اجتماعی از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر دارای تفاوت بسیار بوده، و اغلب همسویی بالایی با سطح درآمد افراد داشته‌اند.

نکته اینجاست که در رابطه با پدیده‌ی کودکان کار در سطح جهانی اکثریت قریب به اتفاق کودکان زیر ۱۵ سال (۷۳٫۶ درصد معادل ۱٫۵ میلیارد کودک) از هیچ طرح پوشش مالی مخصوص کودکان یا خانوار برخوردار نیستند.^۷ در واقع در بیشتر موارد هیچ راهبرد مستقیمی مختص کودکان یا پدیده‌ی کودکان کار طراحی نشده است. در مواردی هم که مزایای مشابهی در دسترس است، این مزایا کافی و جامع نبوده، مختص کودکان ارایه نشده و کیفیت خدمات نیز در سطح پایینی قرار دارد.

محدودیت پوشش طرح‌های اجتماعی و کیفیت پایین این طرح‌ها با سطح پایین سرمایه‌گذاری در طرح‌های حمایت اجتماعی دارای ارتباط است. قبل از همه‌گیری کرونا کشورهای کم درآمد (LIC) و کشورهای دارای درآمد متوسط به پایین (LMIC) به ترتیب ۱٫۱ و ۲٫۵ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف طرح‌های حمایت اجتماعی (به غیر از مراقبت‌های بهداشتی) می‌کردند، حال آن‌که این میزان در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا (UMIC) معادل ۸ درصد و در کشورهای با درآمد بالا (HIC) معادل ۱۶٫۴ درصد بوده است. در واقع می‌توان گفت که کشورها به طور متوسط ۱۲٫۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف طرح‌های حمایت اجتماعی کرده‌اند که از این میزان تنها ۱٫۱ درصد مختص کودکان بوده است.^۸ با توجه به اینکه کودکان حدود ۲۸ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، پر واضح است که این سطح از بودجه‌های اختصاص یافته برای طرح‌های حمایت اجتماعی مختص کودکان بسیار پایین است. بنابراین برای حصول اطمینان از حداقل تأمین مالی کلی برای کودکان طرح افزایش بودجه‌های اختصاص یافته برای این کار بایستی در اولویت قرار گرفته و در کنار آن برخی اقدامات مرتبط با پدیده‌ی کودکان کار نیز می‌بایست انجام گیرد.

پس از شیوع بیماری کووید-۱۹ نیاز افراد به مراقبت‌های بهداشتی درمانی، حقوق دوران بیماری و بیکاری، و همچنین مراقبت‌ها و سیاست‌های مختص خانوار به شدت افزایش یافته است، به طوری که در سال ۲۰۲۰ شاهد بزرگترین بسیج اقدامات حمایت اجتماعی دولت تا کنون بوده‌ایم.^۹ طبق برآوردهای سازمان جهانی کار گسترش طرح‌های حمایت اجتماعی برای پاسخگویی مناسب به بحران کووید-۱۹ مابین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ منجر به کاهش تعداد کودکان کار تا ۱۵٫۱ میلیون کودک خواهد شد.^{۱۰}

با این حال تأمین نیازهای خانواده‌های دارای فرزند از طریق این حمایت‌ها بسیار محدود بوده است. به طوری که محرک‌های دولتی در کشورهای دارای درآمد بالا و متوسط به میزان کمی از اقدامات حمایت اجتماعی مختص کودکان بهره گرفته و به جای آن طرح‌های حمایتی خود را بر روی کسب‌وکارها و طرح‌های حمایت شغلی معطوف کرده‌اند.^{۱۱} یعنی به طور معمول خانواده‌های فاقد شغل مطمئن و کار رسمی را از طرح‌های خود کنار گذاشته‌اند. گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در گزارش خود با موضوع فقر شدید، طرح‌های حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در واکنش به کووید-۱۹ را بسیار ناکافی دانسته و آنها را طرح‌هایی «ناسازگار، کوتاه‌مدت، واکنش‌پذیر و بی‌توجه به واقعیت زندگی افراد فقیر» توصیف کرده است.^{۱۲}

پیشنهادات

برای تقویت سیستم‌های حمایت اجتماعی با هدف کاهش و حذف پدیده‌ی کار کودکان پیشنهادهاى ارایه شده در این گزارش بدین شرح است:

اقدام به حذف شکاف‌های موجود در ارایه‌ی پوشش‌های حمایت اجتماعی مختص کودکان با ترویج سیستم‌های حمایت اجتماعی فراگیر و تأمین مالی پایدار و عادلانه برای این امر

آمارهای ذکر شده مواردی مانند حقوق، رفاه و توسعه‌ی کودکان و همچنین تلاش‌های انجام گرفته از طریق اهداف توسعه‌ی پایدار و سایر مکانیسم‌های ریشه‌کنی پدیده‌ی کار کودکان را به طور کلی زیر سوال می‌برد

۵- (ILO 2013; ILO and UNICEF 2019 and 2021; Dammert et al. 2018; De Hoop and Rosati 2014a)

۶- (ILO 2021d)

۷- (ILO 2021d)

۸- (ILO 2021d)

۹- (Gentilini et al. 2022; LO 2021c and 2021d).

۱۰- (ILO and UNICEF 2021)

۱۱- (Richardson et al. 2020a and 2020b)

۱۲- (De Schutter 2020).



❖ با کودکان کار دنیا

به عنوان یک اولویت. در همین راستا می‌توان حقوق و مزایای کودکان را در اولویت قرار داده و دو میلیارد کارگر مشغول به کار آزاد را نیز تحت پوشش طرح‌های حمایت اجتماعی قرار داد. مورد دوم تبدیل این کارگران به کارگران رسمی را در پی خواهد داشت. همین رسمی‌سازی یک گام حیاتی در سیستم‌های مالیاتی و طرح‌های انتقال خواهد بود.

برای ایجاد سیستم‌های حمایت اجتماعی نباید منتظر توسعه ماند؛ این سیستم‌ها خود به مثابه‌ی کلیدی، برای توسعه هستند. مکمل بودن انواع برنامه‌های حمایت اجتماعی موجود در یک سیستم در واقع کل تلاش‌های انجام‌گرفته برای رسیدگی به عوامل تعیین‌کننده‌ی آسیب‌پذیری خانواده‌ها در برابر کودکان کار و در طول زندگی ایشان را تعیین خواهد کرد. همین امر در مورد تأمین اجتماعی یکپارچه و بین بخشی کودکان نیز صادق است. چراکه هیچ برنامه‌ی واحدی به طور مجزا قادر به انجام این کار نخواهد بود.

در راستای حمایت از تلاش‌های مرتبط با سیستم‌سازی، سیاست‌گذاران با استفاده از تعهدات سیاست جهانی موجود در زمینه‌ی حفاظت اجتماعی جهانی می‌توانند اجماع سیاسی مورد نیاز برای این اقدام را ایجاد کنند. در واقع تعهدات و چارچوب‌های موجود از جمله دستور کار و اهداف توسعه‌ی پایدار (SDGS) و اجماع قوی سیاست سه جانبه مورد توافق کنفرانس جهانی کار فرصت لازم برای انجام این کار را فراهم کرده است.

اهمیت شاکله‌ی سیاست‌های حمایت اجتماعی

گرچه طرح‌های حمایت اجتماعی ابزار قدرتمندی برای مبارزه با پدیده‌ی کودکان کار است اما تضمینی وجود ندارد که در تمامی موارد منجر به کاهش این پدیده شود. برای نمونه، برخورداری این خانواده‌ها از مزایای نقدی می‌تواند منجر به کاهش تقاضا برای کار کودکان شده و سرمایه‌گذاری خانوار برای آموزش کودکان را افزایش دهد، اما در عین حال، همین انتقال‌ها ممکن است منجر به سرمایه‌گذاری خانوارها در دارایی‌های تولیدی مانند نهادهای دامی یا کشاورزی شده و به طور بالقوه‌ای منجر به افزایش تقاضا برای کار کودکان شود. گسترش فعالیت‌های اقتصادی خانوار باعث می‌شود که کودکان نیز (گاهی در شرایط کاری بسیار خطرناک) در انجام این فعالیت‌ها سهیم شوند. این رویداد به‌ویژه زمانی رخ می‌دهد که خانواده‌ها توانایی دسترسی به فناوری‌های صرفه‌جویی‌کننده در نیروی کار یا استخدام کارگران بزرگسال را در اختیار ندارند.

در راستای حصول اطمینان از عدم افزایش کار کودکان در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری‌های مولد خانواده‌ها، ویژگی‌های طراحی برنامه‌های حمایت اجتماعی بسیار حائز اهمیت خواهند بود. مبالغ انتقال، منظم بودن، قابل پیش‌بینی بودن، و مدت پرداخت‌ها همگی می‌توانند تاثیر طرح‌های حمایت اجتماعی بر روی کار کودکان را تعیین کنند. از آنجایی که کار کودک تحت تاثیر قوانین ملی کار کودک و ظرفیت اجرایی، هنجارهای اجتماعی، زیرساخت‌ها و بازارهای محلی، و همچنین کیفیت و دسترسی به مدرسه قرار می‌گیرد، کاهش پدیده‌ی کار کودکان مستلزم در نظرگیری این زمینه‌ها در تعیین ویژگی‌های طراحی برنامه خواهد بود. به طور کلی، برای ارایه‌ی جایگزین‌های پایدار و مطمئن برای کار کودکان ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی (تحت حمایت قوانین و اجرای مناسب ملی) برای خانواده‌ها و کودکان مورد نیاز است.^{۱۳}



پیشنهادات

در راستای تقویت طراحی برنامه‌های حمایت اجتماعی با هدف کاهش و حذف پدیده‌ی کودکان کار (به ویژه بدترین اشکال آن) پیشنهادهای ارائه شده در این گزارش بدین شرح است:

به کارگیری نوعی از برنامه‌های حمایت اجتماعی فراگیر همگانی که بتواند پوشش و پذیرش مزایا را افزایش دهد. این اهم از طریق محدود کردن خطاهای طرد (خطا در شناسایی مشمولین)، کاهش انگ و شرم (برای درخواست حمایت از جانب مشمولین)، و تعریف روال‌های پیچیده، که در نتیجه منجر به رفع هزینه‌های انتقال و فرصت‌یابی شود. اعمال نوعی از طرح‌های مختص کودکان که با پیامدهای بالقوه‌ی به‌کارگیری کودکان در بخش‌های مختلف کاری در ارتباط است. این طرح‌ها می‌توانند دربرگیرنده‌ی تاکید بر حقوق کودکان یا ارائه‌ی اطلاعات درباره‌ی خطرات پدیده‌ی کار کودکان باشد. در این بین «پیام‌های» مثبت درباره‌ی اهمیت آتی آموزش کودکان به جای سهمیم کردن ایشان در فعالیت‌ها نیز می‌تواند تفاوت بالقوه‌ای را ایجاد کند.

حصول اطمینان از کفایت و پیش‌بینی‌پذیری مزایای حمایت اجتماعی. انجام این کار منجر به ایجاد اثرات محافظتی در برابر کار کودکان خواهد شد. تعیین سطوح مناسب مزایا به معنای آن است که اندازه‌ی خانوار و تعداد فرزندان بایستی در نظر گرفته شود، مبالغ نقل و انتقال با قیمت‌ها و دستمزدهای محلی دارای تطابق باشد، و در تعیین این مبالغ انتقالی سطح تورم موجود نیز در نظر گرفته شود. پرداخت‌های منظم منجر به درآمدهای قابل پیش‌بینی و اتخاذ تصمیمات بلندمدت (نظیر سرمایه‌گذاری‌های مولد) شده و همزمان با تضمین آینده‌ی این خانواده‌ها، از کودکان در معرض خطر کار کودک نیز محافظت خواهد شد.

ترکیب برنامه‌های حمایت اجتماعی را با مداخلات تکمیلی و تأمین مالی شده در بخش‌های آموزشی و بهداشتی. این امر به ویژه در محیط‌های بشردوستانه یا آن دسته از مکان‌هایی حائز اهمیت است که ارائه‌ی خدمات آنها ضعیف بوده و یا عرضه با تقاضا همخوانی ندارد. برای نمونه، در مکان‌هایی که امکانات آموزشی وجود نداشته و یا سطوح آموزشی از کیفیت پایینی برخوردار است، خانوارها ممکن است انگیزه‌ی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری مزایای دریافتی در زمینه‌های آموزشی را از دست بدهند.

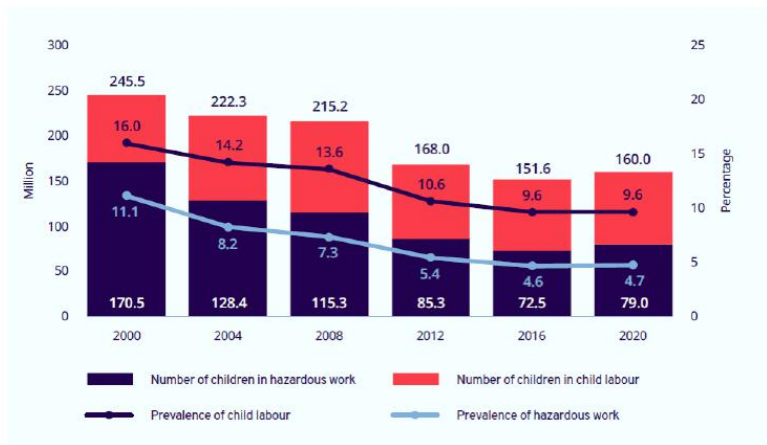
رواج کار کودک در سال‌های اخیر

طی دو دهه‌ی گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌ی کاهش کار کودکان در سطح جهانی حاصل شده است^{۱۴}. به طوری که مابین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ (قبل از شروع کووید-۱۹) تعداد کودکان کار تا ۸۵,۵ میلیون نفر کاهش یافته است. رواج پدیده‌ی کار کودکان نیز به میزان زیادی (از ۱۶ به ۹,۶ درصد) کاهش یافته و نرخ کودکان فعال در شرایط خطرناک نیز پیشرفت‌های مشابهی را شاهد بوده است (شکل ۱,۱).

با این حال، کاهش رواج کار کودک در طول زمان کند شده و از سال ۲۰۱۶ به‌طور تقریب متوقف شد. به طوری که مابین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ تعداد مطلق کودکان کار تا بیش از هشت میلیون نفر (از ۱۵۲ به ۱۶۰ میلیون کودک) افزایش یافت، که از این تعداد ۷۹ میلیون کودک تحت شرایطی کار می‌کردند که به طور مستقیم سلامت و ایمنی آنها را به خطر می‌انداخت.



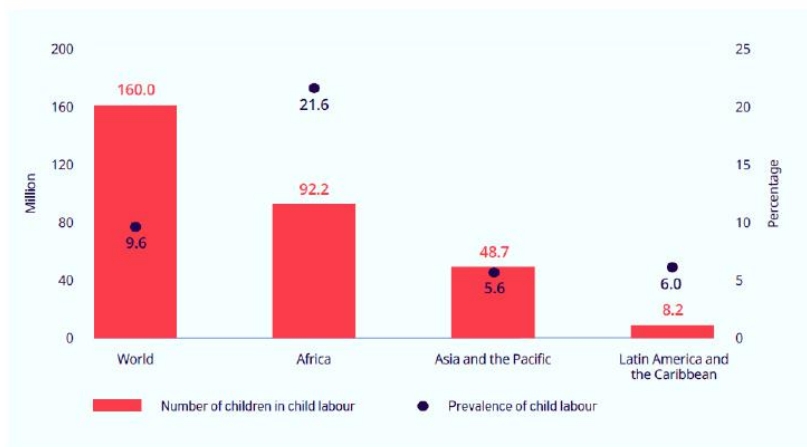
با کودکان کار دنیا



Source: ILO and UNICEF (2021).

شکل ۱،۱: برآوردهای جهانی مربوط به سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ درباره‌ی درصد و تعداد کودکان ۵ تا ۱۷ ساله‌ی مشغول به کار کودکان و کارهای خطرناک همچنین میزان رواج کار کودکان نیز از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر به‌طور کامل متفاوت است. شکل ۱،۲ نمایان‌گر تعداد کودکان کار و میزان رواج کار کودکان در مناطق مختلف است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید آمارهای مربوط به هر دو به‌طور کامل نابرابر است. در این بین آفریقا هم از نظر تعداد مطلق و هم از نظر شدت رواج در بالاترین میزان قرار دارد. در اوایل سال ۲۰۲۰ میزان رواج کار کودکان در آفریقا ۲۱،۶ درصد یعنی بیش از دو برابر میانگین جهانی بوده است.

► Figure 1.2 Percentage and number (in million) of children aged 5 to 17 in child labour, by region, 2020



Source: ILO and UNICEF (2021).

شکل ۱،۲ آمار منطقه‌ای مربوط به سال ۲۰۲۰ درباره‌ی درصد و تعداد (به میلیون) کودکان ۵ تا ۱۷ ساله‌ی مشغول به کار کودکان

عواملی که منجر به تفاوت تعداد کودکان کار بین مناطق می‌شوند:

فقر پولی و چند بعدی بر میزان رواج کار کودکان تأثیر می‌گذارد، زیرا کار کودکان یکی از راه‌هایی است که خانواده‌ها از طریق آن می‌توانند خطرات فقر و محرومیت را مدیریت کنند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا نرخ بالاتری از کار کودکان و سطح بالاتری از فقر مشاهده می‌شود که دو نفر از هر پنج نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهد^{۱۵}. بیشتر نگرانی‌ها بدان جهت است که طبق برآوردهای انجام گرفته از هر ده کودک اهل جنوب صحرای آفریقا تا سال ۲۰۳۰ نه کودک در فقر شدید زندگی خواهند کرد^{۱۶}.

غیررسمی بودن مشاغل در سراسر جهان به‌طور تقریبی از سوی دو میلیارد کارگر تجربه می‌شود، که منجر به درآمدهای پایین‌تر و نامنظم، شرایط کاری ناایمن و بی‌ثباتی شغلی

۱۵- (World Bank 2022)

۱۶- (UNICEF 2016b)

۱۷- (ILO 2018b)

شدید می‌شود. علاوه بر این، غیررسمی بودن مشاغل به معنای دسترسی کمتر به طرح‌های حمایت اجتماعی و کمک‌های اجتماعی با اهداف محدود است. منطقه‌ی آفریقا که در آخرین بررسی‌های انجام گرفته دارای بالاترین نرخ کودکان کار بوده است، از بیشترین میزان رواج اشتغال غیررسمی (۸۵,۶ درصد) در سال ۲۰۱۶ نیز برخوردار بوده است.^{۱۷}

طرح‌های حمایت اجتماعی با فراهم‌سازی منابع اضافی درآمد منظم و دسترسی به مراقبت‌های درمانی، یا جبران خسارت خانوارها در مواجهه با شوک‌های اقتصادی یا درمانی، به طور موثری می‌توانند نیاز خانوارها را برای توسل به کار کودکان به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه یا مقابله‌ای کاهش دهند. با وجود پیشرفت‌های انجام گرفته در زمینه‌ی گسترش طرح‌های حمایت اجتماعی، میزان پوشش این طرح‌ها کافی نبوده و از توزیع نابرابری در میان مناطق برخوردار است.

تحصیل، یا خارج از مدرسه بودن کودکان، اغلب با کار کودکان دارای ارتباط است. بنابراین کاهش تعداد کودکان کار مستلزم آن است که خانواده‌ها بتوانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند، و از طرفی مزایای دریافتی خانواده‌هایی که کودکان خود را به مدرسه می‌فرستند بایستی بیشتر از خانواده‌های درگیر با کار کودک باشد. اگرچه آمار کودکان خارج از مدرسه‌ی ابتدایی طی سال‌های اخیر و در سطح جهانی به طور قابل توجهی کاهش یافته است اما همچنان تفاوت‌های منطقه‌ای زیادی در زمینه‌ی هزینه‌های آموزشی و دسترسی به مدارس وجود دارد.^{۱۸}

نرخ‌های متفاوت رشد جمعیت منطقه‌ای به احتمال با روند کار کودکان دارای ارتباط است. در LAC، تعداد کودکان کار مشغول از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ حدود شش میلیون کاهش یافته است که از کاهش جمعیت کودکان به میزان ۴,۸ میلیون نشأت می‌گیرد. حال آن‌که طی دوره‌ای مشابه، AP با وجود افزایش ۱۲,۸ میلیونی جمعیت کودکان با کاهش ۶۴,۹ میلیونی تعداد کودکان کار مواجه شده است. به طور مقابل، در SSA همزمان با افزایش ۱۰۴,۸ میلیونی جمعیت کودکان، تعداد کودکان کار تا ۲۱,۵ میلیون نفر افزایش یافته است.

رواج کار کودکان از زمان همه‌گیری کووید-۱۹

پس از شیوع همه‌گیری کووید-۱۹، مواجه شدن خانوارها با زیان‌های اقتصادی و شوک‌های مرتبط با سلامتی، خطر کار کودکان را نیز به طور قابل توجهی افزایش داد. تعطیلی طولانی مدارس عامل تعیین‌کننده‌ی دیگری در این زمینه بود. داده‌های نظرسنجی مربوط به زمان آغاز همه‌گیری موید کاهش فوری مشارکت کودکان در فعالیت‌های اقتصادی بود. چنین آماری نمایان‌گر آن است که کاهش کلی فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با قرنطینه بر تعداد کودکان کار نیز تأثیر گذاشته است.^{۱۹} اما در برخی از خانواده‌ها که به دلیل قرنطینه با کاهش درآمد روبرو شده بودند، کودکان به میزان بیشتری آغاز به کار کرده‌اند. شهادت ۸۱ کودک در سراسر غنا، نیپال و اوگاندا نشان داد که این کودکان برای فرار از گرسنگی مجبور به کار بوده‌اند، چراکه خانواده‌های ایشان غذای کافی در اختیار نداشته‌اند. در این بین کودکانی که پیش از شیوع بیماری نیز کار می‌کردند، این بار با تعطیلی مدارس ساعات بیشتری را مشغول به کار بوده‌اند.^{۲۰}



- Al-Samarrai, S., P. Cerdan-Infantes, A. Bigarinova, J. Bodmer, M. Vital, M. Antoninis, B. Barakat, and Y. Murakami. ۲۰۲۱. Education Finance Watch ۲۰۲۱. Washington, DC: The World Bank.
- Beyond COVID۱۹-: Social Protection in Southern Europe and Central Asia. Florence: UNICEF Office of Research – Innocenti.
- Dammert, A.C., J. Hoop, E. Mvukiyehe, and F.C. Rosati. ۲۰۱۸. “Effects of Public Policy on Child Labor: Current Knowledge, Gaps, and Implications for Program Design”. World Development :۱۱۰ ۲۳-۱۰۴.
- De Hoop, J., and F.C. Rosati. ۲۰۱۴a. “Cash Transfers and Child Labor”. World Bank Research Observer ۳۳-۱ : (۲) ۲۹.
- De Schutter, O. ۲۰۲۰. Looking Back to Look Ahead: A Rights-Based Approach to Social Protection in the Post-COVID۱۹- Economic Recovery. Report by the Special Rapporteur on extreme poverty and human rights. Geneva: OHCHR.
- Gentilini, U., M.B.A. Almenfi, J. Blomquist, P. Dale et al. ۲۰۲۲. Social Protection and Jobs Responses to COVID۱۹-: A Real-Time Review of Country Measures. ۲ February ۲۰۲۲, “Living paper” version ۱۶. Washington, D.C: The World Bank.
- Gentilini, U., M.B.A. Almenfi, J. Blomquist, P. Dale et al. ۲۰۲۲. Social Protection and Jobs Responses to COVID۱۹-: A Real-Time Review of Country Measures. ۲ February ۲۰۲۲, “Living paper” version ۱۶. Washington, D.C: The World Bank.
- Human Rights Watch. ۲۰۲۱. “I Must Work to Eat”: COVID۱۹-, Poverty, and Child Labor in Ghana, Nepal, and Uganda, New York: Human Rights Watch.
- ILO and UNICEF. ۲۰۱۹. Towards Universal Social Protection for Children: Achieving SDG ۱,۳: ILO-UNICEF Joint Report on Social Protection for Children. Geneva and New York: ILO and UNICEF.
- ILO and UNICEF. ۲۰۲۱. Child Labour: Global Estimates ۲۰۲۰ – Trends and the Road Forward. Geneva and New York: ILO and UNICEF.
- ILO and UNICEF. Forthcoming. Methodology of the ۲۰۲۰ ILO-UNICEF Global Estimates of Child Labour. Geneva and New York: ILO and UNICEF.
- ILO. ۲۰۱۳. World Report on Child Labour: Economic Vulnerability, Social Protection and the Fight against Child Labour. Geneva: ILO.
- ILO. ۲۰۱۸a. Resolution to Amend the ۱۸th ICLS Resolution Concerning Statistics of Child Labour. ICLS/۲۰۱۸/۲۰/Resolution IV. Geneva: ILO.
- ILO. ۲۰۱۸b. Women and Men in the Informal Economy: A Statistical Picture, third edition. Geneva: ILO.
- ILO. ۲۰۲۰a. “Extending Social Protection to Informal Workers in the COVID۱۹- Crisis: Country Responses and Policy Considerations”. Social Protection Spotlight. ۸ September ۲۰۲۰. Geneva: ILO.
- ILO. ۲۰۲۰b. “Financing Gaps in Social Protection: Global Estimates and Strategies for Developing Countries in Light of COVID۱۹- and Beyond”. Social Protection Spotlight. ۱۷ September ۲۰۲۰. Geneva: ILO.
- ILO. ۲۰۲۱c. “Towards Social Protection Floors? The Role of Non-Contributory Provision during the COVID۱۹- Crisis and Beyond”. Social Protection Spotlight. January ۲۰۲۱.
- ILO. ۲۰۲۱d. World Social Protection Report ۲۲-۲۰۲۰: Social Protection at the Crossroads – in Pursuit of a Better Future. Geneva: ILO.
- Richardson, D., A. Carraro, V. Cebotari, A. Gromada, and G. Rees. ۲۰۲۰a. Supporting Families and Children Beyond COVID۱۹-: Social Protection in High-Income Countries. Florence: UNICEF Office of Research – Innocenti.
- Richardson, D., V. Cebotari, A. Carraro, and K.A. Damoah. ۲۰۲۰b. Supporting Families and Children
- Thévenon, O., and E. Edmonds. ۲۰۱۹. “Child Labour: Causes, Consequences and Policies to Tackle it”. OECD Social, Employment and Migration Working Papers No. ۲۳۵. Paris: OECD.
- UNICEF. ۲۰۱۶b. The State of the World’s Children ۲۰۱۶: A Fair Chance for Every Child. New York: UNICEF.
- World Bank. ۲۰۲۲. “World Development Indicators”.

بانگ نی

گوهر دریاست از ساحل نهران
تا نرفتی در میان، نشناختی
چون در او افتی بدانی کیست این
مرده را دریا به ساحل افکند
چنگ او را هر زمان آهنگهاست
آن شنیدن‌ها و دیدن‌ها کوش؟
گوش‌ها را لذت آواز نیست
از شنیدن راه جوید در نقوش
بشنود از هر نگاهی صد نوا
بشنود چشم و ببیند گوش تو
درد را می‌دید و می‌شد چاره‌ساز
این‌ت نابینایی و حرمان و مرگ
ور نه از دیدار خود شرمنده‌ای
بی‌خبر ماندی ز آواز درخت
دانه افشاندی و دام انداختی
تا ز خود خواهی بگویی: مرغ من!
مرغ را پرواز آزادی خوش است
می‌گریزد مرغ آزاد از قفس
در گشا، تا مرغت آید از قفا
بی‌نیاز دانه و بی‌رنج دام
در قفس چون گربه چنگش می‌زنی
زان‌که بر هر شاخسارش بلبلی‌ست
بشنوی در گوش دل، گلبانگ خون
از هوشان راه با یکدیگر است
میل او بر باغ دیگر می‌کشد
وه ازین پیک و پیام نازنین
ریشه‌ها را دست در دست هم است
پای از زندان خود بیرون گذار
کار ما زین دست، کارستان شود
آدمی با آدمی دارد نیاز
پس پدید آید چه دریا‌های نو...

...هیبت دریا نه این است و نه آن
نقش دریا از کران پرداختی
خفته بر ساحل ندانی چيست این
زنده باید تا ز جان دل بر کند
وه که دریا را فراوان رنگ‌هاست
تا نه پنداری که داری چشم و گوش
چشم‌ها را جلوه‌های ناز نیست
گوش را گر عشق بخشد ناز و نوش
چشم را چون دل بود فرمانروا
آری ای جان، چون بجوشد هوش تو
دست عیسی از چه آمد دلنواز؟
تو نبینی باد را الا به برگ
گر ببینی باد را بیننده‌ای
تو به بانگ مرغ خو کردی و، سخت
مرغ را هم بر سزا نشناختی
در قفس کردی تو مرغ خوش سخن
ناله از کنج قفس شادی کوش است
خود قفس گشتی پر از باد هوس
باغ‌ها در سینه داری با صفا
مرغ می‌آید در آغوش مدام
مرغ می‌آید تو سنگش می‌زنی
در چمنزار درونت غلغلی‌ست
سر بنه در خود که از باغ درون
باغ‌ها را گرچه دیوار و در است
شاخه از دیوار سر بر می‌کشد
باد می‌آرد پیام آن به این
شاخه‌ها را از جدایی گر غم است
تو نه کمتر از درختی سر برآر
دست من با دست تو دستان شود
ای برادر در نشیب و در فراز
گر تو چشم او شوی، او گوش تو

